

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

قال الله عزَّ وجلَّ:

{إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيرًا}

خدا فقط می خواهد پلیدی را از شما اهل بیت ببرد و کاملاً شما را پاک سازد

(سورة الأحزاب: الآية 33)

تعداد بسیار زیادی از احادیث شریف نبوی در منابع شیعه و سنی بر این امر دلالت دارند که این آیه مبارکه در خصوص پنج تن آل عبا بوده، و واژه «اهل بیت» ویژه ایشان است و اینان: محمد، علی، فاطمه، حسن و حسین[^] می باشند. به عنوان مثال رجوع کنید به:

مسند احمد (241 هـ): 1 : 331، 4 : 107، 6 : 292 و 304؛ صحیح مسلم (261 هـ): 7 : 130؛ سنن ترمذی (279 هـ): 5 : 361 و ...؛ السنن الکبری نسائی (303 هـ): 5 : 108 و 113؛ الذریة الطاهرة النبویة دولابی (310 هـ): 108؛ المستدرک علی الصحیحین حاکم نساپوری (405 هـ): 2 : 416، 3 : 133 و 146 و 147؛ البرهان زرکشی (794 هـ): 197؛ فتح الباری شرح صحیح البخاری ابن حجر عسقلانی (852 هـ): 7 : 104؛ اصول الکافی کلینی (328 هـ): 1 : 287؛ الامامة والتبصرة ابن بابویه (329 هـ): 47، ح 29؛ دعائم الاسلام مغربی (363 هـ): 35 و 37؛ الخصال صدوق (381 هـ): 403 و 550؛ الامالی طوسی (460 هـ): ح 438 و 482 و 783. و نیز به تفسیر آیه در منابع زیر ر.ک: جامع البیان طبری (310 هـ): أحكام القرآن جصاص (370 هـ): أسباب النزول واحدی (468 هـ): زاد المسیر ابن جوزی (597 هـ): الجامع لأحكام القرآن قرطبی (671 هـ): تفسیر ابن کثیر (774 هـ): تفسیر ثعالبی (825 هـ): الدر المنثور سیوطی (911 هـ): فتح القدر شوکانی (1250 هـ): تفسیر عیاشی (320 هـ): تفسیر قمی (329 هـ): تفسیر فرات کوفی (352 هـ) ذیل آیهی اولوا الامر: مجمع البیان طبرسی (560 هـ) و بسیاری از منابع دیگر.

نقش اهل بیت ^

در بنیان گذاری جماعت صالحان (2)

(اصول کلی ساختار)

قال رسول الله ' :

إني تاركٌ فيكم الثقلين: كتاب الله وعترتي أهل بيتي ما إن تمسكتهم
بهما لن تضلّوا أبداً، وإِنَّهما لن يفترقا حتّى يردا عليّ الحوض.

پیامبر اکرم ' می فرماید:

من دو [چیز] گرانسنگ در میان شما برجای می گذارم، کتاب
خدا و خاندانم، اهل بیتم، تا زمانی که به این دو تمسک جوئید،
هرگز گمراه نخواهید شد و به درستی که این دو هیچگاه از هم
جدا نمی شوند تا در کنار حوض [کوثر] بر من وارد شوند.

صحیح مسلم: ج 7: 122، سنن الدارمی: ج 2: 432، مستند أحمد: ج 3:
14، 17، 26 و ج 4: 371 و ج 5: 182، 189. مستدرک الحاکم: ج 3:
109، 148، 533 و جز آن.

نقش اهل بیت [^]
در بنیان گذاری جماعت صالحان - 2
(اصول کلی ساختار)

آیه الله سید محمد باقر حکیم

مترجم: کاظم حاتمی طبری

مجمع جهانی اهل بیت [^]

1387



نقش اهل بیت [^] در بنیان گذاری جماعت صالحان (2)

(اصول کلی ساختار)

تالیف: آیه الله سید محمد باقر حکیم

ترجمه: کاظم حاتمی طبری

ویراستاری: مصطفی اسکندری

تهیه کننده: معاونت امور فرهنگی، اداره ترجمه

ناشر: مجمع جهانی اهل بیت [^]

نویت چاپ: اول

تاریخ چاپ: 1391 ش / 1433 هـ

تعداد: 3000 نسخه

چاپخانه: اعتماد - قم

شابک: 978-964-529-320-6

شابک دوره‌ای: 978-964-529-318-3

www.ahl-ul-bayt.org

info@ahl-ul-bayt.org

حقوق چاپ محفوظ است



پیش در آمد

آنگاه که ائمه^۸ جماعت صالح شیعه را بنیاد نهادند، مجموعه‌ای از قواعد و اصول قوی و محکمی را وضع کردند تا این بنا بر آن شالوده قرار گیرد و تمام این اصول و قواعد نیز از آخرین رسالت یعنی اسلام برداشت شده بود که خود از یک جهت جلوه‌ای از فهم صحیح رسالت و از دیگر سو تحقق بخش اهداف و ویژگی‌هایی بود که در بخش گذشته از آن بحث کردیم.

به همین جهت است که می‌یابیم این اصول و قواعد دارای صفت فراگیری، اصالت، استحکام و انسجام بوده، ترکیبی از ابعاد و جوانب مختلف است که همه آنچه لازمه ایجاد ساختاری پولادین و مستحکم برای ایفای نقش تاریخی این جماعت است، در آن موجود می‌باشد: نقشی که از یک جهت مایه حفظ اسلام و امت اسلامی و دفاع از آنها بوده، از دیگر سو خلق الگویی شایسته برای جامعه بشری است.

این اصول و قواعد همچنین نشانگر جنبه عقیدتی، اخلاقی، فرهنگی، معنوی، روح معنوی والا و خط مشی‌های کلی سیاسی است.

بدین ترتیب پنج بخش برای بررسی موضوع این قسمت پیش روی ما خواهد بود و ما ابتدا در باره هر کدام از این پنج بخش به صورت

نقش اهل بیت [^] در بنیان گذاری جماعت صالحان 2

اشاره و اختصار بحث کرده و سپس در بخش دوم از قسمت ششم در بحث از ساختار نظام روابط، تفصیل بیشتری در این رابطه خواهیم داد.

پوشیده نیست که هر کدام از این بخش های پنج گانه در جای خود، نیازمند تحقیق و بررسی مستقل و مستند تحلیلی و تاریخی است.

1

ساختار عقیدتی
جماعت صالحان

اهل بیت [^] به جنبه‌های فکری و عقیدتی اهمیت خاص و فوق العاده‌ای می‌دادند، چرا که جنبه عقیده و فکر، به سان زیر بنایی است که می‌توان ساختار روبنایی هر گروه و جمعیت بشری را بر آن بنا نمود و به هر اندازه که این جنبه قوی‌تر، روشن‌تر، منسجم‌تر و فراگیرتر باشد، جامعه‌ای که بر اساس آن ساخته می‌شود نیز، قوی‌تر بوده و در مواجهه با سختی‌ها، مشکلات و شرایط مختلفی که سیر تاریخ آنها را مشخص خواهد نمود قدرت بیشتری خواهد داشت.

با این نگرش به نقش جنبه عقیدتی و فکری می‌بایم که قرآن کریم نیز به این جنبه بیشترین اهمیت را داده و - به ویژه در جامعه جاهلی آن روزگار - قبل از هر چیز به اصلاح مسئله عقیده و فکر و سپس ریشه دار کردن این مسئله در جامعه اسلامی پرداخته است.

حال می‌توان در فرآیند ساخت و ایجاد جماعت صالحان که اهل بیت [^] بنیان گذار آن بودند، این جنبه (عقیده و فکر) را در عناوین ذیل بررسی کرد:

[1] قرآن و سنت، دو منبع عقیده

التزام به طرح افکاری که استنباط آنها از قرآن کریم و سنت صحیح نبوی امکان پذیر باشد.

اهل بیت [^] علاوه بر پای بندی به همگرایی و هماهنگی عقاید مطرح

نقش اهل بیت [^] در بنیان گذاری جماعت صالحان 2

شده با فطرت سلیم انسانی، برای اثبات حقانیت این عقاید همواره به آیات قرآن و احادیث نبوی استناد می کرده اند.

این مطلب را می توان با مطالعه روایات اهل بیت [^] که در شرح و توضیح این افکار و عقاید، همچنین در بیان شیوه های بحث و مناظره و به نقد کشیدن دیگر اندیشه هاست، به روشنی دریافت. (1)

1. برای آگاهی بیشتر در این زمینه می توان به منابع زیر مراجعه نمود: بحار الأنوار/ ج 10 و نیز احتجاج مرحوم طهرسی و همچنین اصول کافی، کتاب الإیمان و الکفر و نیز در جای جای سیره های نوشته شده از ائمه اطهار [^].

این منابع سرشار از احتجاجاتی هستند که متکی به قرآن و سنت و عقل است و در اینجا به عنوان نمونه، تنها به دو مورد اشاره ای می کنیم:

اول: احتجاج حضرت فاطمه زهرا [ؑ].

أیها المسلمون، أأغلب علی إرثی. یا ابن أبی قحافة، أ فی کتاب الله ترث أباک و لا أرث أبی؟
{لَقَدْ جِئْتَ شَيْئاً قَرِيباً}!

أفعلی عمد ترکتم کتاب الله و نبدتموه وراء ظهورکم؟ إذ يقول: {وَوَرثَ سَلِيمَانُ دَاوُدَ}
و قال فیما اقتص من خبر یحیی بن زکریا إذ قال: {فَهَبْ لِي مِنْ لَدُنْكَ وَلِيًّا يَرِثُنِي وَ يَرِثُ مِنْ آلِ يَعْقُوبَ}

و قال: {وَأُولُوا الْأَرْحَامِ بَعْضُهُمْ أَوْلَىٰ بِبَعْضٍ فِي كِتَابِ اللَّهِ}

و قال: {يُوصِيكُمُ اللَّهُ فِي أَوْلَادِكُمْ لِلذَّكَرِ مِثْلُ حَظِّ الْأُنثِيَيْنِ}

و قال: {إِنْ تَرَكَ خَيْرًا الْوَصِيَّةُ لِلْوَالِدَيْنِ وَالْأَقْرَبِينَ بِالْمَعْرُوفِ حَقًّا عَلَى الْمُتَّقِينَ}

و زعمتم أن لا حظوة لي و لا إرث من أبي و لا رحم بيننا؟!!

أفخصكم الله بآية أخرج أبي منها أم هل تقولون إن أهل ملتین لا يتوارثان أولست أنا و أبي

من أهل ملّة واحدة أم أنتم أعلم بخصوص القرآن و عمومه من أبي و ابن عمي؟

فدونكما (فدونكها) مخطومة مرحولة تلقاك يوم حشرک فنعلم الحكم الله و الزعيم محمد و الموعد

ساختار عقیدتی جماعت صالحان

القیامة و عند الساعة یخسر المبطلون و لا ینفعکم إذ تندمون {وَلِكُلِّ نَبَأٍ مُّسْتَقَرٌّ} {سَوْفَ تَعْلَمُونَ مَنْ یَأْتِیهِ عَذَابٌ یُخْزِیهِ وَیَجِلُّ عَلَیْهِ عَذَابٌ مُّقِیمٌ}.

ای مسلمانان، آیا باید میراث مرا از من بستانند؟ ای پسر ابوقحافه، آیا در کتاب خدا چنین آمده که تو از پدر خود ارث ببری اما من از پدر خود ارث نبرم؟ {به راستی که کار بسیار ناپسندی را مرتکب شده ای!}

آیا از روی عمد، کتاب خدا را ترك کرده و آن را پشت سر انداخته اید؟ آنجا که می گوید: {و سلیمان از داوود میراث یافت}

و آنگاه که از جریان یحیی بن زکریا خبر می دهد، از وی نقل می کند که: {پس از جانب خود ولی و جانشینی مرا بیخس که از من ارث برد و از خاندان یعقوب [نیز] ارث برد} و فرموده: {و خویشاوندان نسبت به یکدیگر [از دیگران] در کتاب خدا سزاوارترند} و فرموده: {خداوند به شما در باره فرزندان سفارش می کند: سهم پسر، چون سهم دو دختر است}

و فرموده: {اگر مالی بر جای گذارد، برای پدر و مادر و خویشاوندان [خود] به طور پسندیده وصیت کند}،

و در عین حال، شما گمان می کنید که من ارثی از پدرم نمی برم و هیچ رابطه خویشاوندی در میان ما نیست؟

یا شاید می گوید: پیروان دو دین مختلف از هم ارث نمی برند؟! آیا من و پدرم اهل یک دین نبوده ایم؟ آیا شما از پدرم و پسر عمویم به عموم و خصوص قرآن داناتر هستید؟ پس آن (حق ما یا فدیك) را به سهولت و آسانی بستانید که دیدار با شما در روز حشرتان خواهد بود. پس چه نیکو دآوری است خدا و چه نیکو ضامنی است محمد، وعده گاه شما جهان آخرت، و در هنگام برپا شدن قیامت است که پویندگان راه باطل زیان خواهند دید، و پشیمانی شما سودی نخواهد داشت، {برای هر خبری هنگام وقوعی است} {و به زودی خواهید دانست که چه کسی را عذاب خوار کننده در می رسد و بر او عذاب پایدار فرو می آید}.

[احتجاج/102]

دوم: احتجاج حضرت امیر المؤمنین [^] برای نبرد با اهل بصره

نقش اهل بیت [^] در بنیان گذاری جماعت صالحان 2

اهل بیت [^] در فهم عقیده اهمیت خاصی به عقل می دادند، اما این امر بیشتر برای این بوده که راه صحیح ادراک امور را در میان جامعه

اصبح بن نباته گفت: در روز جنگ جمل در کنار حضرت امیر المؤمنین [^] ایستاده بودم که مردی به نزد آن حضرت آمد و در مقابل ایشان ایستاد و گفت: ای امیر مؤمنان، این مردم تکبیر می گویند، ما هم تکبیر می گوئیم. آنها لا اله الا الله می گویند، ما هم می گوئیم. آنها نماز می خوانند، ما هم نماز می خوانیم. پس بنا بر چه حجت [شرعی] با آنها نبرد کنیم؟ حضرت علی [^] در پاسخ وی فرمودند: بنا بر آنچه در قرآن کریم آمده است. آن مرد عرض کرد: من به همه آنچه در قرآن است آشنایی ندارم، پس آن نکته را به من بیاموز! حضرت فرمودند: مراد مطالبی است که در سوره بقره آمده است. آن مرد عرض کرد: من به همه مطالبی که در سوره بقره آمده است آشنایی کامل ندارم، مرا

تعلیم ده.

آن حضرت فرمودند: این آیه: {تِلْكَ الرُّسُلُ فَضَّلْنَا بَعْضَهُمْ عَلَى بَعْضٍ مِنْهُمْ مَنْ كَلَّمَ اللَّهُ وَرَفَعَ بَعْضَهُمْ دَرَجَاتٍ وَآتَيْنَا عِيسَى ابْنَ مَرْيَمَ الْبَيِّنَاتِ وَأَيَّدْنَاهُ بِرُوحِ الْقُدُسِ وَلَوْ شَاءَ اللَّهُ مَا اقْتَتَلَ الَّذِينَ مِنْ بَعْدِهِمْ مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَتْهُمْ الْبَيِّنَاتُ وَلَكِنْ اخْتَلَفُوا فَمِنْهُمْ مَنْ آمَنَ وَمِنْهُمْ مَنْ كَفَرَ وَلَوْ شَاءَ اللَّهُ مَا اقْتَتَلُوا وَلَكِنَّ اللَّهَ يَفْعَلُ مَا يُرِيدُ}

برخی از آن پیامبران را بر برخی دیگر برتری بخشیدیم. از آنان کسی بود که خدا با او سخن گفت و درجات بعضی از آنان را بالا برد؛ و به عیسی پسر مریم دلایل آشکار دادیم، و او را به وسیله روح القدس تأیید کردیم؛ و اگر خدا می خواست، کسانی که پس از آنان بودند بعد از آن [همه] دلایل روشن که برایشان آمد، به کشتار یکدیگر نمی پرداختند، ولی با هم اختلاف کردند؛ پس بعضی از آنان کسانی بودند که ایمان آوردند و بعضی از آنان کسانی بودند که کفر ورزیدند؛ و اگر خدا می خواست با یکدیگر جنگ نمی کردند، ولی خداوند آنچه را می خواهد انجام می دهد. پس ما همان کسانی هستیم که ایمان آوردند و آنها کسانی هستند که کفر ورزیدند. مرد گفت: به خدای کعبه سوگند که این مردم کافر شدند. سپس به دشمن حمله کرد و جنگید تا شهید شد که خدایش رحمت کند. [احتجاج / 169 - 170]

ریشه دار کنند - که در نکته چهارم به آن خواهیم پرداخت - و نسبت به افکار عقیدتی که اکتفا به ظن و گمان در آنها صحیح نیست، باور و یقین ایجاد کنند.

در عین حال، اهل بیت ^۸ از تأکید بر این که قرآن کریم و سنت نبوی همه عقاید صحیح را با خود آورده و عقل بشری و فطرت سلیم انسانی نیز آنها را تأکید کرده‌اند، غفلت نورزیده‌اند.

[2] تکامل در عقیده و تکامل در مذهب

رعایت هماهنگی در تکامل مذهبی و عقیدتی میان اصول عقاید، فطرت کلی هستی و زندگی، عالم غیب و شهادت از یک سو و شاخه‌های منشعب از این عقاید از سوی دیگر، سرفصل دیگری در این رابطه است. به عبارت دیگر هماهنگی میان تکامل تئوری و عملی، اعتقاد و روش، و اصول و فروع.

مذهب امامی بر اساس نظریه‌ای بنا شده است که اهل بیت ^۸ را دارای نقش ویژه‌ای می‌داند که در دیدگاه کلان اسلامی ارتباط خاصی با عقیده دارد. امامت دارای بُعدی الهی است که به استثنای وحی، در رسالت‌ها و مسئولیت‌ها شبیه بُعد نبوت است؛ چرا که امام همچون پیامبر که از جانب خداوند متعال مبعوث و فرستاده می‌شود، از جانب خداوند منصوب می‌گردد. وجود این ارتباط میان ایمان به ولایت و تکامل رفتاری، روش زندگی انسان را تحت تأثیر این درک عقیدتی قرار می‌دهد.

شیخ کلینی در روایت صحیح از امام باقر یا صادق ^۹ نقل کرده

نقش اهل بیت [^] در بنیان گذاری جماعت صالحان 2

است که فرمود:

الإيمان إقرار و عمل و الإسلام إقرار بلا عمل.⁽¹⁾

ایمان عبارت از اقرار زبانی همراه با عمل است، اما اسلام تنها اقرار زبانی بدون عمل است.

همچنین از حضرت امام رضا × چنین نقل شده که:

هرکس گنهکاری را دوست بدارد خود نیز گناهکار است، و هرکس بنده فرمان بردار خدا را دوست بدارد خود نیز فرمان بردار است. هرکس ستمگری را یاری کند خود نیز ستمگر است، و هر کس از یاری کردن به ستمگری خود داری کند عادل است. همانا که میان هیچ کس با خدا رابطه خویشاوندی وجود ندارد و جز با اطاعت و فرمان برداری نمی توان به ولایت خدا رسید.

و در عیون اخبار الرضا × از ابراهیم بن محمد همدانی روایت شده است که آن حضرت فرمودند:

هر که از یاری عادل شانه خالی کند خود ستمگر است.

و در ذیل همین روایت آمده است:

{پس آنگاه که در صور دمیده شود، [دیگر] میانشان نسبت خویشاوندی وجود ندارد، و از [حال] یکدیگر نمی پرسند * پس کسانی که کفه میزان [اعمال] آنان سنگین باشد، ایشان رستگارانند * و کسانی که کفه میزان

1. کلینی، الکافی 2 / 24 ح 2.

[اعمال]شان سبک باشد، آنان به خویشتن زیان زده [و] همیشه در جهنم می‌مانند.⁽¹⁾

به همین ترتیب، دریافت اصول و فروع از پیشوایان اهل بیت [^] در واقع دریافت از انسانی است که دارای چند صفت است: دانش کامل البته در افق‌های انسانی، عصمت از گناه و خطا در بیان، ولایت حقه و امر و نهی در مصادیق و جزئیات.

از حضرت امام باقر × روایت شده که فرمود:

دانشی که به همراه حضرت آدم × نازل شد پس از او برداشته نشده و میان ابنای بشر به میراث می‌رسد، و علی × عالم این امت بود و هیچ یک از ما از دنیا نمی‌رود مگر اینکه در میان خاندان خود کسی را جانشین خود گرداند که همانند او یا به هر میزان که خدا بخواهد از دانش بهره مند باشد.⁽²⁾

همچنین از همان حضرت نقل شده که فرمود:

همانا که دانش به میراث می‌رسد، و هیچ دانشمندی نمی‌میرد مگر اینکه کسی را به جای خود می‌گمارد که همانند او یا به هر میزان که خدا بخواهد از دانش بهره مند باشد.⁽³⁾

و از ضَرِیس کناسی روایت شده که گفت:

1. حر عاملی، وسائل الشیعه 11 / 446 ح 6.

2. کلینی، الکافی 1 / 222 ح 2.

3. کلینی، الکافی 1 / 222 ح 3.

نقش اهل بیت [^] در بنیان گذاری جماعت صالحان 2

در نزد حضرت امام صادق \times بودم و ابوبصیر نیز در آن مجلس حضور داشت، امام صادق \times فرمودند:

داود دانش پیامبران را به میراث برد، سلیمان دانش داود را به میراث برد و محمد ['] از سلیمان میراث یافت. ما نیز میراث محمد ['] را برده‌ایم و صحف ابراهیم و الواح موسی در نزد ماست.

ابو بصیر گفت: دانش همین است! امام فرمودند:

ای ابو محمد، این علم نیست، بلکه علم، دانستن رویدادهای هر شب و روز است؛ روز به روز و ساعت به ساعت.⁽¹⁾

پس دریافت معارف از اهل بیت [^] از قبیل دریافت روایت از راویان یا مجتهدان نیست که نقش آنان تنها در نقل و فتوا خلاصه می‌شود. و اگر چه مردم در محدوده شناخت حکم شرعی و حلال و حرام از طریق نقل و فتوا به راویان و مجتهدان مراجعه می‌کنند، ولی آنان در مواردی که از سوی معصومین حکمی در باره آن وارد نشده حق ولایت و تشریح را ندارند.

روایات معتبر تفویض در دین - که به بعضی از آنها اشاره خواهیم نمود - نیز بر همین مطلب دلالت دارند؛ چرا که مجتهدان بر حدسیات خود تکیه می‌کنند و در نتیجه در فهم، حفظ و یا استنباط از متون، دستخوش خطا و فراموشی می‌گردند، به خلاف ائمه هدی [^] که دارای مقام ولایت بوده از علم یقینی برخوردار می‌باشند.

1. کلینی، الکافی 1 / 225 ح 4.

از محمد بن حسن میثمی نقل است که گفت: از امام صادق × شنیدم که می‌فرمود:

خداوند متعال پیامبر خود را تربیت کرد تا آنجا که او را برای مقصود خود آماده ساخت، سپس امور بندگان را به او واگذار نموده و فرمود: {آنچه را فرستاده (پیامبر) به شما داد، آن را بگیرید و از آنچه شما را باز داشت، باز ایستید} سپس پیامبر آنچه را که خدا به او واگذار کرده بود، به ما واگذار کرده است.⁽¹⁾

به همین دلیل است که می‌بینیم جماعت صالح هیچگاه در آشفته بازار اعتقادات به شکاف و تزلزل کشیده نشد؛ درست در زمانی که فرامینی از جانب حاکمان و والیان نسبت به کلیت جامعه اسلامی صادر می‌گردید و اکثریت مردم (غیر معتقد به مذهب اهل بیت [^]) آنها را دارای رنگ و لعاب شرعی نیز می‌دانستند و بیشتر این دستورات هم گاه از رهگذر تأثیر پذیری از هوا و هوس یا عواطف و یا تحت تأثیر شرایط سیاسی جامعه، و گاه اساساً به خطا و اشتباه صادر می‌شد. همچنین فتاوی‌های مختلفی از سوی مجتهدان (غیر معتقد به مذهب اهل بیت [^]) صادر می‌گردید که به سبب ناتوانی آنان از رسیدن به نص شرعی یا از رهگذر برداشت‌های خاص (سلیقه‌ای) از قرآن و سنت نبوی یا مراجعه به ادله غیر یقینی (گمان آور یا ظنی) همچون قیاس، استحسان، مصالح مرسله و... به خطا می‌رفت و گاه

نقش اهل بیت [^] در بنیان گذاری جماعت صالحان 2

حتی با وجود نص نیز به دلیل عدم همخوانی نص با استحسان یا مصالح مرسله اجتماعی، فتوا بر خلاف نص صادر می‌گردید که به اجتهاد در مقابل نص معروف است.

بعضی از این فقیهان نیز گاه به دلیل وجود همین تناقض، از سوی حکومت‌ها و والیان مورد اذیت و آزار قرار گرفته‌اند، مانند ابو حنیفه که به دلیل موضع‌گیری مثبت سیاسی نسبت به یحیی بن زید و نیز تأیید قیام محمد و ابراهیم دو فرزند عبدالله محض، به دستور منصور عباسی به زندان افتاد. همچنین احمد بن حنبل که به دلیل موضع‌گیری در باره مسئله خلق قرآن و اختلاف با مأمون عباسی به حبس گرفتار شد.

چه اینکه همین مسئله اخذ اعتقادات صحیح از زلال وحی سبب شده بود تا جماعت صالح در میان آرای فلاسفه و متکلمان مسلمان که از لحاظ نظریات و باورهای اعتقادی دچار شدیدترین اختلافات بودند، یا در میان فتوهای مختلف فقهای مسلمان که در اصول عقیده در برابر مکاتب اعتقادی یکدیگر سر تسلیم فرود نمی‌آوردند، از خطر از هم گسیختگی اعتقادی مصون بماند.

این حالت تا جایی پیش رفته بود که بعضی از گروه‌های مسلمان را وا داشته بود به دنبال فقهی بگردند که به باور اعتقادی معینی ملتزم بوده، مثلاً اشعری، معتزلی، مفوض یا پای بند به یکی از عقاید موجود باشد: عقیده‌ای که گاه با اعتقادات مقلد وی، که باورهای اعتقادی خود را از عالم دیگری گرفته بود، تفاوت داشت.

به همین جهت است که در میان دانشمندان و مجتهدان شیعه و پیروان اهل بیت [^] چنین اختلاف عقیدتی و فکری که در میان دانشمندان سایر مذاهب اسلامی دیده می‌شود، وجود ندارد.

[3] فراگیر بودن اعتقادات

اهل بیت [^] با شرح و توضیح و تفصیل کامل به جنبه‌های عقیدتی پرداخته، بیان آن بزرگواران مسائل مختلف عقیدتی را شامل گشته و در این زمینه جایی برای دخل و تصرف فقها و مجتهدان، و نظر و اجتهاد و استنباط آنان باقی نگذاشته‌اند.

چرا که مسائل اعتقادی - به خلاف مسائل فرعی رفتاری - بسیار مهم بوده و آثار و نتایج حساس و حادثی بر آنها مترتب می‌گردد که در همه جزئیات ساختار روحی، اجتماعی، سیاسی و حتی آینده زندگی بشر انعکاس می‌یابد.

از همین رو می‌بینیم که اهل بیت [^] در مطرح کردن جنبه اعتقادی، تنها به اصول عقاید اسلامی همچون توحید و نبوت و معاد بسنده نکرده، بلکه بیان ایشان شامل عرصه‌های مختلفی چون: عدل، امامت، جبر و اختیار، قضا و قدر، ایمان و کفر و رابطه این دو با عمل، عصمت، عدالت، مرگ و زندگی، سنت‌های تاریخ، امتحانات، ولایت، دوستی و دشمنی، اخلاق، ظهور مهدی در آخر الزمان، و ویژگی‌های جهان آخرت، همچون: برزخ، زنده شدن مردگان، نشور، حوض صراط، رؤیت، حساب، شفاعت، بهشت، دوزخ، عذاب، آسایش، خلود

نقش اهل بیت [^] در بنیان گذاری جماعت صالحان 2

یا ابدیت در بهشت و جهنم، و مسائلی چون حسن و قبح، وحی الهی و عقل نیز بوده است.

بیان این جزئیات و دیگر مسائلی که اهل بیت [^] به طرح آنها پرداخته و بدینوسیله به اصلاح جنبه عقیدتی جامعه مبادرت نموده، در هر کدام از آنها بهترین راه حل را ارائه فرموده‌اند، نقش عظیمی در تقویت شالوده جماعت صالح، و استحکام صفوف آن ایفا نمود.

این فراگیری و گستردگی را می‌توان با مراجعه به کتاب اعتقادات شیخ صدوق + و شرح آن، تألیف مرحوم شیخ مفید + به خوبی دریافت؛ آنجا که این دو بزرگوار اساساً در بحث از همه جزئیات مسائل اعتقادی به روایات اهل بیت [^] تکیه کرده‌اند.

شاید مهم‌ترین شاهد بر اهمیت ایجاد قاعده شمول و فراگیری، مشاهده تاریخ باشد آنجا که می‌بینیم در اوایل زمان حضور و حیات یازده امام که هنوز مسائل اعتقادی فراگیر نشده بود، گروه پیروان اهل بیت [^] به واسطه وجود همین اختلافات عقیدتی، دچار اختلافات وسیعی در سطوح مختلف گردیدند که موجب انشعاب مذاهب و جمعیت‌های مختلفی از آن گردید، اما هنگامی که اهل بیت [^] توانستند عقاید را با شمول و فراگیری مورد نظر خود مطرح نمایند، این اختلافات رفته رفته رو به کاهش و بلکه از بین رفتن نهاد، تا آنجا که در زمان غیبت کبری بسیار اندک و محدود گردید. در حالی که به دلیل غیبت امام و عدم امکان ارتباط مستقیم با وی، شرایط زمان غیبت کبری بسیار دشوارتر از زمان وجود و حضور ائمه [^] بود. و این نبود جز به مدد این دستاورد

بزرگ که ائمه^ه ^ در زمان حضور به دست آورده بودند و این خود نوعی تضمین عقیدتی و فکری برای جماعت صالحان بود. همچنان که می بینیم تاریخ اسلام همواره شاهد اختلافات وسیع عقیدتی بوده که همیشه در میان دیگر گروه‌های اسلامی وجود داشته و دلیل آن هم عدم اتفاق بر قبول یک مرجع - به غیر از قرآن کریم - بود که همه مسلمانان در بیان جزئیات مسائل اعتقادی به او رجوع کنند، و بلکه می توان گفت چنین مرجعی اصلاً وجود نداشته است.

البته باید دانست که اگر چه قرآن کریم در میان همه مسلمانان محل اتفاق نظر است، اما در عین حال قابل تأویل نیز هست و از همین رو است که اهل بیت ^ بر اهمیت وجود امامی که تفسیر کننده قرآن باشد تأکید کرده و پیامبر اکرم ' نیز در حدیث ثقلین و حدیث سفینه⁽¹⁾ بر اهمیت ثقل دوم که همان اهل بیت ^ باشند، تأکید فرموده است.

1. «إني تارك فيكم الثقلين أو الخليفين: كتاب الله و عترتي أهل بيتي ما إن تمسكتم بهما لن تضلوا أبداً، فإنهما لن يفترقا حتى يردا على الحوض» ; من دو چیز با ارزش یا دو جانشین در میان شما به جا می گذارم: کتاب خدا و عترت و اهل بیت من، تا زمانی که به این دو باهم چنگ زده اید، هرگز گمراه نخواهید شد، که این دو تا روزی که بر سر حوض کوثر بر من وارد شوند، از یکدیگر جدا شدنی نیستند. کنز العمال 1 / 185 - 189 و «إلما مثل أهل بيتي فيكم كسفينة نوح من ركبها نجي و من تخلف عنها غرق» جز این نیست که مثل اهل بیت من در میان شما همچون کشتی نوح است، هر کس که بر آن سوار شد نجات یابد و هر که از آن، جاماند غرق خواهد گردید. کنز العمال 1 / 186.

[4] آزادی فکر و منطق صحیح

چهارمین سرفصل این باب، تحکیم بنیادین روش‌های صحیح حل مسائل فکری و عقیدتی است که از طریق تأکید بر آزادی فکری و عقیدتی در جامعه اسلامی محقق می‌گردد که بر پایه‌های ذیل استوار است:

الف: منطق سالم و حاکم کردن عقل، وجدان، و فطرت پاک انسانی.

ب: پای بندی به مرجعیت قرآن کریم و احادیث صحیح نبوی به دور از هواها و جهت‌گیری‌های سیاسی خاص، همچنین به دور از به کار گیری ذوق، سلیقه، امیال و پندارهای شخصی یا نوعی همچون قیاس و استحسان که در بیشتر موارد به خطا و اشتباه منجر می‌گردد، که اهل بیت [^] و روایات نبوی چنین امری را «رأی» نامیده‌اند. در این روایات آمده است:

من فسّر القرآن برأيه فقد كفر.

هر کس قرآن را مطابق رأی خود تفسیر نماید به تحقیق کافر گشته است.

یا: إن دین الله لا یدرک بالعقول. ⁽¹⁾

همانا دین خدا با عقل درک نمی‌شود.

روایات چندی نیز در تأیید اینکه قرآن کریم و سنت صحیح نبوی

1. ر.ک، کتاب: (محاضرات فی علوم القرآن) نوشته خودم، بحث تفسیر و تأویل و بحث

تفسیر در نزد اهل بیت [^].

دارای مرجعیت کاملند آمده است:

از ایوب بن حرّ نقل است که از حضرت امام ابو جعفر باقر × شنیدم که می فرمود:

همه چیز با معیار کتاب و سنت سنجیده می شود و هر روایتی که با کتاب خدا اختلاف داشته باشد، بی ارزش است.⁽¹⁾

و باز از همان حضرت وارد شده که فرمود:

هر حدیثی که از ما به دست شما می رسد، اگر مورد تصدیق کتاب خدا قرار نگیرد، باطل است.⁽²⁾

ج: گشایش روند اجتهاد و استنباط از طریق اصول و قواعد صحیح، و عمل کردن بر اساس نظر قرآن در رابطه با همه رویدادهایی که ممکن است بشریت در طول تاریخ با آن رو به رو شود، البته با واقع گرایی و آمادگی برای همه احتمالات و شرایطی که ممکن است انسان با آن مواجه گردد.

این آزادی فکر، التزام به حدود و ضوابط اسلامی استنباط (متن قرآن و سنت نبوی)، نوگرایی و گشاده فکری در فهم و استنباط و دقت در حل مسائل، افزون بر هماهنگی دقیق با نیازهای فطری بشر، عقل و وجدان، همه از ویژگی های منحصر به فرد مکتب اهل بیت [^] و

1. کلینی، الکافی 1 / 69 ح 3 * برقی، المحاسن 1 / 347 ح 127، و به نقل از آن مجلسی، بحار الانوار 2 / 242 ح 37.

2. برقی، المحاسن 1 / 347 ح 128، و به نقل از آن مجلسی، بحار الانوار 2 / 242 ح 38.

نقش اهل بیت [^] در بنیان گذاری جماعت صالحان 2

طایفه شیعه است.

و همین ویژگی هاست که در عین اینکه توانسته است ساختار فکری و عقیدتی محکم، پیشرفته و قادر به مواجهه با همه اوضاع و شرایط را برای این جماعت بنا کند، به ایشان توانایی قیام به مسئولیت خطیر دفاع از عقیده و اندیشه اصیل اسلامی را نه تنها در برابر اجتهادات فکری و عقیدتی داخل دایره جامعه اسلامی، که در برابر جریانات فکری خارج از دایره اسلام را نیز عطا کرده است.

2

ساختار اخلاقی

جماعت صالحان

در ساختار جامعه انسانی، اخلاق در درجه دوم اهمیت قرار گرفته است؛ چرا که اخلاق دومین ستون و شالوده‌ای است که ساختار اجتماع بر آن بنا می‌گردد. اخلاق یکی از جنبه‌های معنوی و وجدانی رفتار و روابط انسانی است که با مسائلی از قبیل عدل و ظلم، حسن و قبح و تکامل یا عقب ماندگی روحی و معنوی در مسیر انسانیت ارتباط نزدیک دارد و به تعبیر فلاسفه، همان عقل عملی است که در برابر عقل نظری قرار گرفته و چنان که اشاره کردیم ساختار فکری و عقیدتی بر آن استوار است.

ویژگی‌های این جنبه از ساختار جماعت صالحان را می‌توان در امور ذیل ملاحظه کرد:

[1] نقش اخلاق در بافت حکم شرعی

نکته اول، تأکید بر نقش اخلاق در پایه ریزی نظام و حکم شرعی برای جامعه انسانی از یک سو و رابطه آن با اراده انسان و تکامل اخلاق از طریق مسئولیت انسان در برابر ارزش‌های اخلاقی از سوی دیگر است؛ آنجا که این دو جنبه از نقاط پر تنش اختلاف در اندیشه اسلامی است.

تعداد زیادی از متفکران اسلامی نظریه جبر را پذیرفته اند که در واقع ادعای مسئولیت نا پذیری انسان در برابر انحرافات رفتاری و اخلاقی

نقش اهل بیت [^] در بنیان گذاری جماعت صالحان 2

را دارد و میان آنها و اراده انسان تفکیف می کند. بنابر این عقیده، انسان با همه وجود خود، مقهور اراده خدا و کارهای او نیز همه آفریده خداست و نمی توان فرض کرد که خداوند انسان را برای مخالفت با احکام شرعی مؤاخذه کند؛ چون این امر با عدالت خداوند منافات داشته و بر خداوند قبیح است. طبق این تفکر، انسان دارای مفاهیم اخلاقی مستقلی نیست که بتواند به درستی به خوبی یا بدی چیزی حکم کند، و پای بندی به احکام شرعی تنها به صرف اینکه فرمان و اراده خداوند بر آن تعلق گرفته بر او لازم و واجب است و در هر صورت، انسان با همه شئون خود مملوک خداوند است و کسی را در باره این شئون یارای چون و چرا با خداوند نیست که فرماید:

{ لَا يُسْأَلُ عَمَّا يَفْعَلُ وَهُمْ يُسْأَلُونَ }

در آنچه خدا انجام می دهد چون و چرا راه ندارد و [الی] آنها [مردمان] سؤال خواهند شد.

این از یک جهت، اما از جهت دیگر چنین نگرشی به معنای عدم بهره مندی حکم شرعی از زمینه اخلاقی و انسانی بوده، آن را به اراده تشریعی صرف الهی تبدیل می نماید.

اما در برابر این اعتقاد، مکتب اهل بیت [^] در این زمینه بر دو مفهوم تأکید کرده است:

اول: مسئله درک کلی انسان از حسن و قبح، یا بدی و خوبی امور است که مثلا درک می کند مؤاخذه انسان مجبور، برای کاری که از روی اجبار

مرتکب آن گردیده، قبیح و ناپسند است. همچنین است بار کردن تکلیف بر کسی که از خود، اراده و اختیاری ندارد. این ادراک اخلاقی همان چیزی است که انسان را به بسیاری از حقایق الهی رهنمون گشته است.

دوم اینکه حکم شرعی از اساس برای این آمده که دامنه این ادراک کلی انسان را به جزئیات نیز کشانده و راه رسیدن به این حقایق را که خداوند متعال در فطرت او قرار داده است، برای او روشن نماید به گونه‌ای که دیگر حکم شرعی الهی تنها یک الزام یا دستور العمل ویژه نباشد که خداوند متعال از طریق آن بخواهد ولایت مطلقه خود را بر انسان اعمال نماید بلکه در کنار آن، نمودی از عدل و حکمت خداوندی و بی نیازی مطلق او از اعمال این انسان نیز هست. پس حکم شرعی نمادی از مصالح و مفاسد مرتبط به زندگی انسان و مسیر تکاملی او در این زندگی بوده و او دارای بُعد و محتوای اخلاقی نیز هست.

با این بیان می‌توان اهمیت مبارزه کلامی که اهل بیت [^] را دریافت که در آن، از راه تبیین مسئله حسن و قبح در اراده انسان و مطرح کردن نظریه «لا جبر ولا تفویض بل امر بین الامرین» در ارتباط میان اراده انسان و اراده خدا بعد اخلاقی احکام شرعی را بیان فرموده اند. بر این اساس، اعمال انسان معلول اراده خود انسان بوده و مسئولیت کارهای وی به عهده خود او است اما در عین حال، کل وجود انسان، مخلوق خداوند است و خداست که انسان را دارای اراده آفریده و انسان در وجود، بقا و قدرت خود مطیع اراده و قدرت الهی بوده، نمی‌تواند جدای از امداد الهی و به صورت مستقل دست به کاری بزند.

نقش اهل بیت [^] در بنیان گذاری جماعت صالحان 2

اهل بیت [^] این نقش اخلاق را از قرآن برداشت فرموده‌اند، آنجا که در قرآن کریم می‌یابیم که برای انسان مثال‌هایی را ذکر می‌کند که در آنها بر آزادی اراده انسان تأکید شده است، مانند این آیه که در آن چنین مثال می‌زند:

{ضَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا عَبْدًا مَمْلُوكًا لَا يَقْدِرُ عَلَىٰ شَيْءٍ} (1)

خدا مثلی می‌زند: بنده‌ای است زرخرید که هیچ کاری از او بر نمی‌آید.

یا این آیه که در آن چنین سؤالی را در برابر بشر مطرح می‌نماید:

{قُلْ هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ} (2)

بگو: آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند؟

و این آیه که مفهوم نیک و بد را برای انسان طرح می‌نماید:

{وَلَا تَسْتَوِي الْحَسَنَةُ وَلَا السَّيِّئَةُ} (3)

و نیکی با بدی یکسان نیست.

و آیات دیگری که مفاهیمی چون عدل و ظلم، صدق و کذب، بخل و ایثار و... در آنها آمده است.

قرآن کریم از آن رو به مفاهیمی از این دست می‌پردازد که این ادراکات فطری را در انسان‌ها برانگیزد: ادراکاتی که پایه همان رفتار اخلاقی است

1. نحل / 75.

2. زمر / 39.

3. فصلت / 41.

که قرآن مجید آن را به صورت مفصل طرح نموده است و ما از آن به حسن و قبح عقلی تعبیر می‌کنیم.

حال ما نمی‌خواهیم به همان اندازه که قصد داریم به این نکته بپردازیم که ائمه [^] پیروان خود را به سوی التزام به این اعتقاد سوق می‌دادند، در بحث کلامی اخلاقی آن وارد شویم. اهل بیت [^] در این راستا تا بدان حد پیش رفتند که عدل الهی را یکی از اصول مذهب خود قرار دادند. آنان می‌خواستند با این کار برای ساختار روحی و معنوی پیروان خود زیرساختی اخلاقی تأسیس نموده و نوعی ایمنی روحی برای جلوگیری از افتادن در دام انحرافات اخلاقی بزرگی چون ظلم و تجاوزگری، کمک به چنین کارهایی و یا حد اقل سکوت در برابر آنها در شیعیان خود ایجاد نمایند.

[2] فرق گذاشتن میان اسلام و ایمان

نکته دوم، تأکید بر قضیه تفاوت اخلاقی میان اسلام و ایمان است. در قرآن نیز آمده است:

{قَالَتِ الْأَعْرَابُ ءَأَمَّنَّا قُلْ لَمْ تُؤْمِنُوا وَ لَكِن قُولُوا أَسْلَمْنَا وَ لَمَّا يَدْخُلِ
الْإِيمَانُ فِي قُلُوبِكُمْ وَ إِن تُطِيعُوا اللَّهَ وَ رَسُولَهُ لَا يَلِتْكُمْ مِّنْ أَعْمَالِكُمْ شَيْئًا إِنَّ
اللَّهَ غَفُورٌ رَّحِيمٌ * إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ الَّذِينَ آمَنُوا بِاللَّهِ وَ رَسُولِهِ ثُمَّ لَمْ يَرْتَابُوا وَ
جَاهَدُوا بِأَمْوَالِهِمْ وَ أَنفُسِهِمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ أُولَئِكَ هُمُ الصَّادِقُونَ} (1)

[برخی از] بادیه نشینان گفتند: ایمان آوردیم. بگو: ایمان نیاورده اید،

نقش اهل بیت [^] در بنیان گذاری جماعت صالحان 2

لیکن بگوئید: اسلام آوردیم. و هنوز در دل های شما ایمان داخل نشده است. و اگر خدا و پیامبر او را فرمان برید از [آرزش] کرده هایتان چیزی کم نمی کند. خدا آمرزنده مهربان است * در حقیقت مؤمنان کسانی هستند که به خدا و پیامبرش گرویده و [دیگر] شک نیاورده و با مال و جانشان در راه خدا جهاد کرده اند، اینانند که راست کرداراند.

بنابر این، اسلام آوردن، جاری کردن شهادتین، اقرار به روز رستاخیز، تقید به نماز و روزه و حج و زکات، اولین پله اعتقادات اسلامی به شمار می رود و به مجرد گام نهادن افراد به این پله، خون ایشان محترم و مال و آبروی آنها حفظ گشته، احکام کلی زندگی اسلامی بر آنها جاری خواهد گشت. اما اگر از زاویه اخلاقی به مسئله بنگریم این درجه از اعتقاد، واقعاً با تقید و التزام حقیقی به اسلام و آثار مترتب بر آن تفاوت دارد.

ایمان، درجه بالایی از رسوخ و ریشه دواندن عقیده و استقرار آن در وجود انسان مؤمن و التزام به مقتضیات و پیامدهای آن است.

شاید بهترین چیزی که بتواند این مفهوم را تشریح نموده و فرق میان ایمان و اسلام را آشکار نماید، روایتی است که شیخ کلینی آن را در کتاب کافی به طریق معتبر از حمران بن اعین از حضرت امام ابو جعفر باقر \times نقل کرده است:

ایمان عبارت از اعتقادی است که در دل استقرار یافته، آن را به سوی خداوند عزّ و جلّ کشانده و عمل صاحب اعتقاد در اطاعت از خداوند و تسلیم در برابر امر او نیز آن را تصدیق نماید.

اما اسلام مجموعه گفتارها و رفتارهایی است که از انسان به ظهور می‌رسد و جماعت مردم از تمام فرق آن را قبول داشته با پذیرش آن، خون‌ها حفظ شده، ارث و میراث بر اساس آن تقسیم گشته، زناشویی‌ها به واسطه آن مجاز می‌گردد و همه در اعتقاد به آن، بر وجوب نماز، زکات، روزه و حج اتفاق نظر دارند و بدین سان از مرز کفر خارج شده، به اسلام منسوب می‌گردند.

اسلام همواره ملازم ایمان نیست اما ایمان همواره اسلام را به همراه دارد، چنان که خانه کعبه در داخل مسجد الحرام است اما مسجد الحرام داخل کعبه نیست.

چنین است که ایمان با اسلام شریک می‌شود اما اسلام لزوماً شریک ایمان نخواهد بود و خداوند متعال نیز فرموده است: (بِرُحَىٰ أَزْ) بادیه نشینان گفتند: ایمان آوردیم. بگو: ایمان نیاورده اید، لیکن بگوئید: اسلام آوردیم. و هنوز در دل‌های شما ایمان داخل نشده است) و کلام خداوند عزّ و جلّ راست‌ترین کلام‌هاست.

راوی گوید: به محضر آن بزرگوار عرضه داشتیم آیا مؤمن در فضیلت و احکام و حدود بر مسلمان برتری نیز دارد؟

در پاسخ فرمودند:

نه، آنان از حیث فضیلت، حدود و احکام یکسان هستند، اما در اعمال و عباداتی که برای نزدیک شدن به خدا (با قصد قربت) به انجام می‌رسانند مؤمن نسبت به مسلمان برتری دارد.

نقش اهل بیت [^] در بنیان گذاری جماعت صالحان 2

عرض کردم: آیا خداوند نمی فرماید: هر کس کار نیکی بیاورد، ده برابر آن [پاداش] خواهد داشت؟

در حالی که شما فرموده اید: مسلمانان و مؤمنان در نماز و زکات و روزه و حج با هم اتفاق نظر دارند.

فرمودند:

آیا خداوند متعال نمی فرماید: {تا [خدا] آن را برای او چند برابر بیفزاید}؟ مؤمنان همان کسانی هستند که خداوند متعال حسنات آنان را هفتاد برابر می نماید و این برتری مؤمن است و خداوند به میزان درستی ایمان مؤمن این مازاد حسنات را چندین برابر می کند و خداوند به هر میزان که بخواهد خیرات مؤمنان را افزایش می دهد.

عرض کردم: آیا هر کس داخل در اسلام شود داخل در ایمان نشده است؟

فرمود:

چنین نیست، اما با این کار از کفر خارج شده و به ایمان منسوب می گردد. حال برایت مثالی می زنم تا برتری ایمان بر اسلام را دریابی: آیا اگر کسی را در داخل مسجد الحرام ببینی می توانی شهادت بدهی که او را در داخل خانه کعبه دیده ای؟

عرض کردم: چنین شهادتی بر من جایز نیست؟

آن حضرت ادامه داد:

اگر کسی را در داخل خانه کعبه ببینی، آیا شاهد نخواهی بود که او حتماً به مسجد الحرام وارد گردیده است؟

عرض کردم: آری

آن حضرت پرسیدند: چگونه؟

عرض کردم: زیرا تا آن شخص داخل در مسجد الحرام نشده باشد به خانه کعبه نخواهد رسید.

آن حضرت فرمودند: درست گفتی. سپس فرمودند: ایمان و اسلام نیز همین گونه‌اند.⁽¹⁾

[3] ایمان و عمل

سومین نکته، اعطای بُعد عملی به ایمان به خداست که مهم‌ترین و برترین صفت اخلاقی و تکاملی انسان می‌باشد، و بدین ترتیب ایمان از حالت اعتقادی صرف و التزامات روحی، به عرصه عمل و رفتار و پیاده کردن کشیده می‌شود. این مهم با تفسیر خاصی از ایمان امکان پذیر می‌گردد که ایمان را عبارت از ماهیتی تکاملی و دارای مراتب و درجاتی می‌داند که از طریق عمل به مقتضای ایمان و به میزان پیاده کردن آن در مقام عمل، افزایش یافته و بالا و بالاتر می‌رود.

به نظر می‌رسد که این موضوع از بحث‌هایی بوده که در زمان ائمه^ع موجب بروز مباحثات و جدل‌های بسیاری گشته است، بدان سان که

1. کلینی، الکافی 2 / 26 - 27 ح 5.

نقش اهل بیت [^] در بنیان گذاری جماعت صالحان 2

برخی از دانشمندان - چنان که گفتیم - بر این اعتقاد بودند که ایمان انبیا تفاوتی با ایمان ابلیس ندارد؛ زیرا ایمان یک حقیقت مطلق است که عبارت از صرف پذیرش وجود خدا و پایداری بندگی به آن می باشد، و این حقیقت یا در یک فرد موجود است یا موجود نیست و پیامبران در اصل این اعتقاد صرف با ابلیس تفاوتی نداشته‌اند، بلکه فرق آنها با شیطان در مقام عمل و رفتار بوده است.

اما مکتبی که پیروان اهل بیت [^] بر اساس آن پرورش یافته‌اند مبتنی بر اختلاف درجات ایمان در میان مؤمنان است به گونه‌ای که ایمان تا حد زیادی از نظر بالا یا پایین رفتن درجه، تحت تأثیر فعالیت‌های عملی است. بنابر این هر مقدار که بنده خدا اعتقاد قلبی خود را به عرصه عمل بکشانند و آن را در رفتار و عملکرد خود مجسم نمایند، از یک طرف درجه اعتقاد و ایمان او بالا رفته و از طرف دیگر این ایمان و اعتقاد در دل و جان و وجدان او ثبات و پایداری بیشتری می یابد.

شیخ کلینی در کتاب کافی با سند معتبر از جمیل بن دراج نقل می کند که گفت:

از حضرت امام صادق \times در رابطه با ایمان سؤال کردم، ایشان فرمودند: شهادت بر اینکه خداوندی جز الله و پیامبری جز محمد نیست.

عرض کردم: آیا منظور شما پیاده کردن این شهادت در عمل نیست؟

فرمودند: چرا.

عرض کردم: پس می‌توان گفت که عمل، بخشی از ایمان است؟

فرمود: ایمان جز با عمل به اثبات نمی‌رسد و عمل بخشی از ایمان است.⁽¹⁾

بعضی از روایات نیز همین مفهوم را با روش‌های متفاوتی شرح و توضیح داده‌اند؛ مانند روایتی که شیخ کلینی در کتاب کافی از حماد بن عمرو نصیبی نقل می‌نماید که:

مردی از عالم × پرسید:

ای عالم، چه کارهایی در نزد خداوند متعال از قدر و منزلت بیشتری برخوردار هستند؟

فرمود:

آنچه هیچ عملی بدون آن به درگاه خداوند پذیرفته نمی‌باشد.

پرسید: آن چیست؟

فرمود:

ایمان به خدا که دارای بالاترین جایگاه و بلندمرتبه‌ترین بهره و گرمی‌ترین منزلت است.

حماد گوید: به آن حضرت عرض کردم: مرا از ایمان آگاه کن که آیا اعتقاد بدون عمل است؟ یا اعتقاد با عمل؟

فرمود: برابر آنچه که خداوند متعال در کتاب خود آن را به نحو وجوب بیان داشته، نورش آشکار و برهانش ثابت است: ایمان سراسر عمل است و اعتقاد قلبی قسمتی از آن است. قرآن بدین معنی شهادت داده و به آن فرا خوانده است.

عرض کردم: این حالت را برایم توصیف کن تا آن را بفهمم.

فرمود: همانا که ایمان دارای درجات، طبقات و مرتبه‌هایی است، از آن جمله است ایمان کاملی که به نهایت کمال خود رسیده است، و ایمان ناقصی که در پایین‌ترین درجه ضعف قرار دارد و ایمانی که درجه زیادی آن بیشتر است.

عرض کردم: آیا ایمان، کامل و ناقص و زیاد و کم دارد؟

فرمود: آری.

عرض کردم: این چگونه ممکن است؟

فرمود: خداوند تبارک و تعالی ایمان را بر همه اعضا و جوارح بنی آدم واجب گردانید و آن را در میان اعضا و جوارح او تقسیم نمود، و هیچ عضوی از اعضای او نیست مگر اینکه از لحاظ ایمان وظیفه‌ای غیر از وظیفه عضو دیگر دارد: از جمله این اعضا قلب (مغز) انسان است که فرمانروای بدن او است و همه اعضا و جوارح به فرمان او هستند.

همچنین از جمله اعضای او دست هایش هستند که با آنها به فعالیت می پردازد، پاهایی که با آنها راه می رود، اندام تناسلی که قوه شهوت از آن بر می خیزد، زبانش که کتاب [خدا] بر آن جاری شده و همان کتاب بر آن شهادت می دهد، چشمانش که با آنها می بیند و گوش هایش که به وسیله آنها می شنود.

و خداوند بر قلب ایمانی را مقرر گردانیده که آن را بر زبان مقرر نکرده و بر زبان ایمانی را مقرر گردانیده که آن را بر چشم مقرر نکرده و بر چشم ایمانی را مقرر گردانیده که آن را بر گوش مقرر نکرده و بر گوش ایمانی را مقرر گردانیده که آن را بر دست مقرر نکرده و بر دست ایمانی را مقرر گردانیده که آن را بر پا مقرر نکرده و بر پا ایمانی را مقرر گردانیده که آن را بر عورت مقرر نکرده و بر عورت ایمانی را مقرر گردانیده که آن را بر صورت مقرر نکرده است.

اما آنچه برای ایمان قلب مقرر فرموده ایمان، شناخت، تصدیق و تسلیم و رضایت به این مطلب است که هیچ آفریدگاری جز الله نیست و محمد بنده و فرستاده او است.⁽¹⁾

از همین رهگذر است که می بینیم پیشوایان اهل بیت [^] ایمان را بر اساس صفات مؤمنان نیز تقسیم کرده و تکلیف را مطابق با ظرفیت و توان انسان ها می دانند.

از عمار بن احوص از حضرت امام صادق ^x روایت شده است که فرمود:

خداوند عزّ و جلّ ایمان را در هفت سهم تقسیم کرد: نیکو کاری،

نقش اهل بیت [^] در بنیان گذاری جماعت صالحان 2

راستگویی، یقین، رضا، وفا، دانش و بردباری. سپس این هفت سهم را در میان مردم تقسیم نمود. هر کس که از هر هفت سهم بهره مند گردید دارای ایمان کامل است، اما در تقسیم به بعضی از مردم یک سهم، به بعضی دو سهم، به بعضی سه سهم تا هفت سهم رسید.

سپس فرمود:

بر کسی که یک سهم از ایمان دارد، بار دو سهم را تحمیل نکنید و بر کسی که دو سهم از ایمان دارد، بار سه سهم را تحمیل نکنید که بر ایشان گران خواهد آمد، و این روال به همین ترتیب ادامه دارد تا به عدد هفت ⁽¹⁾ برسد.

و از سدیر در حدیث معتبری نقل است که گفت:

حضرت امام محمد باقر \times به من فرمودند:

همانا مؤمنان دارای مراتب و درجات چندی هستند. برخی از آنان یک درجه، بعضی دو درجه، گروهی سه درجه، پاره‌ای چهار درجه، جماعتی پنج درجه، دسته‌ای شش درجه، و عده‌ای هفت درجه را به خود اختصاص داده‌اند. حال اگر بیایی و بر کسی که توانایی یک درجه دارد، بار دو درجه را تحمیل کنی، توانایی آن را نخواهد داشت یا اگر بر کسی که توانایی دو درجه دارد، بار سه درجه را تحمیل کنی، توانایی آن را نخواهد داشت و باز اگر بر کسی که توانایی سه درجه دارد، بار چهار درجه را تحمیل کنی، توانایی تحمل آن را نخواهد داشت یا اگر بر کسی که توان و ظرفیت چهار

1. کلینی، الکافی 2 / 42 ح 1.

درجه دارد، بار پنج درجه را تحمیل کنی، توانایی آن را نخواهد داشت و اگر بر کسی که توانایی پنج درجه دارد، بار شش درجه را تحمیل کنی، تاب تحمل آن را نخواهد داشت و نیز اگر بخواهی بر کسی که توانایی شش درجه دارد، بار هفت درجه را تحمیل کنی، توانایی حمل آن را نخواهد داشت و ایمان به همین ترتیب درجات مختلفی دارد.^{(1) (2)}

بدین گونه است که ایمان انسان در هنگام انحراف در مقام عمل، مورد تهدید قرار گرفته و نیز در اثر التزام به ارزش‌های اخلاقی و رفتاری ایمانش تکامل یافته و بالا می‌رود.

همچنان که این مطلب شیوه‌ای جدید را در تربیت و اداره در برابر ما می‌گشاید؛ چرا که بر اساس این باور هر قدر که ایمان انسان کامل‌تر باشد، برای رسیدن به درجات بالای تکلیف و مسئولیت آماده‌تر و شایسته‌تر می‌گردد و هر قدر که ایمانش کمتر باشد - به صریح روایات پیشین - باید بیشتر رعایت حال او را نموده، تکالیف کمتری بر او بار کرد.

شک نیست که چنین برداشتی از ایمان و نقش اخلاق در آن، نقشی بزرگ و آثاری مثبت در تعهدات رفتاری و اخلاقی و پذیرش مسئولیت‌ها و مأموریت‌ها دارد.

1. ممکن است مراد درجاتی باشد که در قرآن آمده است {هم درجات عند الله} [هر يك] از ایشان را در نزد خدا درجاتی است.
2. کلینی، الکافی 2 / 45 ح 3.

[4] اخلاق و رهبران

چهارمین نکته، تأکید ائمه بر این امر بود که پیروانشان در میان افراد جامعه اسلامی نقش الگو و رهبر را به دست گرفته و از طریق جماعت صالح در راه دست یافتن به نمونه کامل یک جامعه مطلوب تلاش کنند به گونه‌ای که این افراد، مورد اطمینان افراد جامعه قرار گیرند.

و شکی نیست که اخلاق، ارزش‌ها، و تعهدات رفتاری که با افراد جماعت صالح عجین شده بود، این امکان را برای این جماعت فراهم می‌نمود.

در فلسفه تاریخ که قرآن کریم بدان اشاره می‌نماید به دو گونه از الگوها و الگوپذیری‌ها برخورد می‌کنیم:

یک: نوع خوب، که از آن به «أسوة حسنه» تعبیر می‌کنند و الگویی است که بر اساس ارزش‌ها و تعهدات اخلاقی قیام می‌نماید، مثل تأسی به حضرت ابراهیم × و یاران آن حضرت، یا پیروی از حضرت محمد ' و سایر پیامبران [^] خداوند متعال فرماید:

{لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ لِّمَن كَانَ يَرْجُوا اللَّهَ وَ الْيَوْمَ الْآخِرَ
وَ ذَكَرَ اللَّهَ كَثِيرًا} (1)

قطعاً برای شما در [اقتدا به] رسول خدا سرمشقی نیکوست: برای آن کس که به خدا و روز بازپسین امید دارد و خدا را فراوان یاد می‌کند.

و نیز:

{قَدْ كَانَتْ لَكُمْ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ فِي إِبْرَاهِيمَ وَالَّذِينَ مَعَهُ إِذْ قَالُوا لِقَوْمِهِمْ إِنَّا بُرَاءُؤُا مِنْكُمْ وَمِمَّا تَعْبُدُونَ مِن دُونِ اللَّهِ}

قطعاً برای شما در [پیروی از] ابراهیم و کسانی که با اویند سرمشقی نیکوست: آنگاه که به قوم خود گفتند: ما از شما و از آنچه به جای خدا می پرستید بیزاریم.⁽¹⁾

همچنین:

{لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِيهِمْ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ لِّمَن كَانَ يَرْجُوا اللَّهَ وَالْيَوْمَ الْآخِرَ}

قطعاً برای شما در [پیروی از] آنان سرمشقی نیکوست [یعنی] برای کسی که به خدا و روز بازپسین امید می بندد.⁽²⁾

و فرموده است:

{أُولَئِكَ الَّذِينَ آتَيْنَاهُمُ الْكِتَابَ وَالْحُكْمَ وَ التَّوْبَةَ فَإِن يَكْفُرْ بِهَا هَؤُلَاءِ فَقَدْ وَكَلْنَا بِهَا قَوْمًا لَّيْسُوا بِهَا بِكَافِرِينَ * أُولَئِكَ الَّذِينَ هَدَى اللَّهُ فَيُهْدَاهُمْ لِقَتْدِهِ} ⁽³⁾

آنان کسانی بودند که کتاب و داوری و توبت بدیشان دادیم: و اگر اینان [= مشرکان] بدان کفر ورزند بی گمان گروهی [دیگر] را بر آن گماریم که بدان کافر نباشند * اینان کسانی هستند که خداوند هدایتشان کرده پس به هدایت آنان اقتدا کن.

1. ممتحنه / 4.

2. ممتحنه / 6.

3. انعام / 89 - 90.

نقش اهل بیت [^] در بنیان گذاری جماعت صالحان 2

دو: نوع بد، که از آن به عنوان «أسوه سیئه» یاد شده است و اینان کسانی هستند که بر اساس زور و قدرت و سلطه خارجی بر می خیزند، مثل الگو برداری از سرکشان، ستمگران، پیشوایان بد، مال پرستان و مقام پرستان. خداوند متعال فرماید:

{بَلْ قَالُوا إِنَّا وَجَدْنَا آبَاءَنَا عَلَىٰ أُمَّةٍ وَإِنَّا عَلَىٰ آثَرِهِم مُّهُتَدُونَ} (1)

بلکه گفتند: ما پدران خود را بر آیینی یافتیم و ما [هم با] پی گیری از آنان، راه یافتگانیم.

و همچنین فرموده است:

{وَقَالُوا رَبَّنَا إِنَّا أَطَعْنَا سَادَتَنَا وَكُبَرَاءَنَا فَأَضَلُّونَا السَّبِيلًا} (2)

و می گویند: پروردگارا، ما رؤسا و بزرگتران خویش را اطاعت کردیم و ما را از راه به در کردند.

انسانها معمولاً در الگوگیری تحت تأثیر یکی از این دو عامل قرار می گیرند:

1. فطرت سلیم انسانی، سرچشمه های حق، عدالت و وجدان درونی انسانی.

2. هوا و هوس، شهوات، ترس، طمع، و نقاط ضعف و کمبود روحی انسان.

1. زخرف / 22.

2. احزاب / 67.

ساختار اخلاقی جماعت صالحان

اهل بیت [^] همواره پیروان خود را به بسیج عوامل نوع اول و استفاده از آنها در راه رسیدن به این جایگاه اجتماعی و انسانی تشویق و ترغیب نموده‌اند.

از عبد الله بن ابی یعفر از حضرت امام صادق \times روایت شده است که فرمود:

همواره بی ادعا و با عمل، دعوت کننده مردم به سوی نیکویی باشید تا از شما سخت کوشی، راستگویی و پرهیزگاری ببینند.⁽¹⁾

و در کتاب مجالس از ابن عباس روایت شده که گفت:

به پیامبر اکرم ' عرض شد: ای رسول خدا، بهترین همنشینان چه کسانی هستند؟

آن حضرت فرمودند:

کسی که دیدارش شما را به یاد خدا انداخته، سخنش بر دانشتان افزوده و عملش شما را نسبت به آخرت مشتاق تر کند.⁽²⁾

همچنین از حضرت امام زین العابدین \times روایت شده است که فرمودند:

منفورترین مردم در نزد خداوند کسی است که ادعای پیروی از سنت پیشوایی را داشته باشد ولی در مقام عمل از کارهای او پیروی نکند.⁽³⁾

1. حرّ عاملی، وسائل الشیعة 8 / 513 ح 1.

2. حرّ عاملی، وسائل الشیعة 8 / 412 ح 4.

3. صدوق، خصال 1 / 21 ح 62، و به نقل از آن بحار 71 / 178 ح 25.

[5] اخلاق و عدالت

پنجمین نکته، دادن نقشی مؤثر در زندگی اجتماعی عملی به عدالت است؛ آنجا که در مکتب اهل بیت [^] وجود صفت عدالت در کسانی که متصدی بسیاری از مناصب و کارهای مهم هستند شرط دانسته شده است، مثل حاکمان، والیان، قاضیان، مفتیان، امامان جماعت، شهود دعاوی و طلاق و دیگر مواردی که در صورت جستجو در کتاب‌های فقهی می‌توان به آنها دست یافت. این مطلب دلیل بر اهمیت این صفت است تا بدان پایه که عدالت از لحاظ اهمیت، مرتبه‌ای بالاتر از دانش و معرفت یافته است؛ زیرا عالم بی عمل و بدون تقوا، ارزشی نداشته، بلکه دانش منهای عدالت و پرهیزگاری به چیز مضر تبدیل می‌شود و به همین دلیل است که پیشوایان اهل بیت [^] مردم را به شدت از دانشمندان بد بر حذر داشته‌اند.

این گونه بود که عدالت در ذهن پیروان اهل بیت [^] و شرایط روحی و روانی آنان جایگاه ویژه‌ای پیدا کرده، از تأثیر به سزایی در موضع گیری‌های آنان در برابر مجتهدان، قاضیان، صاحبان مناصب سیاسی و متصدیان همه فعالیت‌های اجتماعی برخوردار گردید.

این برداشت از عدالت و چنین موضعی در برابر آن را در هیچ کدام از دیگر مذاهب اسلامی و در طبقات دینی منسوب این مذاهب نمی‌توان دید؛ آنجا که می‌بینیم مذاهب اسلامی - با همه اختلافاتی که در میان خود دارند - تصدی اشخاص فاسق را برای امامت جماعت و حکومت و ولایت پذیرفته و در شهود قضاوت نیز با تسامح عمل می‌نمایند.

شک نیست که عدالت مفهومی گسترده‌تر از اعتماد و اطمینان دارد و به همین جهت نیز از ابعاد اخلاقی گسترده‌ای برخوردار است، چه اینکه عدالت معتبر در شهود نیز طبیعتاً با عدالت معتبر در حاکمان، والیان، قاضیان و مفتیان، متفاوت بوده و لازم است که دسته دوم به تناسب اهمیت جایگاه و سطح فشارهای روحی و اجتماعی که بر آنان وارد می‌شود، از عدالت در سطحی بسیار بالاتر از دسته اول برخوردار باشند.

[6] شیوه تزکیه

ششمین نکته، وضع برنامه‌ها، راه‌ها و روش‌ها برای رساندن جماعت صالحان به تزکیه نفس و سطح بالا و مطلوب اخلاقی است.

اتمه^۸ در این راستا تنها به ارائه تئوری‌های کلی و تشویق‌های خشک و خالی اکتفا نکرده اند، بلکه در برابر پیروان خود مجموعه‌ای از راهکارهای عملی قرار داده‌اند که در صورت تبعیت از آن راهکارها بتوانند به این هدف رسیده و به این سطح از اخلاق والا دست یابند که از جمله آن راهکارها روش مبارزه با نفس می‌باشد.

مبارزه با نفس: تئوری و راهکار

تئوری

ابتدا لازم است تصویری از دیدگاه و تئوری اسلام در باره موضوع مبارزه با نفس به دست بیاوریم. برای این کار باید به اختصار به ابعاد ذیل پردازیم:

نقش اهل بیت [^] در بنیان گذاری جماعت صالحان 2

اول: زندگی انسانی زندگانی طولانی و دراز مدتی است که زندگی دنیا مرحله کوتاه و محدودی از زندگی کامل او را تشکیل می دهد و با مرگ، خاتمه نمی یابد.

و به همین جهت است که زندگی دنیوی بشر دوران امتحان و آزمایش او قرار گرفته و در معرض انواع آلودگی ها به لهو و لعب و تجمل و فخر فروشی گردیده است. اما زندگی حقیقی و دراز مدت بشر، حیات اخروی اوست که نتایج و آثار کارهایش در آن بروز کرده و با ترازوی حق و عدالت مورد سنجش قرار خواهد گرفت.

دوم: محور تکامل در زندگی انسان نفس و جان اوست، نه زندگی مادی و نه جسم و بدنش؛ چرا که این روح و نفس آدمی است که باقی، مستمر و رو به پیشرفت است و بدن مادی او فناپذیر بوده، شکسته شده و دستخوش تغییر و تبدیل می شود.

و لذاست که مبارزه با نفس، خود یکی از عوامل تکامل روحی انسان است.

سوم: خداوند متعال عقل، دانش، شناخت خدا، هدایت عام و شناخت حقایق و مصالح و مفاسد را به صورت اجمالی در وجود انسان آفریده و به ودیعت نهاده است.

چنان که در وجود او، هوس و شهوت را آفریده و به جهت آزمایش وی از یک سو، و برای اینکه شهوت، نیروی برانگیزاننده او باشد از دیگر سوی، زندگی دنیا را در برابر چشمانش زینت بخشیده است. بنا

بر این، این دو نیرو همچون دو عامل موازی و متضاد در حرکت انسان وجود دارند.

خداوند متعال همچنین به انسان توانایی خلق کارها و فعالیت‌ها، تصور آینده و ترکیب میان تصورات را عطا فرموده است. و اراده انسان تنها عامل در حرکت انسان و انتخاب کارهای مختلف توسط او می‌باشد.

بر همین اساس، هرگاه انسان عقل خود را چراغ راه اراده خویش قرار داده و عقل خود را بر اراده‌اش حاکم گرداند، در مسیر تکامل گام برداشته و هرگاه هوا و شهوت را بر اراده خود حکمفرما نماید، در مسیر نزول و سقوط و انحطاط فرو افتاده است.

در فرض اول، خود شهوت نیز در پرتو راهنمایی عقل جهت دار شده و به نیرویی بدل می‌شود که انسان را به سوی تکامل می‌راند، اما در فرضیه دوم، همین شهوت تبدیل به نیرویی ویرانگر و کشنده می‌گردد.

چهارم: خداوند متعال به واسطه رحمت، جود، حکمت و دانایی خویش پیامبران را با کتاب‌ها و رسالت‌های آسمانی به سوی بشر فرستاده، بر آنان وحی کرد تا انسان را در هنگام درهم آمیختگی تصورات و مشتبه شدن حق و باطل یا در هنگام تحیر و ناتوانی از درک و شناخت حقایق، مصالح و مفاسد به راه حق و صواب راهنمایی اش کنند؛ زیرا انسان در هنگام درهم آمیختگی جزئیات مصالح با مفاسد، قادر به شناخت و تفکیک میان آنها نیست. در اینجا است که پیامبران به ابلاغ رسالت، تزکیه انسان، آموزش کتاب

نقش اهل بیت [^] در بنیان گذاری جماعت صالحان 2

آسمانی، حکمت و کیفیت حکم بر اساس حق در موارد اختلاف میان مردم و نظارت بر رفتار و کردار آنان بر می‌خیزند.

پنجم: هرگاه اراده انسان با اراده تشریعی خداوندی که در شریعت و احکام و حدود شرعی تجلی می‌کند مطابق گردید، نفس او تکامل یافته است؛ چرا که در این صورت نفس انسان با حق و مصلحت مطابق خواهد گردید. البته رسیدن به این مقام مستلزم این است که انسان با هوای نفس خود به مبارزه برخاسته، بر شهوات و غرایز خویش تسلط یافته و آنها را با احکام و قوانین شریعت مطابق نماید.

بلکه می‌توان گفت: همان‌طور که ورزش، جسم انسان را به کمال می‌رساند، مبارزه با نفس نیز به خودی خود، انسان را به تکامل روح که محور اصلی تکامل انسانی است می‌رساند.

دین اسلام برای انجام این مبارزه و تکامل انسان از طریق آن، روش مخصوصی وضع نموده است.

این روش دارای ارکان، پایه‌ها، روش‌ها و فرمول‌های عملی است که در این بخش از بحث، به خلاصه‌ای از ارکان و پایه‌ها و عناوین کلی مربوط به فرمول‌ها و شیوه‌های عملی پرداخته و تفصیل بیشتر در این باب را به مجالی دیگر وا می‌گذاریم.⁽¹⁾

1. ما در تفسیر سوره جمعه به بحث در رابطه با شیوه تزکیه و تربیت در اسلام پرداخته ایم و به زودی نیز در همین کتاب، در بحث نظام روابط اجتماعی، همچنین در مبحث نظام عبادات و شعائر با جنبه دیگری از همین مطلب آشنا خواهیم شد.

راهکار

می‌توان ارکان و پایه‌های راهکار اسلام و اهل بیت ^ع برای مبارزه با نفس را در ضمن خطوطی چند خلاصه کرد که یافتن آنها از لا به لای مباحث مبارزه با نفس در کتاب‌های اخلاقی، حدیثی و تحلیلی کار دشواری نیست.⁽¹⁾

اول: تقویت ارتباط با خداوند متعال از طریق ازدیاد یقین به خداوند، توکل بر او، حسن ظن به او، اخلاص در عمل و نیت، محبت به خداوند و پروا نمودن از او.

دوم: به کار گرفتن عقل هدایتگر که همواره هدایت‌کننده انسان به سوی حق و حقیقت و اطاعت از پروردگار بوده، دانش و معرفت که نقطه مقابل نادانی و هوا و هوس و تأثیر پذیری از این دو است، از به کار گرفتن همین عقل ناشی می‌شود. و به همین دلیل است که پاداش و کیفر نیز بر اساس میزان عقل افراد داده شده، بر مشورت با عقلا و ترجیح جنبه عقل بر جنبه‌های شهوانی در امور روزمره انسان ترغیب گردیده است.

سوم: تقوا و عفت و اصلاح نفس در هنگام میل به شر و شهوات،

1. در سخنرانی‌های ماه رمضان سال 1413 - 1414 به صورت تقریباً مفصل به این موضوع پرداختم و به جهت رعایت اختصار از استشهاد به روایات در رابطه با این پایه‌ها و ارکان خودداری نمودم. برای مطالعه روایات این باب می‌توانید به جلد یازدهم کتاب حرّ عاملی، وسائل الشیعه، ابواب جهاد النفس و امر به معروف و نهی از منکر و دیگر باب‌ها مراجعه نمایید.

نقش اهل بیت [^] در بنیان گذاری جماعت صالحان 2

و دوری از نافرمانی‌ها، خطاها و گناهان و مشخص کردن مسیر انسان در راه جهاد با نفس و کنترل امیال و جهت دادن به نیروها در دایره محدود شرعی از این طریق، و دانستن این نکته که انعکاس آثار نفسانی و روحی مثبت یا منفی بر زندگی انسان به همین پای بندی مربوط می‌شود.

چهارم: صبر و بردباری در راه فرمانبرداری و در مسیر خودداری از گناهان و در راستای تحمل فشارهای روحی و بیرونی و سر فرود نیاوردن در برابر آنها، استقامت در راه اطاعت از خدا و اجتناب از معصیت، پرورش عامل صبر و اراده و توان تسلط بر عواطف و هیجانات با قدرت اراده.

پنجم: محاسبه نفس و مراقبت انسان از اعمال و فعالیت‌های خویش و بلکه مراقبت از عواطف و احساسات و سنجش میزان تطابق اعمال و رفتار و عواطف و احساسات خود با احکام شرعی، اخلاق اسلامی، صفات کمال و اهداف بلندی که خداوند در مسیر حرکت تکاملی انسان فرا راه او نهاده است.

ششم: توبه و بازگشت به سوی خداوند متعال هنگام خروج از مسیر درستی، و زمان انحراف از راه پایداری و عدالت، و موقع افتادن در دام گناهان حتی صغیره اش و احساس پشیمانی از انجام آنها، اعتراف به گناه و تصمیم قاطع بر پای بندی و تقید به وظایف شرعی و پرداخت مظالم یا بدهکاری‌های مالی و حتی معنوی که انسان در رابطه با دیگر مردمان مرتکب آن شده و می‌توان آن را با پول جبران کرد.

هفتم: پیدا کردن اهرم‌های فشار هوای نفس بر انسان مانند: حب نفس

ساختار اخلاقی جماعت صالحان

و تمایلاتی همچون محبت به زن و فرزند، اموال و دارایی‌ها، طلا و نقره و گرایش‌های روحی چون خشم، رشک، حب ریاست، تکبر، خود بینی، طمع، تنبلی، تعصبات قبیله‌ای، قومی، ملی، شور هیجان جاهلی، ستمگری، گرایش به دشمنان، تجاوز به حقوق دیگران و... آنگاه درمان این ناهنجاری‌ها و فشارها پس از تشخیص و آگاهی از وجود آنها در خود.

هشتم: ایجاد ایمنی، مقاومت و مناعت نفس در انسان و ساختن حریمی با سطوح و اندازه‌های متعدد برای فرآیند تکاملی انسان در مبارزه با نفس. این مهم نیز از راه مجموعه‌ای از تقیّدات و آداب مستحب و مکروه به انجام می‌رسد، بدان سان که نقش دژ مستحکم را برای انسان بازی می‌کند که او را از تأثیر پذیری از هوای نفس محافظت نموده و بیشترین حد تکامل انسانی را برایش فراهم می‌نماید.

می‌توان این مطلب را - علاوه بر این شیوه - در دیگر روش‌های کلی اسلام نیز دید، همچنین در شیوه ذکر و دعا که ائمه^ع آن را وضع نموده‌اند و همه ساعت‌های شبانه روز را در بر می‌گیرد، به اضافه مسئله شب زنده داری، به خصوص در شب‌های خاص مانند شب‌های قدر، شب جمعه، شب‌های عید و سایر مناسبت‌های اسلامی (ولادت پیامبر اکرم^ص، مبعث پیامبر اکرم^ص، عید غدیر، شب نیمه شعبان و...)، همچنین عبادت در روزهای مخصوص مانند: روزهای اول تا نهم ماه ذی‌الحجه، ایام تشریق، دو عید سعید فطر و قربان، روز عید غدیر، روز تولد و روز مبعث پیامبر اکرم^ص، روز عاشورا و...

نقش اهل بیت [^] در بنیان گذاری جماعت صالحان 2

همچنین با وضع نمازهای مستحب خاص، مانند نمازهایی که به هر یک از چهارده معصوم [^] منسوب شده است، نماز جعفر طیار و... یا نمازهایی که به صورت کلی به عنوان مستحب مطرح شده است، مانند نماز در شبهای احیا، شبهای ماه رمضان و دیگر مناسبت‌های اسلامی.

و به همین ترتیب سایر عبادات مستحب همچون روزه مستحب، اعتکاف، حج و عمره مستحب، زیارت پیامبر [^]، ائمه [^] و بندگان شایسته خدا، ذکرهای مستحب، انفاق در راه خدا، صله رحم و سر زدن به همسایگان و مؤمنان و حتی ارتباط با همه مسلمانان.

همه این موارد دارای جزئیات دقیقی هستند که می‌توان آنها را در کتاب‌های حدیثی، باب‌هایی چون: جهاد النفس، العشرة، الإخوان، السلوك الأخلاقي و... مشاهده و مطالعه نمود. در نهایت، نتیجه عمل به این دستورات بالا رفتن جنبه اخلاق و تقییدات رفتاری و تقویت شخصیت انسان‌ها از لحاظ فردی و اجتماعی خواهد بود.

ان شاء الله به زودی در مبحث نظام شعائر و عبادات بیشتر به این مطلب خواهیم پرداخت.

3

ساختار فرهنگی

جماعت صالحان

پیش درآمد

فرهنگ در ساختار جماعت صالحان، در رتبه سوم اهمیت قرار دارد، چرا که این فرهنگ است که می‌تواند خصوصیات و ویژگی‌های صحیح این طائفه را ترسیم کرده، عرضه‌کننده خط مشی‌های نسبتاً تفصیلی از اعتقادات، اخلاقیات و زمینه مناسب برای ساختار روبنایی جماعت شیعه باشد.

همچنان که مؤسسات، شیوه‌ها و آثار فرهنگی می‌تواند محافظ خوبی برای بقا و استمرار این ساختار باشد، البته به میزان رابطه‌ای که با جنبه عقیدتی و اخلاقی دارد؛ چرا که این جنبه، به صورت بخشی از فرهنگ مورد پذیرش امت اسلام در آمده است. بنابر این، فرهنگ دژ استواری است که می‌تواند از یک طرف محافظ اخلاق و عقاید جامعه بوده و از طرف دیگر، جامعه را با روح معنویت تقویت نموده و از سومین جهت، مسیرها، موضع‌گیری‌ها و اهداف جامعه را متحد گرداند. فرهنگ به جزئیات ساختار اجتماعی پرداخته و چه در سطح شکل، مضمون و محتوا و چه در سطوح مختلف سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، سازمانی و امنیتی با ارائه مفاهیم و قالب‌های مورد نیاز به همه ابعاد و جوانب آن یاری می‌رساند.

نقش اهل بیت [^] در بنیان گذاری جماعت صالحان 2

اینجاست که ویژگی خاص مکتب اهل بیت [^] را در جنبه فرهنگی و اهمیت دادن آنان به فرهنگ در موجودیت و فعالیت و حرکت خود و ایجاد جامعه صالح ملاحظه نمود.

شک نیست که قرآن کریم در نزد اهل بیت [^] غنی ترین منبع فرهنگ اسلامی است و به همین جهت قرآن کریم از جانب ایشان بسیار مورد اهمیت واقع گشته و حضرت علی [×] مبادرت به جمع آوری قرآن از حیث تأویل و تنزیل نموده است.

عمرو بن ابی المقدام از جابر روایت کند که گفت: از حضرت امام باقر [×] شنیدم که فرمود:

هیچ کس از مردم ادعا نخواهد کرد که قرآن را چنان که نازل شده جمع آوری نموده است مگر به دروغ. کسی قرآن را چنان که خداوند متعال نازل کرده است جمع آوری نکرده مگر علی بن ابی طالب [×] و ائمه بعد از او [^].⁽¹⁾

حضرت علی [×] همچنین اولین کسی بوده است که به گردآوری، تدوین و حفظ سنت پیامبر (احادیث نبوی) - که دومین منبع فرهنگ اسلامی است - مبادرت ورزید و صحیفه جامعه را به وجود آورد که پس از آن

1. کلینی، الکافی 1 / 288 ح 1 * البته شکی نیست که منظور از جمع قرآن در این روایت، گردآوری آن با تمام خصوصیات همراه آن می باشد، مانند: اسباب نزول، و قرائن حالیه و مقالیه موجود در آن و تفسیرهایی که از پیامبر اکرم [×] در رابطه با آیات مختلف وارد شده است.

حضرت در میان ائمه اهل بیت ^۸ دست به دست می‌گشت.
در حدیثی از ابو بصیر از حضرت امام صادق \times روایت شده است که فرمود:

ای ابامحمد، همانا که جامعه در نزد ماست و مردم چه می‌دانند که جامعه چیست؟

ابو بصیر گوید: عرض کردم: قربانت کردم، جامعه چیست؟

فرمود: نوشته‌ای است به طول هفتاد ذراع به مقیاس ذراع پیامبر ' که از دهان مبارک خود آن حضرت املا شده و به دست مبارک علی \times نوشته شده و تمامی حرام‌ها و حلال‌ها و همه آنچه مردم به آن نیازمند هستند - حتی خسارت خراشیدگی - در آن آمده است.^(۱)

و باز از امام صادق \times روایت کرده که چون از فتوا دادن ابن شبرمه (از فقهای اهل سنت) یاد کرد، فرمود:

او چه اطلاعی از [صحیفه] جامعه دارد؟ که پیامبر ' آن را املا کرده و علی \times به خط خود آن را نوشته است و همه حلال و حرام حتی خسارت خراشیدگی در این نوشته آمده است.^(۲)

به علاوه که می‌بینیم پس از رسول خدا ' حضرت علی \times داناترین

1. کلینی، الکافی 1 / 239 ح 1 * صفار، بصائر الدرجات 143 ح 4 و 151 - 152 ح

3 و به نقل از آن مجلسی، بحار الانوار 26 / 22 ح 11.

2. صفار، بصائر الدرجات 145 ح 15 و به نقل از آن مجلسی، بحار الانوار 26 / 35 ح 61.

تقش اهل بیت [^] در بنیان گذاری جماعت صالحان 2

مردم و در امر قضاوت، چیره دست‌ترین آنها و آشناترین فرد در میان مردم به حلال و حرام و تفسیر قرآن بوده، دروازه شهر دانش پیامبر ' به حساب می‌آمده است.

در عمل نیز پس از پیامبر اکرم ' بیشتر از همه مردم در جنبه فرهنگی و تربیتی کار کرده، اولین کسی است که مبتکر علوم و دانش‌هایی بوده که دارای بُعد فرهنگی بوده‌اند. آن حضرت × بنیان‌گذار دانش‌هایی همچون: فقه، حدیث، تفسیر، نحو و... بوده است.

سایر پیشوایان اهل بیت [^] نیز همین رویه را ادامه داده، پیروان آن بزرگواران نیز به تبع آنان و تحت آموزش آن بزرگواران، خود از بنیان‌گذاران علوم اسلامی گردیدند.⁽¹⁾

اتمه [^] در رابطه با اهتمام نسبت به جنبه فرهنگی در ساختار جماعت صالحان و مؤمنان به ایجاد و پیشبرد دو طرح مهم مبادرت ورزیدند:²

طرح اول: پایه ریزی خط مشی فرهنگی

بدون تردید برنامه فرهنگی تقش مهمی را در ریشه دار کردن فرهنگ و موفقیت آن بازی می‌کند؛ به گونه‌ای که یک فرهنگ بتواند پاسخگوی

1. ان شاء الله در مبحث مربوط به مرجعیت فکری و دینی اهل بیت [^] در همین کتاب به تفصیل به این موضوع خواهیم پرداخت.

2. (طرح اول: پایه ریزی خط مشی فرهنگی) و (طرح دوم: پی ریزی مؤسسات علمی - فرهنگی) است که در صفحه (77) از همین جلد، بحث آن خواهد آمد. [ویراستار].

انتظاراتی که از آن می‌رود بوده، خلأهای فرهنگی جامعه را پر کند. اهل بیت [^] در ایجاد ساختار جماعت صالح و مؤمن بر چهار خط مشی فرهنگی که هر کدام مکمل دیگری است تکیه کرده‌اند:

خط مشی اول:

آزادی اندیشه و اجتهاد دقیق

این خط مربوط به دایره کلی برنامه‌های فرهنگی است که قبلاً در خلال بحث از جنبه‌های فکری و عقیدتی به آن اشاره‌ای داشته‌ایم و این خود یکی از ویژگی‌های اساسی فقه امامی اثنی عشری است که آن را از فقه سایر مذاهب جدا می‌نماید.

از همین جا می‌توان به خوبی ملاحظه کرد که ائمه اطهار [^] دارای هدفی روشن و برنامه‌ای صحیح بودند که مکتب فرهنگی خود را بر آن اساس شکل داده و مؤسسات علمی خویش را در چارچوب آن بنا نهاده‌اند.

این چارچوب کلی بر زیرساخت‌های ذیل متکی بوده است:

اول: منبع و خاستگاه فرهنگ اسلامی تنها قرآن کریم و سنت صحیح نبوی است، چه در فلسفه تاریخ و جامعه، چه در فقه اسلامی، اخلاق، عقاید، درک هستی و زندگی و لغت و آداب.

دوم: اصل مرجعیت اهل بیت [^] در شناخت اسلام و دیدگاه و شریعت اسلامی است؛ آنجا که حدیث و تاریخ اسلامی و سیره نبوی دستخوش تأویلات و تفسیرهای گوناگون قرار گرفته و موضع‌گیری‌ها و گرایش‌ها گوناگونی در قبال آن صورت پذیرفته است.

نقش اهل بیت [^] در بنیان گذاری جماعت صالحان 2

لذا علی رغم اینکه اهل بیت [^] از دید پیروان خود، سرپرستان امت و حاکمان جامعه و جانشینان پیامبر هستند، در این زمینه از مقام و جایگاه دیگری - غیر از ولایت - نیز برخوردار می باشند که مرجعیت در مسائل دینی و در فهم اسلام و شریعت است. برنامه اهل بیت [^] بر این حقیقت استوار گشته که حتی اگر از ولایت و خلافت اهل بیت [^] صرف نظر کنیم، آن بزرگواران، تنها مرجع برای فهم صحیح اسلام هستند. و این همان حقیقتی است که حدیث شریف ((تقلین)) به آن اشاره دارد.⁽¹⁾

سوم: استنباط مجموعه‌ای از قواعد فقهی و اصول شرعی از قرآن کریم و سنت نبوی که به هنگام نیاز، فقیه باید به آنها مراجعه کند؛ مثل زمان برخورد با مسائل جدید یا برای پر کردن خلأ در اموری که شارع مقدس بیان احکام آنها را به عهده ولی امر نهاده است.

زیرا شریعت اسلام آخرین شریعت است و به همین سبب برای همه اعصار و زمان‌هاست و لذا بر فقها و مجتهدان است که در برخورد با شرایط تازه، مطابق با احکام کلی به ایفای نقش استنباط احکام شرعیه قیام کنند، همچنان که بر آنان است تا در برابر هر رویداد جدیدی موضع گیری صحیح را مشخص نموده تکلیف عامه مردم را روشن کنند.

از جمله این وظایف تطبیق آموزه‌های قرآنی مربوط به ریز مسائل شریعت اسلامی با موضوعات آنها در امور نو و تازه‌ای است که در

1. به زودی در مبحث از مرجعیت اهل بیت [^] از همین کتاب به صورت استدلالی این مطلب را دنبال خواهیم نمود.

طول حیات شریعت اسلامی به وجود می‌آید.

همچنین تطبیق سنن و مفاهیم تاریخی بر مصادیق خارجی آنها است که اوضاع سیاسی و اجتماعی جامعه اسلامی به آنها باز می‌گردد.

چهارم: همت گماردن اهل بیت ^۸ به آموزش شیوه استنباط، کیفیت استفاده از متون اسلامی (قرآن و سنت)، جمع میان این متون در صورت بروز اختلاف، ایجاد ارتباط میان آنها یا انتخاب بعضی از آنها بر اساس معیارها و ضوابط خاص، به پیروان خویش است.

به همین دلیل ائمه ^۸ به آموزش چگونگی شناخت ناسخ و منسوخ، محکم و متشابه، عام و خاص و مجمل و مبین در فرآیند استنباط و نحوه برخورد با آنها و فهم پاره‌ای از این ادله در پرتو ادله دیگر اهمیت خاصی می‌دادند و این از امتیازات و افتخارات حضرت امام علی [×] در میان دیگر صحابه پیامبر ['] است.

اجتهاد، عامل پویایی شریعت: هدف از این آزادی اندیشه مبتنی بر تعهد، تحقق دو چیز بود:

1. ایجاد طبقه‌ای از مجتهدان در هر نسل که توان استنباط حکم شرعی را از منابع و سرچشمه‌های اصیل داشته، از افتادن در محذورات مختلف مصون باشند، اموری چون: اعتماد بر رأی - نظیر آنچه که برای اصحاب رأی اتفاق افتاد - و جمود بر اعتماد به خبر واحد که اصحاب حدیث به آن گرفتار آمده و متن روایت را در معرض تضارب با سایر روایات قرار نمی‌دهند تا در پرتو آنها معنی

نقش اهل بیت [^] در بنیان گذاری جماعت صالحان 2

آن آشکار شود؛ چرا که همه منابع اسلامی از کلام خدا «قرآن» گرفته، تا کلام پیامبر ' «سنت نبوی» و کلام ائمه اطهار [^] «احادیث روایت شده از آن بزرگواران» به منزله یک سخن هستند که هر بخش از آن بخش دیگر را تفسیر و تبیین می نماید و به سخنان شخصی واحد شبیه است که سخنش قطع نشده و می توان ابتدا، وسط یا انتهای سخنش را بر سایر بخش های سخن او قرینه قرار داد.

2. حفظ سرزندگی و پویایی شریعت اسلام و توان همراهی آن با شرایط و پیشرفت های زمان بدون افتادن در خطرات جعل و تحریف، دراز کردن دست نیاز به سوی سایر مذاهب، تأویل یا نابودی شریعت و یا دستخوش آشوب شدن به واسطه هرج و مرج سیاسی و فرهنگی که در خلال فتنه ها و حوادث دردناک بر جهان اسلام گذشته است.

خط مشی دوم:

دانش و دانش آموزی

تشویق و ترغیب به آموختن دانش و به خصوص دانش دینی به گونه ای بود که در مذهب اهل بیت [^] به عنوان یک واجب شرعی تلقی شده که هر انسانی در برابر عدم حصول آن مسئول است. احادیث بسیاری در تأکید بر این جنبه وارد شده که اصحاب حدیث و مؤلفان کتاب های حدیثی برای آن باب مستقلی گشوده اند.

حضرت امام رضا از حضرت امام علی ' روایت فرماید که فرمود:

سمعت رسول الله ' يقول: طلب العلم فريضة على كل مسلم... به يُطاع

الرَّبِّ، و به توصل الأرحام، و به يُعرف الحلال من الحرام. العلم إمام العمل
و العمل تابعه، يلهمه السعداء و يجرمه الأشقياء.⁽¹⁾

از پیامبر اکرم ' شنیدم که می فرمود: آموختن دانش بر هر مسلمانی
واجب است... به واسطه دانش است که خداوند اطاعت شده، صله رحم
انجام شده، حلال و حرام شناخته می گردد. دانش پیشوای عمل است و
به سعادت‌مندان الهام شده است، سیه روزان از آن بی بهره خواهند ماند.

و از امام صادق × روایت است که فرمود:

اگر مردمان می دانستند چه چیزی در دانش نهفته است به دنبال آن می رفتند، حتی
اگر در این راه خونشان ریخته شده یا در دل گرداب‌های خطرناک فرو روند.⁽²⁾

همچنین از زید زرّاد از حضرت امام صادق × روایت شده است که
فرمود:

ابوجعفر باقر × فرموده است: فرزندم، مراتب و درجات شیعیان را به اندازه
روایت و معرفت آنها بشناس؛ چرا که معرفت و شناخت، همان فهم صحیح
روایات است و به واسطه همین فهم صحیح یا درایت روایات است که مؤمن
به بالاترین درجات ایمان می رسد. من در کتاب علی × نگریستم و در آن
یافتم که: قدر و قیمت هرکس به اندازه معرفت و شناخت او است...⁽³⁾

و باز از امام صادق × نقل شده است که فرمود:

1. شیخ طوسی، امالی 487 - 488 ح 1069 و به نقل از آن مجلسی، بحار الانوار 1 / 171 ح

24.

2. ابن ابی جمهور، عوالی اللثالی 61 / 4 ح 9 و به نقل از آن مجلسی، بحار الانوار 1 / 177 ح 53.

3. صدوق، معانی الأخبار 1 ح 2 و به نقل از آن مجلسی، بحار الانوار 2 / 184 ح 4.

نقش اهل بیت [^] در بنیان گذاری جماعت صالحان 2

درجات شیعیان ما را از میزان روایت کردن آنها از ما بشناسید؛ چرا که ما فقیهان شیعیان خود را فقیه نمی‌شماریم مگر اینکه حدیث ما را روایت کند.⁽¹⁾

البته اهل بیت [^] در این زمینه به همین تشویقات اکتفا نکرده، بلکه برای آموختن دانش، خط مشی‌هایی ترسیم فرموده‌اند.

دانش و پندار: تأکید بر شیوه‌های علمی قرآنی در بحث و نقش دانش و یقین در شناخت، در برابر تکیه کردن بر گمان‌ها و اوهام در رسیدن به معرفت.

اهل بیت [^] - چنان که سابقاً گفتیم - علم و یقین به احکام شرعی را با منابع و مصادر صحیح پیوند داده‌اند، اما به این مقدار نیز بسنده نکرده، تأکید نموده‌اند که بهره برداری از این منابع نیز باید مطابق با شیوه علمی باشد که بر اساس درس و تعلیم و استفاده از دانشمندان حقیقی که خود اهل بیت [^] باشند، استوار است.

آنان بدین ترتیب راه را بر تکیه کردن بر حدسیات، هوس‌ها، پندارها و حتی امور ظنی (گمان آور) همچون استحسان، قیاس، مصالح مرسله و امثال این امور بسته‌اند؛ زیرا حقایق الهی، احکام شرعی و تفصیل مصالح و مفاسد مربوط به آنها را جز از راه وحی و الهام که نسبت به پیامبران و مردمان برگزیده خدا حاصل شده یا از راه آموختن، حفظ،

1. کنتی، اختیار معرفة الرجال 1/ 6 ح 2 و به نقل از آن مجلسی، بحار الانوار 2/ 82 ح 1.

نوشتن، ضبط و بهره مندی از دانشمندان حقیقی که اهل بیت پیامبر و امین وحی خدا هستند، نمی‌توان به دست آورد.

از حضرت پیامبر اکرم ' روایت شده:

هر کس بدون دانش دست به کاری بزند، بیشتر از اینکه آن را درست کند، ضایعش خواهد نمود.⁽¹⁾

همچنین حضرت امیرالمؤمنین × فرموده‌اند:

مردمان پس از رسول خدا ' به سه دسته تقسیم شدند: دانشمندی که از جانب خدا هدایت شده و خداوند به وسیله دانشی که به او عنایت کرده از دیگران بی‌نیازش ساخته، نادانی که در عین بی‌دانشی ادعای علم و دانش کرده، به دانش نداشته‌اش مغرور گشته، دنیا او را و او دیگران را فریفته است، و طالب علمی که از دانشمندی کسب دانش نماید که در راه هدایت خداوندی و نجات قرار دارد، سپس مدعی نابود می‌شود و دروغگو ناامید می‌گردد.⁽²⁾

حضرت امام باقر × نیز فرموده‌اند:

هر کس بدون علم و دانش فتوایی بدهد، فرشتگان رحمت و فرشتگان عذاب وی را لعنت کرده و گناه هر کس که به فتوای او عمل کرده باشد به گردن او خواهد بود.⁽³⁾

-
1. حرّ عاملی، وسائل الشیعة 18 / 12 / ب 4 ح 13.
 2. حرّ عاملی، وسائل الشیعة 18 / 7 / ب 3 ح 4.
 3. حرّ عاملی، وسائل الشیعة 18 / 9 / ب 4 ح 1، 11، 14.

نقش اهل بیت [^] در بنیان گذاری جماعت صالحان 2

و از یکی از معصومین روایت شده که فرمود:

به حضرت امام صادق \times عرض کردم: حقّ خداوند بر بندگان چیست؟ فرمود:
اینکه تنها آنچه را که بدان دانش و آگاهی دارند به زبان آورده و از گفتن آنچه
بدان علم ندارند، خودداری کنند که اگر چنین کنند حق خدا را به جا آورده‌اند.⁽¹⁾

تدوین حدیث: در زمینه روایت حدیث و حفظ و تدوین آن، افزون بر
تأمل در قرآن و فهم آن. سابقه اهل بیت [^] و پیروان آنها را تاریخ
ثبت نموده که آنها اولین کسانی بودند که احادیث را تدوین نموده، به
حفظ و نشر آن همت گماشتند. این کار در زمانی انجام شد که به
سبب موضع گیری منفی خلیفه دوم نسبت به تدوین احادیث در صدر
اسلام، سنت نبوی در خطر انقراض قرار گرفته بود؛ وی طرح حفظ و
تدوین حدیث را تنها به این بهانه رد کرد که این کار ممکن است
تأثیر منفی بر فرآیند حفظ قرآن داشته و مردم را از پرداختن به قرآن
باز دارد.⁽²⁾

به همین دلیل است که می‌بینیم اصحاب ائمه [^] در فقه و معرفت به
درجه بالایی دست یافتند و به مدد این طرز تفکر سرآمد سایر
مردمان گردیدند.⁽³⁾

1. حرّ عاملی، وسائل الشیعة 18 / 12 / ب 4 ح 10 * و ر.ک: صفات قاضی، ب 6 در
رابطه با حرمت قیاس و ظنون ح 14، 15، 20، 21.
2. ر.ک: طبقات ابن سعد 5 / 140 * ابن عبد البر، جامع بیان العلم 2 / 147 * ذهبی،
تذکره الحفاظ 1 / 4 - 5 * متقی هندی، کنز العمال 5 / 239 ح 4865.
3. حرّ عاملی، وسائل الشیعة 18 / 61، ابواب صفات قاضی ب 8 ح 35.

بر همین اساس اصحاب ائمه[^] در دوره‌های گذشته به نگارش و تدوین کتاب‌های حدیثی روی آوردند که این امر منجر به پیدایش اصول چهارصدگانه معروف گردید که در میان سخنان بعضی از اصحاب ائمه مانند: ابان بن تغلب و عبید الله بن علی حلبی به این مطلب اشاره شده است.⁽¹⁾

و می‌بینیم که پیشوایان اهل بیت[^] نیز از آن دسته از اصحاب خود که در ابتدای این راه بار سنگین این مسئولیت را بر دوش کشیدند تمجید بسیاری به عمل آورده‌اند؛ افرادی چون: برید بن معاویه عجللی، ابو بصیر لیث المرادی، محمد بن مسلم و زراره بن اعین.⁽²⁾

آموزش یا نشر دانش: به همان اندازه که حدیث و نوشتن آن از اهمیت برخوردار است، یاد دادن حدیث نیز مورد تأکید قرار گرفته، بدان سان که از لحاظ درجه اهمیت در موازات کتابت حدیث قرار گرفته. بدین وسیله بود که اهل بیت[^] توانستند در شرایط سخت سیاسی و حتی شرایط سخت زندگی، راه فراگرفتن دانش را در میان اقشار مختلف جماعت صالح سهل و آسان نمایند؛ آنجا که پیروان اهل بیت[^] با عملیات تعقیب و محاصره اقتصادی و فرهنگی مواجه بودند.

شیخ کلینی در کافی، از معاویه بن عمار نقل می‌کند که گفت: به

1. حرّ عاملی، وسائل الشیعة 18 / 72 - 73 / ب 8 ح 80 - 81.

2. حرّ عاملی، وسائل الشیعة 18 / 59 - 57 ح 14، 16، 21.

نقش اهل بیت [^] در بنیان گذاری جماعت صالحان 2

حضرت امام صادق × عرض کردم:

مردی از شیعیان شما روایت کننده احادیث شماست و روایات شما را در میان مردم منتشر می کند و آنها را در دل دوستان و شیعیان شما تثبیت می نماید، و شاید مرد عابدی نیز در میان شیعیان شما باشد که این ویژگی در او نباشد، کدام یک از این دو برتر و با فضیلت تر هستند؟

آن حضرت در پاسخ فرمودند:

روایت کننده احادیث ما که دل های شیعیان ما را با این کار قرص و محکم می کند از هزار عابد برتر است. ⁽¹⁾

و از پیامبر اکرم ' نقل است که فرمود:

با یکدیگر هم سخن شده و برای هم حدیث بگویند: چرا که حدیث صیقل دهنده دل هاست، همانا که دل نیز زنگار می گیرد همچون شمشیر که صیقل دهنده آن آهن است. ⁽²⁾

همچنین از امام صادق × روایت شده است که فرمود:

هر کس از حدیث، سود دنیوی بخواهد در آخرت او را بهره ای نخواهد بود، اما کسی که از حدیث، تنها پاداش اخروی طلب کند خداوند به او خیر دنیا و آخرت خواهد داد. ⁽³⁾

1. حرّ عاملی، وسائل الشیعة 18 / 52 / ب 8 ح 1.

2. حرّ عاملی، وسائل الشیعة 18 / 52 / ب 8 ح 3.

3. حرّ عاملی، وسائل الشیعة 18 / 52 / ب 8 ح 4.

و نیز از آن حضرت روایت شده است که فرمود:

من حفظ من أحاديثنا اربعين حديثاً بعنه الله يوم القيامة فقيهاً عالماً.⁽¹⁾

هرکس چهل حدیث از احادیث ما را به خاطر بسپارد، خداوند متعال او

را در قیامت به صورت دانشمندی فقیه برانگیخته خواهد کرد.

و از محمد بن مسلم نقل شده است که گفت:

به امام صادق × عرض کردم: احادیثی را از شما می‌شنوم و در هنگام

بیان آن [برای دیگران در عبارت آن] کم و زیاد می‌شود.

فرمودند: اگر معنای آن را برسانی مانعی ندارد.⁽²⁾

این برنامه می‌تواند استمرار پویایی پرشتاب فرهنگی و بقای مراکز
تعلیم و فرهنگ را علی‌رغم شرایط سختی که شمه‌ای از آن را ذکر
کردیم تفسیر کند.

از دیگر ویژگی‌های آشکار مدارس علمی اهل بیت [^] که توانسته
است در برابر همه فشارها ثابت و استوار بماند، رایگان بودن آموزش
در این مدارس است.

در همان زمان که دولت وقت با قدرت هر چه تمام‌تر و با امکاناتی
گسترده به یاری مدارس رسمی مذاهب دیگر می‌شتافت، نه تنها هیچ
کمکی به مدرسه‌های علمی پیروان اهل بیت [^] نمی‌کرد، بلکه آنها را

1. حرّ عاملی، وسائل الشیعة 18 / 52 / ب 8 ح 5.

2. حرّ عاملی، وسائل الشیعة 18 / 52 / ب 8 ح 9.

نقش اهل بیت [^] در بنیان گذاری جماعت صالحان 2

مورد پیگرد و هجوم نیز قرار می داد. اما در عین حال، مدارس اهل بیت [^] به بهترین نحو به فعالیت خود ادامه داده و گاه حتی از سایر مدارس رسمی که در صورت عدم پشتیبانی حکومت در خطر نابودی و اضمحلال قرار می گرفت نیز پیشی می گرفت.

یکی از دلایل عمده این امر، رایگان بودن تعلیمات در این مدارس و به کارگیری شیوه تدریس قریه الی الله (فقط برای نزدیک شدن به خدا) بوده است؛ امری که همیشه علامت مشخصه و سرلوحه کار این مدارس قرار داشته است. همچنین وجود رویه تعامل با فعالیت های فرهنگی در سطوح مختلف است؛ اموری چون: تدریس، تبلیغ، آموزش احکام شرعی، تألیف کتاب و دیگر کارهای فرهنگی.

خط مشی سوّم:

تنوع در روش های فرهنگ سازی

پیشوایان اهل بیت [^] علاوه بر شیوه هایی چون خطابه، شنیدن روایت و شعر که در صدر اسلام شناخته شده بود، به روش های دیگری دست زدند که تا آن روز در سطح فرهنگ سازی عمومی شناخته شده نبوده، بلکه در قالب اقداماتی فردی و محدود یا اقدامات رفتاری خاص وجود داشت.

از این شیوه ها می توان به این موارد اشاره نمود: دعا، وصیت، نامه ها و پیام ها، و نیز زیارت، مجالس و اجتماعات که از آن جمله مجلس عزای حضرت امام حسین \times است.

* * *

دعا: دعا در مکتب اهل بیت [^] به مدرسهٔ کاملی برای فرهنگ اهل بیت [^] مبدل شد که در آن عقاید، اخلاق، مفاهیم اسلامی، اجتماعی، روابط انسانی، ادب در بالاترین سطح، به اضافهٔ تزکیهٔ نفس و تربیت والا و ایجاد جلوه ای از رابطهٔ با خداوند متعال را می توان به وضوح دید.

اهل بیت [^] این روش را بنیاد نهاده و حضرت علی [×] در دعاها و مناجات‌های مشهور خود، از جمله دعایی که به کمیل بن زیاد نخی آموخته و به دعای کمیل مشهور است، این شیوه را معرفی کرده است. از جمله، این دعاهای مشهور و ممتاز اهل بیت [^] دعای حضرت امام حسین [×] در روز عرفه است.

حضرت امام زین العابدین [×] نیز به صورت بسیار گسترده‌ای از همین روش استفاده فرمود که در این زمینه، نتایجی گسترده و ممتاز و نقش و تأثیر قابل توجهی را در شیوهٔ فرهنگی از خود به جای گذاشت.

این همه به این دلیل بود که شیوهٔ دعا برای درمان بحران سقوط اخلاقی و فرهنگی از یک سو، فائق آمدن بر شرایط سخت سیاسی که پس از شهادت پدر بزرگوار خود امام حسین [×] با آن رو به رو شده بود از دیگر سو، و شکستن حلقهٔ محاصره‌ای که امویان به دور آن حضرت کشیده بودند از جهت سوم، کارآمدترین شیوه‌ها بود.⁽¹⁾

1. صحیفه سجاده حضرت امام زین العابدین [×] یکی از نمونه های بارز در این زمینه است.

نقش اهل بیت [^] در بنیان گذاری جماعت صالحان 2

وصیت: وصیت دارای ابعاد گسترده‌ای است و پیامبر اکرم ' با وصیت‌های سیاسی، فرهنگی و تربیتی خود به حضرت علی × آغاز کننده این روش بوده و حضرت علی × نیز با وصیت کردن به فرزند خود حضرت امام حسن × و سایر فرزندان این راه را ادامه داده است، و از آن پس، این کار به صورت روش و شیوه منحصر به فرد ائمه اهل بیت [^] در آمد به گونه‌ای که می‌توان با جمع آوری وصایای آن بزرگواران که مشتمل بر نکات مختلف فرهنگی است، کتاب بزرگ و کاملی تهیه نمود.⁽¹⁾

نامه‌ها: در همین رابطه می‌توان نامه‌های اهل بیت [^] را که وجهه ارشادی و تعلیمی دارند، مورد ملاحظه قرار داد؛ نامه‌هایی که در نهج البلاغه حضرت علی × آمده و به همین ترتیب نامه‌هایی که سایر ائمه مانند امام باقر، امام صادق، امام کاظم و دیگر پیشوایان اهل بیت [^] برای شیعیان و پیروان خود ارسال می‌نمودند و در بر دارنده ریزه کاری‌های دقیق، فراوان و متنوع در زمینه هدایت فرهنگی بود.⁽²⁾

1. به عنوان مثال می‌توان به وصیت پیامبر اکرم ' به حضرت علی × (تحف العقول 13)، وصیت حضرت علی × به حضرت امام حسن × (تحف العقول 46) و (نهج البلاغه 3 / 42)، وصیت حضرت امام باقر × به جابر جعفی (تحف العقول 206)، وصیت حضرت امام صادق × به ابو جعفر محمد بن نعمان (تحف العقول 227) و وصیت حضرت امام کاظم × به هشام بن حکم (تحف العقول 286) اشاره نمود.
2. در این زمینه به عنوان مثال می‌توان به این موارد اشاره کرد: نامه امام صادق × به شیعیان خود (کلینی، الکافی 8 / 397)، نامه امام باقر × به جمعی از شیعیان و اصحاب خود (کلینی، الکافی 8 / 230)، نامه امام هادی × در رد عقاید جبریان و اهل تفویض (تحف العقول 341)، نکات تربیتی حضرت امیرالمؤمنین × برای

روش های دیگر: در بحث‌های آینده با تفصیل بیشتری به دیگر شیوه‌ها خواهیم پرداخت، مثلاً در مبحث **شعائر** به شیوه زیارت و در مبحث **مؤسسات فرهنگی** به شیوه مجالس عزای امام حسین \times و در مبحث **نظام روابط** به شیوه برپایی اجتماعات خواهیم پرداخت. آنگاه خواهیم دید که اهل بیت \wedge از لحاظ تنوع شیوه‌های فرهنگی به چه عملیات پیشرفته‌ای دست زدند، بدان سان که برخی از این شیوه‌ها بدل به مؤسسات بزرگ و طرح‌های مهم و ممتاز گردید.

خط مشی چهارم:

تنوع در مواد فرهنگی:

اهل بیت \wedge در زمینه شیوه‌های فرهنگی و تعلیماتی اهمیت ویژه‌ای به تنوع مواد فرهنگی و تخصص‌های علمی می‌دادند؛ امری که پیروان آنها نیز در زمینه‌های مختلف انسانی و طبیعی ناچار به تحصیل آن بودند.

اهل بیت \wedge تنها به تعدد و تنوع معلومات فرهنگی بسنده نکرده، پیروان خود را به تخصص‌گرایی تشویق می‌نمودند؛ تا بدان حد که بتوانند در موضوعات مختلف فرهنگی به مراتب بالا دست یابند. اهل بیت \wedge از ابتدا به اهمیت بسط و توسعه در رشته‌های علوم انسانی و طبیعی وقوف کامل داشته، افق‌های معرفت، چالش‌های فکری و انحرافات عقیدتی را که جامعه اسلامی به زودی شاهد آن می‌شد

نقش اهل بیت [^] در بنیان گذاری جماعت صالحان 2

درک می کردند، چنان که سابقاً هم همین مسائل از جانب جریانات الحاد و زندقه، غلو و تعصب، پیروی از امیال نفسانی و آمیختگی با تمدن های یونانی، هندی، ایرانی و بیزانسی به وجود آمده بود.

به سبب همین نوع نگاه اهل بیت [^] است که می بینیم متخصصان در این رشته های علوم، تنها در قرن های اخیر و دوران گسترده و شاخه شاخه شدن امور فرهنگی نیست که در جامعه اسلامی پیدا شده اند، بلکه این نوع از تخصص و اندیشه را در ابتدای قرن دوم هجری مشاهده می نمایم که با راهنمایی و هدایت خاص از جانب ائمه [^] صورت پذیرفته است؛ آنجا که صاحبان تخصص در علم کلام را مانند هشام بن حکم، صاحبان تخصص در علم فقه و افتا را مانند زرارة بن اعین و محمد بن مسلم، صاحبان تخصص در علوم قرآنی را همچون ابان بن تغلب، صاحبان تخصص در تاریخ را همچون ابان الاحمر بجلي، سلیم بن قیس و لوط بن یحیی، صاحبان تخصص در علوم طبیعی را همچون جابر بن حیان که امام صادق \times دانش شیمی را به او آموخت و وی بنیان گذار این رشته علمی گردید، مفضل بن عمر و دیگرانی را که از دانشمندان و متخصصان بزرگ بودند، در آن برهه از زمان می توان دید.

این فراگیری از یک جهت و تخصص گرایی از جهت دیگر، در ساخت جامعه صالحان، تشکیل دهنده زیر بنای فرهنگی بود تا از یک سو پاسخگوی خواسته ها بوده، خالها را پر کرده و نیازهای این جماعت را بر طرف نماید، از دیگر سوی، اعتماد به نفس و استقلال را در ساختار

این جماعت جای دهد و از سومین جهت، این جماعت را به عنوان گروهی پیشرو که مسئولیت حفظ اسلام و تقویت و دفاع از آن را بر دوش می‌کشد، به جایگاه اصلی خود در میان امت اسلام برساند.

البته معنای این تخصص‌گرایی دست برداشتن از فراگیری دیگر دانش‌ها نبوده و اصحاب ائمه^ع برای اینکه حرکت فرهنگی خود را عمیق‌تر، قوی‌تر و فراگیرتر کنند، به سایر علوم و معارف نیز می‌پرداختند.

طرح دوم: پایه ریزی مؤسسات علمی - فرهنگی⁽¹⁾

اهل بیت^ع پس از اینکه منابع فرهنگ اسلامی و روش‌های کلی ضبط و تعلیم آن را مشخص کردند، به ایجاد مؤسسات علمی - فرهنگی و ترغیب دیگران بر این امر همت گماشتند، چه مؤسساتی که در میان مسلمانان شناخته شده و متداول بوده، مانند مسجد که اولین و معتبرترین مؤسسه فرهنگی - عبادی به حساب می‌آمد که مسلمانان در اجتماعات خود آن را می‌شناختند و چه مؤسسات فرهنگی که تا آن وقت برای مسلمانان شناخته شده نبود، مانند مجالس خاصی که اهل بیت^ع برای ترویج فرهنگ خود و تعلیم آموزه‌های ویژه جماعتی که در صدد بنیان‌گذاری آن بودند، تأسیس کرده بودند. این مجالس بعدها تبدیل به مؤسسه فرهنگی گسترده‌ای گردید که یک بخش از آن، مجالسی بود که امروزه به **مجالس حسینی** معروف است.

1. در باره هرکدام از این مؤسسات می‌توان تحقیق کاملی ارائه کرد، اما به جهت رعایت اختصار تنها به بیان تعدادی از ویژگی‌های اساسی آنها اشاره می‌کنیم. لازم به تذکر است که (طرح اول) در صفحه (60) گذشت.

نقش اهل بیت [^] در بنیان گذاری جماعت صالحان 2

این اهمیت دادن به مؤسسات فرهنگی دو سبب اساسی داشت که با جنبه فرهنگی در ارتباط بود:

اول: پیاده سازی عملی برنامه های فرهنگی، چرا که بدون پیاده سازی عملی، تحقق اهداف برنامه های فرهنگی وابسته به تضاد و شرایط متغیر می گردید.

دوم: این برنامه های ویژه فرهنگی از لحاظ محتوا، مضمون، گستردگی و فراگیری در حد و اندازه هایی بودند که مؤسسات عام فرهنگی هر قدر هم که قوی و شایسته بودند، توان پوشش دادن کامل به آنها را نداشتند. گذشته از اینکه فرصت استفاده پیروان اهل بیت [^] از چنین مراکزی هم بسیار محدود بود. از این رو بود که اهل بیت [^] به تأسیس مؤسسات خاص روی آوردند.

حال به بعضی از این مؤسسات اشاره می کنیم که پیروان اهل بیت [^] آنها را شناخته و تأثیر بسزایی در جنبه فرهنگی زندگی آنان داشته است.

* * *

[1] حوزه های علمیه

مسلمانان از روز اول حلقه هایی داشتند که در آنها به بحث در باره علوم مختلف می پرداختند، و این حلقه ها رفته رفته در تاریخ اسلام تبدیل به مدارس گردید و از این رهگذر بود که مدرسه های کوفه، مدینه، مکه، قاهره، اندلس و... به وجود آمد. این مدارس در عرف پیروان اهل بیت [^] حوزه های علمیه نامیده می شود.

اهل بیت [^] نیز در همگامی با این روند کلی و شناخته شده در میان مسلمانان، به تأسیس مدارس علمیه در سطح کلی جهان اسلام پرداختند؛ آنجا که آن بزرگواران نقش برجسته‌ای در فعال سازی همه مدارس اعم از مدارس عام و مدارس علوم اسلامی در همه شهرهای بزرگ جهان اسلام داشتند.

این امر در زمان حضرت امام باقر و حضرت امام صادق ' وضوح بیشتری پیدا کرد و این دو بزرگوار تأثیر بزرگی در فرهنگ جامعه اسلامی داشتند و چنان که پیشتر نیز اشاره کردیم بزرگانی از دانشمندان جهان اسلام به دست این دو امام تربیت شده و پرورش یافتند.⁽¹⁾

افزون بر این، اهل بیت [^] نقشی خاص نیز در تأسیس مدارس ویژه شیعیان داشتند. آنان به دلیل درک اهمیت فرهنگ و باور به تأثیر مهم این مؤسسات در ریشه دار ساختن پایه‌های فرهنگ، در برنامه ساختاری جماعت صالحان روشی را در پیش گرفتند که نتیجه آن تأسیس چنین مؤسساتی بود.

مدرسه کوفه و قم: مدرسه کوفه در تاریخ حیات اهل بیت [^] از مدارس ممتاز به شمار می‌آمد؛ چرا که تشیع در اوایل فتح اسلامی و به همراه اولین افراد برگزیده اصحاب پیامبر اکرم ' به این شهر وارد شده

1. در باره این موضوع هم ان شاء الله در مبحث مرجعیت فکری از موسوعه (دور اهل البیت [^] فی الحیاة الاسلامیة) با تفصیل بیشتری به بحث خواهیم پرداخت.

نقش اهل بیت [^] در بنیان گذاری جماعت صالحان 2

بود؛ افرادی چون: حذیفه بن الیمان و سلمان فارسی که از ابتدای فتح عراق به دست مسلمانان، در عراق سکونت داشته و از اولین حاکمان اسلامی عراق در مدائن بودند و نیز عمار بن یاسر، عبدالله بن مسعود و

سپس مدرسه قم از مدرسه کوفه منشعب شده و به مدرسه‌ای ویژه شیعیان اهل بیت [^] تبدیل گردید؛ زیرا تأسیس آن به دست افرادی صورت پذیرفت که از پیروان مخلص اهل بیت [^] بودند که در اثر تعقیب و پیگرد حکومت‌ها به این شهر آمده بودند. به همین ترتیب مدارس دیگری در شرق مملکت اسلام، در ری، خراسان، اصفهان، افغانستان، جبل عامل و ... از مدرسه‌های کوفه و قم تأثیر پذیرفتند.

مدرسه کوفه پس از گذراندن قرون اولیه اسلام که در بعضی از ادوار اولیه آن، یعنی دوران امام صادق \times حدود چهار هزار محدث در خود داشت که هر کدام از امام صادق حدیث نقل می‌کردند، در زمان امام حسن عسکری \times و زمان نواب اربعه امام زمان - عجل الله فرجه - در زمان غیبت صغری، تا بغداد نیز امتداد یافته بود، تا اینکه در زمان شیخ مفید، سید مرتضی و شیخ طوسی به شکل ویژه‌ای متحول شده، رو به پیشرفت نهاد و در زمان شیخ طوسی به نجف و پس از او به حله و کربلا منتقل شد و پس از این دوران، در دو قرن اخیر اساساً در نجف استقرار یافت.

مدرسه قم نیز در دوران‌های مختلف در حال تغییر و تحول بوده، گاه گسترش یافته و گاه محدود شده تا در عصر جدید پس از حوزه علمیه

نجف، دومین مدرسه مهم کل جهان تشیع به شمار آمد.⁽¹⁾

تربیت مجتهدان: ائمه اطهار^ع این مدارس را از طریق تشویق اصحاب خود به تصدی منصب افتا و تدریس و برقراری حلقه‌های درسی مربوط به این امر تأسیس می‌کردند و برای تحقق مجموعه‌ای از اهداف علمی، تربیتی و روحی، نظامی محکم و استوار برای این مدارس وضع نمودند. به علاوه که در عرصه‌های مختلف اجتماعی، سیاسی و سازمانی نیز چنان که بعد نیز به آن اشاره خواهیم کرد از یاری و کمک به این مدارس فروگذار نمی‌کردند.

مهم‌ترین هدف از تأسیس این مدارس ادامه‌ی پویایی حرکت اجتهاد و تربیت مجتهدان بود؛ آنجا که می‌بینیم مهم‌ترین هدف از کل نظام و سیستم درسی که اهل بیت^ع از تأسیس این مدارس در نظر داشتند - که مدت مدیدی نیز به همان حال باقی بود تا اینکه در عصر حاضر نیاز به ایجاد تغییراتی در آن پیدا شد - علاوه بر تربیت مبلغ از میان دانشمندان اسلامی در شهرهایی که پیروان اهل بیت^ع در آنها سکونت داشتند، تربیت مجتهدان و پژوهشگران رشته‌هایی چون فقه، اصول، مقدمات آنها و دیگر علوم اسلامی بوده است.

به همین دلیل است که می‌بینیم حوزه‌های علمی مکتب اهل بیت^ع همواره در هر عصر، بلکه در هر نسل و طبقه‌ای آکنده از جمع زیادی

1. سخن در باره تاریخچه این حوزه ها بسیار است و توفیق آن را یافته ایم که در کتاب «المرجعية الصالحة» که در بر دارنده جنبه تطبیقی و تاریخ جماعت صالحان از طریق این مؤسسه بعد از غیبت را شامل می شود، به این بحث بپردازیم.

نقش اهل بیت [^] در بنیان گذاری جماعت صالحان 2

از مجتهدان بوده است؛ امری که افزون بر عمق مواد درسی فقهی، اصولی و سایر علوم اسلامی وجه امتیاز این مدارس در میان سایر مدارس بوده است.

اگر چه ممکن بود این نوع نگرش و اهتمام شدید به پرورش مجتهدان در رشته فقه و اصول، تأثیر منفی بر تولیدات علمی این مدارس گذاشته، توان تحقق سایر اهداف را از آن سلب نماید و به سبب نیاز شدیدی که به اجتهاد در فقه و اصول احساس می‌شد، در روند تولید سایر علوم اسلامی همچون تفسیر، اعتقادات، فلسفه، اخلاق، حدیث، تاریخ و ادبیات که در زنجیره اجتهاد در فقه و اصول کاربرد چندانی نداشتند، خلأهایی گاه گسترده و گاه محدود نیز ایجاد می‌گردید.⁽¹⁾

اما با همه این احوال این جهت گیری و اهتمام بسیار به فقه و اصول گام بزرگی بود در راه گشوده نگه داشتن باب اجتهاد و استمرار تربیت مجتهدان در علوم مختلف اسلامی، حتی در شدیدترین شرایطی که بر جهان اسلام می‌گذشت.

همچنین توانست در برابر توطئه‌هایی مقاومت کند که تحریف و مسخ شریعت را دنبال می‌کردند؛ توطئه‌هایی که سایر مدارس اسلامی همچون

1. البته تلاش‌هایی برای تصحیح نظام درسی حوزه‌ها و پر کردن خلأهای علمی در آنها به انجام رسیده است خصوصاً در زمان حضرت آیت الله العظمی حکیم + در حوزه نجف و حضرت آیت الله العظمی بروجردی + در حوزه قم، و این تحولات و پیشرفت‌ها ادامه یافت تا اینکه به پیروزی انقلاب اسلامی ایران منتهی گشته و پس از آن، حرکت اصلاحی بزرگی آغاز گردید که امروزه شاهد ثمرات آن هستیم.

«زهر»، «زیتونه» و مدارس شبه قاره هند، - گذشته از توطئه‌هایی که برای مدارس مکه، مدینه، بغداد و... روی داد - با آنها رو به رو شدند.

تربیت مبلغان: از دیگر اهداف تأسیس این مدارس، تربیت خطبا و مبلغان و دانشمندان مورد اعتماد در دیگر کشورها و مدرسان حوزه‌های علمیه فرعی نیز بود.

مشکل بزرگی که مدارس در این زمینه با آن رو به رو بودند عدم وجود یا عدم روز آمدی روش تعلیماتی بود؛ روش‌هایی که از لحاظ شکلی و محتوایی مناسب باشد و بتواند به صورت مستقیم و همگام با زمان، پاسخگوی نیازهای نو باشد، و اهداف را به منصفه ظهور برساند، خصوصاً در مناطقی که به تازگی پیروان اهل بیت ^ع در آنها یافت می‌شد که در بیان هدف اول نیز به این مطلب اشاره‌ای کردیم.

این بدان دلیل بود که سطح شناخت و معرفت در میان امت، همچنین نوع شناخت و مشکلات مدنی و فرهنگی، نسبت به گذشته تفاوت کرده و تحول یافته، خود معرفت و شناخت نیز به شاخه‌های متعدد تقسیم شده، وسایل علمی و فنی جدید به وجود آمده و پیشرفت‌های دیگری نیز حاصل گردیده بود که هر کدام نیازمند به تغییر جدیدی در شکل و محتوای روش آموزشی بود تا از این طریق، فرصت کافی برای دانشجو فراهم شده، دانش و معرفت به صورت خلاصه شده و به میزان مورد نیاز وی در عرصه کار میدانی و فعلی او در اختیار وی گذاشته شود.

این گونه است که اندیشه تخصصی شدن رشته‌های علوم در

نقش اهل بیت [^] در بنیان گذاری جماعت صالحان 2

عرصه‌های مختلف، به ایده‌ای کاربردی تبدیل می‌شود که پاسخگوی نیازهای بالفعل خواهد بود.

چیرگی بر مشکلات جدید: با توجه به همه موارد ذکر شده، این مدارس توانستند از راه بالا بردن قابلیت علمی ذاتی خود حتی مشکلات جزئی را نیز حل کنند؛ به این صورت که این مدارس از طریق گشودن افق‌های معرفت و عرضه کردن تجربیات آموخته شده، فرا روی توانایی‌ها و امکانات دانشجو امکان فراهم آوردن امکانات علمی و توانایی‌های فنی را با سعی و کوشش خود وی به او اعطا می‌نمود.

نظام مستحکم این مدارس که به برخورداری از ویژگی‌های چندی معروف شده بود، کمک شایانی به این امر نمود. این ویژگی‌ها عبارت‌اند از:

1. آزادی اندیشه و بحث؛
2. آزادی انتخاب درس و استاد؛
3. آزادی استفاده از وقت و برنامه ریزی مناسب برای استفاده بهینه از آن؛
4. نظام مالی که حتی نیازمندی‌های دراز مدت اجتماعی و فرهنگی جماعت صالح را برآورده می‌ساخت؛
5. نظام ارتباطات طبیعی، اجتماعی که دانشجو را از یک سو برای رفع نیازهای رو به تزاید جامعه، به یافتن پاسخ برای نیازمندی‌های فرهنگی جامعه و از دیگر سو وفا به تعهدات و روابط اجتماعی در

برابر شهروندان اصلی جامعه وا می‌داشت.

همچنین شیوه آموزشی مرسوم در این حوزه‌های علمیه که مبتنی بر بالا بردن روح احساس مسئولیت شرعی و تحصیل درجه بالای تقوا و زهد و تربیت روحی و نفسی طلاب و دانشجویان بوده و به صورت خودکار آنان را به پر کردن این خلأها و ایستادگی در برابر فریبندگی‌ها وا می‌داشت، نیز نقش بسزایی در رفع این اشکال ایفا می‌نمود.

حفظ میراث اسلامی: از جمله اهداف این حوزه‌های علمیه حفظ و حراست از میراث اسلامی، به خصوص میراث اهل بیت ^ع و فرهنگ آن بزرگواران و ایجاد ارتباط میان اندیشه و عقیده اسلامی، تاریخ و سایر مباحث مربوط به علوم اسلامی با علوم جدید، اصیل و شفاف است که از یک سو ریشه در منابع اصیل اسلامی داشته و از دیگر سوی با جریان‌های فکری دیگر مواجه بوده است. به همین دلیل می‌بینیم مباحث عمیق و طرح‌های فرهنگی گسترده‌ای که هدف حفظ این میراث را دنبال می‌کردند همواره در این حوزه‌ها استمرار داشته است؛ رشته‌هایی مانند: علم رجال و تألیف دایرة المعارف‌های اسلامی در زمینه حدیث یا در زمینه تحقیقات فقهی.

این دلایل به همراه دیگر اسباب، موجب گردید این مدارس در طول تاریخ اسلام و در زمینه‌های مختلف علمی، قادر به تربیت دانشمندان بزرگ و نوآور گردد؛ بزرگانی همچون: ابن سینا، شیخ مفید، سید مرتضی، برادرش سید رضی، شیخ طوسی، خواجه نصیر الدین طوسی، علامه حلی، شیخ طبرسی، شهید اول، شهید ثانی، سید بن طاووس، شیخ بهایی، میر داماد، ملا صدرا، علامه مجلسی اول و دوم، فیض

نقش اهل بیت [^] در بنیان گذاری جماعت صالحان 2

کاشانی، محقق کَرکی، وحید بهبهانی، علامه بحر العلوم، کاشف الغطاء، صاحب جواهر، شیخ انصاری و علامه مجدد شیرازی.

و در قرن اخیر: سید جمال الدین افغانی (اسد آبادی)، آخوند خراسانی، شیخ مامقانی، آیت الله نایینی، آیت الله عراقی، آیت الله العظمی بروجردی، علامه کاشف الغطاء، علامه شرف الدین، علامه سید محسن امین، آیت الله علامه بلاغی، امام حکیم، علامه طباطبایی، حضرت امام خمینی، شهید مطهری، شهید محمد باقر صدر، آیت الله العظمی خویی و بسیاری از علمای دیگر که نه تنها در جهان تشیع، که در کل جهان اسلام دارای نقش بسیار مهمی بودند؛ آنجا که حوزه‌های علمیه را با نظریات نو غنا بخشیده، دست به تألیف دایرة المعارف‌های علمی، تحقیقات فقهی، قرآنی، تحقیقات کلی اسلامی، تاریخی و عقیدتی زدند، مضافاً به اینکه در راه خدمت به اسلام و نهضت مبارک اسلامی و مبارزه با استکبار و کفر جهانی و سرکشی‌های محلی، به اتخاذ مواضع مهم و بزرگی پرداختند.

[2] مسجد و حسینیه

مسجد از صدر اسلام، علاوه بر ابعاد دینی و اداری اش مؤسسه‌ای فرهنگی بود. خطبه‌ها، درس‌ها و سخنرانی‌ها در مسجد برای مردم ایراد می‌گردید و مردم همواره برای سیراب شدن از سرچشمه‌های زلال فرهنگ اسلام به مساجد رفت و آمد می‌کردند.

پیروان اهل بیت [^] نیز با این طرح اسلام برای مساجد و موج عمومی امت اسلامی همراه بودند؛ طرحی که در آن، مسجد واسطه پیوند فرهنگ عمومی

با تقیدات دینی بوده و دانش و فرهنگ در این پایگاه، از روی عقیده و ایمان به خدای متعال تدریس شده و با دادن رنگ تقدس به آن، به عنوان واجبی از واجبات شرعی تلقی می‌شده که در حدیث شریف نیز آمده است:

طلب العلم فریضة علی کلّ مسلم.⁽¹⁾

دانش پژوهی بر هر مسلمان واجب است.

پیروان اهل بیت [^] در رابطه با مساجد به پیامبر اکرم ' و اصحاب بزرگوار آن حضرت و در پیشاپیش همه آنها سرور اوصیا حضرت علی ^x تأسی می‌نمایند؛ همو که در طول زمان خلافت خود مسجد را به یک مؤسسه تمام عیار اسلامی در حکومت، قضاوت، جهاد و اجتماع بدل کرد و فرهنگ از ویژگی‌های اساسی آن بود.

جماعت صالح و مسجد: اما متأسفانه علی رغم آنچه گذشت، پیروان اهل بیت [^] در جای جای جهان اسلام با یک مشکل اساسی رو به رو بودند. این مشکل دشمنی شدید و پیگرد و تعقیب آنان و افکار و فرهنگ و عقایدشان از جانب ستمگران و جباران بود، چه اینکه پیشوایان و ائمه اهل بیت [^] نیز در معرض همین فشارها قرار داشتند. ما در مبحث نظام امنیتی جماعت صالحان به خواست خدا به این مطلب اشاره خواهیم کرد.

از این رو پیروان اهل بیت [^] همیشه فرصت استفاده از جنبه فرهنگی

1. کلینی، الکافی 1 / 30 - 31 * کز الفوائد 2 / 107 * ابن ابی جمهور، عوالی اللئالی 4 / 70 ح 36، و به نقل از آن مجلسی، بحار الانوار 1 / 177 ح 54.

نقش اهل بیت [^] در بنیان گذاری جماعت صالحان 2

مسجد را نمی یافتند؛ مؤسسه‌ای که همواره در اختیار حاکمان وقت و نظام حکومتی بود. بدین ترتیب آنان مجبور بودند به دور از چشم جاسوسان حکومت ستمگر و یاران آنها از مکان‌های دیگر برای تعلیم و تعلم و بحث و بررسی در باره شئون مختلف حیاتی و فرهنگی خود استفاده کنند.

ائمّه [^] به شدت در پی این بودند که این ارتباط را همواره باقی و محفوظ دارند. در مبحث نظام ارتباطی و نظام امنیتی جماعت صالح به این امر نیز خواهیم پرداخت.

به همین دلیل است که پیروان اهل بیت [^] هرگاه زمینه کار فرهنگی در مسجد را مناسب و مهیا می دیدند، از این فرصت استفاده می کردند. پیشتر دانستیم که مسجد کوفه، مدت زمانی طولانی مرکز علمی مهمی برای مکتب اهل بیت [^] به شمار می آمد.

همچنین در مناطق پر شمار شیعی که از آزادی نسبی نیز برخوردار بودند، پیروان اهل بیت [^] مکان دیگری را برای کار فرهنگی بر مساجد ترجیح نمی دادند؛ مناطقی چون ایران، عراق، یمن، لبنان و... . آنان همچنین به ساخت، تعمیر و ارج نهادن به مساجد نیز اهتمام می ورزیدند. شهرهای بزرگ جهان اسلام که پیروان اهل بیت [^] در آنها سکونت داشتند شاهد صادقی بر این مدعا هستند.

جماعت صالح و حسینیّه: اما در مناطقی که آزادی عمل و امنیت لازم برای پیروان اهل بیت [^] فراهم نبود، آنان برای حفظ فرهنگ، اعتقادات و تاریخ خود به مکان‌های دیگری روی آوردند و از اینجا ایده تأسیس

مؤسسه‌ای پدیدار شد که امروزه آن را حسینیه می‌نامیم.⁽¹⁾

زیرا این ایده - چنان که از روایات استفاده می‌شود - از آنجا ناشی شده بود که آنان به دنبال مکانی بودند تا بتوانند در آن، با آزادی و امنیت به طرح مباحث مخصوص به خود بپردازند و بیشترین مباحثی که در این مراکز مطرح می‌گردید، حدیث مظلومیت امام حسین \times بود. این ایده کم کم تحول یافته به جایی رسید که پیروان اهل بیت \wedge به تأسیس و بنای حسینیه‌ها دست زده و آنها را مرکز امور فرهنگی و اجتماعی خود قرار دادند.

البته پیروان اهل بیت \wedge به جهت اشتیاق بسیاری که به بُعد دینی و شعائری مساجد داشتند، قسمتی از ساختمان مورد نظر را به عنوان مسجد در نظر گرفته و بخشی از ساختمان را از یک سو برای نکوداشت یاد حضرت اباعبدالله الحسین \times و از دیگر سو برای تضمین آزادی کار و فعالیت، همچنین تنزیه مسجد از برخی امور مکروه و غیر مجاز شرعی که ممکن است در چنین مکان‌هایی روی دهد، حسینیه می‌نامیدند. به ویژه که فقهای مکتب اهل بیت \wedge مبرا داشتن مساجد از کثافات و نجاسات را واجب دانسته، ورود افراد حائض و جنب را در آنها حرام و خوردن، آشامیدن و حضور اطفال را در مساجد مکروه می‌دانند و طبیعی است که این احکام بر حسینیه‌ها جاری نیست. همچنین است دیگر احکام مساجد که در باره حسینیه‌ها جاری نمی‌باشد.

1. این مکان از این رو به حضرت امام حسین \times منسوب شده است که مکانی برای برای ذکر مصیبت و بحث در باره نهضت آن حضرت و ابعاد مختلف روحی، اخلاقی، سیاسی اجتماعی و عقیدتی آن است.

نقش اهل بیت [^] در بنیان گذاری جماعت صالحان 2

همین گونه است انجام برخی از کارهای فرهنگی همچون برگزاری مراسم عزاداری یا مراسم جشن و سرور یا تأسیس صندوق‌های قرض الحسنه و کتابخانه‌های عمومی که ممکن است برای نماز گزاران در مسجد ایجاد مزاحمت کند.

بدین ترتیب، حسینیه به مؤسسه فرهنگی دیگری تبدیل شد که پیروان اهل بیت [^] برای نشر فرهنگ اسلام بر آن تکیه می‌کردند و نقطه آغازی برای طرح مؤسسه فرهنگی گسترده دیگری شد که مخصوص پیروان اهل بیت [^] بود و «شعائر حسینی» نام داشت. در عین حال باید گفت: حسینیه در حقیقت امتداد همان مؤسسه اسلامی مسجد است.

[3] شعائر حسینی

یکی از نهادهای مهمی که اهل بیت [^] برای کار فرهنگی تأسیس کردند و مختص شیعیان و محبان آنان بود، نهاد شعائر حسینی بود؛ اموری چون مجالس حسینی، زیارات و... که به آنها خواهیم پرداخت.

شعائر حسینی در حقیقت یکی از خط مشی‌های مهم اهل بیت [^] در ساختار کلی جامعه شیعه بود، کما اینکه زیر ساخت مهمی برای تمرکز فعالیت‌های آنان نیز به شمار می‌آمد؛ چرا که این شعائر، داغ غم مصیبت امام حسین \times را در دل شیعیان تسلی داده و ضمن نکوداشت قیام آن حضرت بر اهداف این نهضت تأکید می‌کرد؛ اهدافی که دارای جنبه‌های متعدد فرهنگی، سیاسی، عقیدتی و روحی بود.

ائمه [^] طرح کلی این شعائر را مشخص نموده، به آن ابعاد دینی کاملی

بخشیده، شکل و مضمونی مناسب با نقش این شعائر برای آن تعیین کردند: به گونه‌ای که از لحاظ شکل و قالب با شرایط سخت و بحرانی پیروان اهل بیت^ع، و از لحاظ مضمون و محتوا با ابعاد سیاسی، روحی، فرهنگی و عقیدتی آنان همخوانی داشته باشد.

بدون شک نهضت حضرت امام حسین^ع دارای تأثیر بسیار بزرگی در حرکت تاریخ اسلام و زندگی عمومی مسلمانان داشته است، بدان سان که واکنش‌های بیرونی این تأثیر، به حفظ اسلام از خطرات بسیاری انجامیده است. اما شعائر حسینی نقش دیگری را نیز در این زمینه ایفا می‌نماید که تکمیل‌کننده نقش اصل نهضت است، و تأثیر این نقش مختص افراد جماعت صالح است، گرچه ممکن است در افرادی از دیگر اقشار مسلمانان نیز تأثیر گذار بوده باشد.

و نیز از آنجا که شعائر حسینی دارای اهدافی چند جانبه بوده و جنبه فرهنگی یکی از جنبه‌های مهم و اساسی آن در کنار دیگر جنبه‌ها می‌باشد، بر آن شدیم تا این جنبه را به صورت مستقل مورد بحث قرار داده و سایر جنبه‌ها را در ضمن آن بیان کرده و خواهیم کوشید در هنگام بحث از دیگر جنبه‌ها نیز ارجاعاتی به این جنبه داشته باشیم.

* * *

شعائر حسینی را در واقع از لحاظ شکلی و محتوایی می‌توان به دو بخش اصلی تقسیم نمود:

1. شعائر سنتی.

2. شعائر ابتکاری.

شعائر سنتی¹

اولین بخش، مراسمی است که جنبه سنتی و منصوص دارد؛ به این معنا که در باره هر کدام از این مراسم و شعائر روایات خاص و صریح از اهل بیت [^] وارد شده است و این شعائر که همواره به صورت ثابت و گسترده برپا می شود، به شرح ذیل می باشند:

گریه و اندوه

احادیث بسیاری از اهل بیت [^] در رابطه با حرکت نمادین گریه، و اساساً همه مظاهر بروز دهنده اندوه، ناراحتی، تأسف و دادخواهی - البته در حد معقول - وارد شده است؛ روایاتی که حاکی از اهمیت این اعمال و اثراتی است که بر آنها مترتب می گردد. این بدان جهت است که کارهایی از این دست، نوعی تعامل عاطفی و همدردی آمیخته با شناخت را نسبت به فاجعه کربلا در خود دارد. چنین است که می بینیم روایات بسیاری در رابطه با عزاداری و گریه ائمه [^] بر مصائب امام حسین [×] وارد شده است. در میان ائمه [^] نیز حضرت امام زین العابدین [×] بوده است که این حرکت نمادین را بنیاد نهاده و آن را در سطح گسترده ای رواج داده است.

¹. بحث (شعائر ابتکاری) در صفحه (117) خواهد آمد. [ویراستار]

ابن قولویه در کامل الزیارات نقل می‌کند که:

یکی از غلامان حضرت امام زین العابدین × آن حضرت را در زیر سایبانی مشاهده کرد که به حال سجده افتاده و مشغول گریستن است. به آن حضرت عرض کرد: آیا وقت آن نرسیده است که اندوه شما پایان پذیرد؟ آن حضرت سر از سجده برداشته و به او فرمودند:

وای بر تو - یا مادرت به عزایت بنشیند - به خدا قسم، یعقوب کمتر از من مصیبت دید و به پروردگار خود این گونه شکایت برد که گفت: ای دریغ بر یوسف، در حالی که تنها یک پسر از دست داده بود، اما من دیدم که پدرم و همه خاندانم را در برابرم سر بریدند.⁽¹⁾

و نیز از حضرت امام صادق × روایت است که فرمود:

علی بن الحسین بر پدرش حسین بن علی که درود خداوند بر همه آنان باد - مدت یک سال - یا چهل سال - گریست و در نزد وی غذایی نمی گذاشتند مگر اینکه بر حسین × می‌گریست تا اینکه غلام آن حضرت به ایشان عرض کرد: ای فرزند رسول خدا، خداوند مرا فدایت کند، بیم آن دارم که خود را هلاک کنید.

حضرتش در جواب فرمودند: من شکایت غم و اندوه خود را به نزد خدا می‌برم، هیچگاه قتلگاه فرزندان فاطمه را به یاد نمی‌آورم مگر اینکه بدین سبب گریه امانم نمی‌دهد.⁽²⁾

1. مجلسی، بحار الانوار 46 / 110 ح 4، از کامل الزیارات.

2. حرّ عاملی، وسائل الشیعة 2 / 922 ح 7.

نقش اهل بیت [^] در بنیان گذاری جماعت صالحان 2

نمی توان گفت این رفتار گسترده و دراز مدت از حضرت امام زین العابدین × تنها یک عکس العمل عاطفی صرف در برابر مصیبت‌هایی بوده که در روز عاشورا دیده است. به عبارت دیگر آن حضرت در طول این مدت قادر به کنترل احساسات و عواطف خود نبوده است، بلکه این موضوع علاوه بر تأثیر عاطفی، حاکی از برنامه ریزی دراز مدت آن حضرت است که ریشه در فاجعه بزرگی دارد که آن حضرت در زندگی شخصی خود آن را تجربه کرده است. این برنامه ریزی بدان سان بر درک عمق این فاجعه تأکید می‌کند که امت اسلام همواره با آن زندگی کرده و گروه صالحان بر اساس آن به فعالیت بپردازند.

پس از امام زین العابدین × نیز سایر ائمه هدی [^] بعد تازه‌ای به این سبیل مبارزه دادند. آنان این حرکت را سومین مصداق از مصادیق تعظیم شعائر الهی دانسته‌اند؛ شیوه‌ای مؤثر در ابراز بی‌زاری از ستم و هم ذات‌انگاری با مظلومان کربلا و راهی برای تزکیه و تهذیب نفس؛ به گونه‌ای که این عمل، خود به عبادتی بدل گردد که انسان‌ها به صورت فردی یا جمعی به آن بپردازند.

تأکید بر اهمیت گریه و حتی حالت گریه به خود گرفتن در مصیبت امام حسین × و اجر و پاداشی که بر آن مترتب می‌شود، به اندازه‌ای از جانب اهل بیت [^] وارد شده است که این نوع از گریه را به عنوان مصداقی از مصادیق گریه محبوب در نزد خداوند متعال قرار داده است، مانند گریه کردن از ترس خداوند سبحان و

از حضرت امام جعفر صادق × روایت شده است که به فضیل فرمودند:

آیا دور هم می‌نشینید و به بیان احادیث می‌پردازید؟

فضیل پاسخ داد: آری، فدایت شوم.

فرمود:

من چنین مجالسی را دوست می‌دارم. پس‌ای فضیل، امر ما را زنده نگاه دارید که خداوند رحمت کند هر که امر ما را زنده بدارد. ای فضیل، هر که ما را یاد کند یا در نزد وی یادی از ما کرده شود و به اندازه بال مگسی اشک از چشم وی خارج گردد، خداوند متعال گناهان او را بیمارزد، اگر چه به اندازه کف‌های روی دریا باشد.⁽¹⁾

و از ابوهارون مکفوف روایت شده که گفت:

خدمت حضرت امام صادق × رفتم. آن حضرت به من فرمودند: برایم شعری بخوان. من نیز شعری برای آن حضرت خواندم.

فرمودند: نه، آن چنان بخوان که در میان خود و در کنار قبر امام حسین × مرثیه سرایی می‌کنید.

من نیز قصیده‌ای را که با این بیت آغاز می‌شود خواندم:

أَمْرٌ عَلَى جَدِّ الْحُسَيْنِ فَقُلْ لِأَعْظَمِ الزَّكِيَّةِ

ابوهارون گوید: امام صادق × گریستند، چون آن حضرت به گریه افتادند، دست از خواندن برداشتم، فرمودند: ادامه بده.

1. حمیری، قرب الاسناد/ 36 ح 117 و به نقل از آن مجلسی، بحار الانوار 44 / 282 ح

نقش اهل بیت [^] در بنیان گذاری جماعت صالحان 2

من نیز چند بیت دیگر خواندم. فرمودند: بیشتر بخوان، و من اشعاری خواندم که ابتدایش چنین بود:

يا مَرِيْمُ نُوحِيْ عَلٰى مَوْلَاكِ وَ عَلٰى الْحُسَيْنِ فَاسْعَدِيْ يُّبَكَاكِ

ابوهارون گوید: آن حضرت بسیار گریسته و زنان به شیون آمدند. چون زنان آرام شدند، به من فرمود: ای ابوهارون، هر کس در باره حسین شعری بگوید و حتی یک نفر را بگریاند، جزایش بهشت است. سپس فرمود: هر کس به یاد حسین بگرید نیز جزایش بهشت است.⁽¹⁾

فلسفه گریه: اگر نتایج و ثمرات گریستن بر حضرت امام حسین × را مورد بررسی قرار دهیم؛ اهمیت این پدیده بیشتر بر ما آشکار می‌گردد. اول اینکه این گریه دارای بُعد سیاسی است؛ چرا که گریه بهترین راه انسانی و اجتماعی و در عین حال مسالمت آمیز و آرام برای ابراز بیزاری از ظلم و ستم و نشان دهنده عمق فاجعه و مظلومیتی است که حضرت اباعبدالله الحسین × با آن مواجه گشتند.

البته در شرایط فشار، سرکوب و ترور پیروان اهل بیت [^] که هر گونه مخالفتی با سلطه جباران در نطفه خفه می‌شد، اهمیت این روش و شیوه کاملاً آشکار می‌گردد.

می‌دانیم که شیعیان اهل بیت [^] در طول تاریخ همواره شرایط سخت، تلخ و جانفرسایی را می‌گذراندند، بدین ترتیب رویه گریه بر سید

1. مجلسی، بحار الانوار 44 / 287 ح 25 به نقل از کامل الزیارات.

الشهدا × بهترین روش اعلام مواضع سیاسی و پافشاری آنان بر این مواضع بوده است.

با این بیان می‌توانیم به روشنی درک کنیم که سر‌اهتمام حضرت امام سجاد × به این روش، نخست همین ویژگی گریه بوده، سپس واقعیت حضور آن حضرت در کربلا و در نتیجه وضعیت روحی و احساسی که در آن می‌زیسته است.

این مطلب حقیقت دیگری را در برنامه ریزی‌های اهل بیت ^۸ بر ما آشکار کرده و آن را مورد تأکید قرار می‌دهد که انسان مؤمن، در هر شرایطی که قرار بگیرد، باید ایمان سیاسی خود را با نوعی موضع‌گیری عملی همراه کند، هرچند این موضع‌گیری بسیار ضعیف باشد و بی تفاوتی و بی‌مبالاتی در قبال اندیشه و اعتقاد سیاسی در هیچ حال و هیچ شرایطی جایز نمی‌باشد.

روایات ناظر به مراتب امر به معروف و نهی از منکر که در صورت عدم امکان و یا سختی انجام حدّ اعلای امر به معروف و نهی از منکر (در مقام عمل) حد اقل انکار قلبی منکر را واجب دانسته و آن را ضعیف‌ترین مرتبه ایمان خوانده نیز می‌تواند تأکیدی بر این حقیقت باشد.

دوم اینکه نفس گریستن بر فاجعه کربلا در جان‌گریه‌کننده، حالت تعامل ذاتی و اخلاقی با این فاجعه را ولو در پایین‌ترین حد ایجاد کرده، عواطف انسان مسلمان را با این قضیه و اهداف و شخصیت‌های آن پیوند داده، او را به صورت طبیعی از دشمنان امام حسین × و

نقش اهل بیت [^] در بنیان گذاری جماعت صالحان 2

اخلاق و مقاصد ایشان متنفر و بیزار می‌نماید.

و این بُعد اخلاقی مسئله گریه یکی از اسباب طبیعی است که اهل بیت [^] از طریق آن توانستند علی رغم همه فشارهایی که با آن دست به گریبان بودند، چه در سطح فردی و اجتماعی و چه در سطح خارجی و داخلی همچون: فشار حکومت‌های طاغوتی از یک سو و فشار شهوات و امیال درونی بر پیروان از سوی دیگر، روح حق طلبی، با حق بودن و مبارزه با بیدادگری را در جماعت صالح نگه دارند.

سوم اینکه گریه یکی از شیوه‌های تزکیه نفس و پاک کردن آن از آلودگی‌ها بوده، میزان آشنایی انسان را با آلام و دردهای بشریت و انحرافات اجتماعی و بیداری او را در رابطه با شناخت مصادیق ستم و عدالت افزایش می‌دهد: زیرا گریه باعث رقت قلب، هوشیاری ضمیر و بیداری وجدان می‌گردد.

مسئله قساوت یا رقت قلب نیز از مهم‌ترین مسائلی است که در مسیر ذاتی انسان تأثیر دارد؛ لذاست که قرآن کریم در موارد بسیاری به این مسئله پرداخته، قساوت دل را به شدت مورد نکوهش قرار داده و از خشوع و رقت قلب تعریف و تمجید نموده است.

از آیاتی که در مذمت قساوت قلب و ستایش از رقت قلب یا نرم‌دلی آمده، این است:

{ثُمَّ قَسَتْ قُلُوبُكُمْ مِّنْ بَعْدِ ذَلِكَ فَهِيَ كَالْحِجَارَةِ أَوْ أَشَدُّ قَسْوَةً} (1)

سپس دل های شما بعد از این [واقعه] سخت گردید، همانند سنگ یا سخت تر از آن.

و فرموده است:

{أَلَمْ يَأْنِ لِلَّذِينَ ءَامَنُوا أَنْ تَخْشَعَ قُلُوبُهُمْ لِذِكْرِ اللَّهِ وَمَا نَزَلَ مِنَ الْحَقِّ وَلَا يَكُونُوا كَالَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ مِن قَبْلُ فَطَالَ عَلَيْهِمُ الْأَمَدُ فَقَسَتْ قُلُوبُهُمْ وَكَثِيرٌ مِّنْهُمْ فَاسِقُونَ} (2)

آیا برای کسانی که ایمان آورده‌اند هنگام آن نرسیده که دل‌هایشان به یاد خدا و آن حقیقتی که نازل شده نرم [و فروتن] گردد و مانند کسانی نباشند که از پیش بدانها کتاب داده شد و [عمر و] انتظار بر آنان به درازا کشید، دل‌هایشان سخت گردید و بسیاری از آنها فاسق بودند؟

و فرموده:

{أَفَلَا يَتَذَكَّرُونَ الْقُرْءَانَ أَمْ عَلَى قُلُوبٍ أَقْفَالُهَا} (3)

آیا به آیات قرآن نمی‌اندیشند؟ یا [مگر] بر دل‌هایشان قفل‌هایی نهاده شده است؟

و به نقل از قوم یهود فرموده است:

1. بقره / 74.

2. حدید / 16.

3. محمد / 24.

نقش اهل بیت [^] در بنیان گذاری جماعت صالحان 2

{وَقَالُوا قُلُوبُنَا غُلْفٌ بَلْ لَعَنَهُمُ اللَّهُ بِكُفْرِهِمْ فَقَلِيلًا مَّا يُؤْمِنُونَ} (1)

و گفتند: «دل‌های ما در غلاف است.» [نه، چنین نیست] بلکه خدا به سزای کفرشان، لعنتشان کرده است. پس آنان که ایمان می‌آورند چه اندک شماره‌اند.

و فرموده:

{فَوَيْلٌ لِلْقَاسِيَةِ قُلُوبُهُم مِّنْ ذِكْرِ اللَّهِ} (2)

پس وای بر آنان که از سخت دلی یاد خدا نمی‌کنند.

و فرموده است:

{ثُمَّ تَلِيْنُ جُلُودُهُمْ وَقُلُوبُهُمْ إِلَىٰ ذِكْرِ اللَّهِ ذَلِكِ هُدًى اللَّهُ يَهْدِي بِهِ مَن يَشَاءُ
وَمَن يُضِلِلِ اللَّهُ فَمَا لَهُ مِنْ هَادٍ} (3)

پس پوستشان و دلشان به یاد خدا نرم می‌گردد. این است هدایت خدا، هر که را بخواهد به آن راه نماید، و هر که را خدا گمراه کند او را راهبری نیست.

مسائلی از قبیل زنگار گرفتگی قلب یا مهر نهادن بر دل مردمان که در قرآن کریم از آن سخن به میان آمده نیز از قساوت و سختی دل سرچشمه می‌گیرد که نقطهٔ مقابل آن پاکی، خشوع، بیمناکی، آرامش و

1. بقره / 88.

2. زمر / 22.

3. زمر / 23.

اطمینان دل است.

بدون تردید گریه بهترین وسیله شستن پلیدی‌های قلب و فراهم آوردن زمینه مناسب برای تأثیر پذیری و تعامل آن است. از همین رو است که شارع مقدس اسلام گریستن از ترس خدا را به شدت مورد ترغیب و تشویق قرار داده، و - چنان که در احادیث شریف آمده - چشم گریان از ترس خدا را در ردیف چشمانی قرار داده است که از محارم الهی پوشیده شده، یا شب‌ها در راه فرمان برداری از خداوند متعال خواب را بر خود حرام کرده است.

این گونه است که گریه، علاوه بر جنبه‌های سیاسی و اخلاقی، دارای جنبه روحی و وجدانی نیز می‌شود.

به علاوه که می‌توان در مسئله گریه، بُعدی فرهنگی نیز تصور کرد که با مسئله عدل و ظلم ارتباط پیدا می‌کند؛ آنجا که انگیزه‌های گریه که چنین احساس عاطفی را در انسان بر می‌انگیزد، بدون شک در فرهنگ انسان، دیدگاه او نسبت به زندگی و نوع برخورد وی با مسائلش تأثیرگذار است.

و چون برانگیختگی انسان به سمت مسئله مظلومیت و مورد تجاوز قرار گرفتن متمرکز شد و انسان وادار به نشان دادن عکس العمل در برابر چنین انگیزشی گردید، بی تردید تصویری از اسباب ظلم و معیارهای عدالت در ذهن او نقش خواهد بست و او را به پای بندی بدان وا می‌دارد، به گونه‌ای که غالباً در چنین انگیزش‌هایی قابل شرح و تفسیر می‌باشد.

زیارت و اهمیت آن

زیارت حضرت امام حسین \times در آغاز به صورت حضور در کنار قبر مطهر آن حضرت بوده است، اما بعدها دارای ابعاد گسترده تری در بزرگداشت اهل بیت [^] گردید: آنجا که این امر در اوقات مختلف و حتی از راه دور، امری مطلوب قلمداد شده است. از آن پس نیز این سنت حسنه، سنگ بنای سنت زیارت قبور و مشاهد مشرفه سایر ائمه [^] و همچنین اولاد و پیروان صالح و شایسته آنان گشته است.

شاید بنابر آنچه بعضی روایات بر آن دلالت دارد، اولین زائر قبر مطهر حضرت سید الشهداء \times حضرت امام زین العابدین \times بوده که در اربعین شهادت آن حضرت در راه بازگشت از سفر شام به مدینه منوره آن زیارت صورت گرفته است.⁽¹⁾

از آن پس ائمه اهل بیت [^] شیعیان را به زیارت قبر آن حضرت تشویق کرده، بعضی از روایات که در ذیل خواهد آمد دلالت بر این دارد که این عمل بر همه شیعیان اهل بیت [^] که به امامت آن حضرت ایمان دارند، واجب و لازم است، چه اینکه دسته ای از روایات صحیح ائمه اهل بیت [^] اجر و ثواب عظیم زیارت حضرت سید الشهداء \times را بر تر از حج و عمره مستحبی شمرده است.

شیخ طوسی در مصباح، زیارت دیگری غیر از زیارت عاشورای

1. البته طبق بعضی از روایات، اولین زائر حضرت سید الشهداء \times صحابی جلیل القدر، جابر بن عبدالله انصاری بوده است. رک: عبدالرزاق مُقَرَّم، مقتل الحسین \times / 360 به بعد.

معروف آورده و همین زیارت را صاحب مزار نیز با سند معتبر از عبدالله بن سنان نیز نقل کرده است که گفت:

روز عاشورا خدمت مولای خود حضرت جعفر بن محمد × رسیدم. دیدم آن حضرت را که رنگ پریده و بسیار اندوهناک، اشک همچون دانه‌های لؤلؤ از چشمان مبارک آن حضرت جاری بود.

عرضه داشتم: ای فرزند رسول خدا، خداوند چشمانتان را گریان نکند، چه چیزی شما را به گریه انداخته است؟

آن حضرت فرمودند:

آیا تو را غفلت فراگرفته؟ مگر نمی‌دانی که در چنین روزی حسین بن علی ' به شهادت رسیده است؟!'

عرض کردم: نظرتان در باره روزه این روز چیست؟

به من فرمودند:

اگر می‌خواهی در این روز از خوردن و آشامیدن خودداری کنی از شب قبل نیت روزه نکن و به حال شادمانی نیز افطار نکن [بلکه تنها به نیت مخالفت با بنی امیه که این روز را به عنوان تبرک روزه می‌گیرند روزه ات را باز کن] همه این روز را نیز از خوردن امساک نکن بلکه پس از نماز عصر چیزی بخور که در چنین موقعی جنگ فرونشست و حماسه آل پیامبر ' به پایان رسید در حالی که از اهل بیت و موالی آنان سی کشته بر زمین افتاده بود. مرگ آنان بر پیامبر ' بسیار گران

نقش اهل بیت [^] در بنیان گذاری جماعت صالحان 2

آمده و اگر آن حضرت ' در آن روز در دار دنیا بود، صاحب عزای آنان بود.

ای عبد الله بن سنان، با فضیلت‌ترین عمل این روز این است که لباسی پاکیزه به تن کرده، همچون مصیبت دیدگان گریبان را گشوده، آستین‌ها را تا بالای ساعد بالا بزنی، سپس در نزدیکی ظهر به مکان دور و خلوتی بروی که کسی تو را در آن نبیند یا به خانه یا اتاقی خالی در منزل خود بروی و چهار رکعت نماز بخوانی که رکوع و سجود آن نماز را بسیار نیکو به جا آوری و در میان هر دو رکعت سلام بدهی و در رکعت اول حمد و (قل یا ایها الکافرون) و در رکعت دوم حمد و (قل هو الله احد) بخوانی. و در رکعت اول از دو رکعت دوم حمد و سوره احزاب و در رکعت دوم آن نیز حمد و سوره (إذا جاتک المناقون) یا هر مقدار از قرآن که توانستی بخوانی، پس از آن سلام دهی و روی خود را به سمت قبر حسین × بگردانی و قتلگاه او و اهل بیت و یارانش را در نظر بیاوری و بر او درود فرستی و قاتلانش را لعن نمایی و از اعمال آنان بیزاری بجویی که با این عمل خداوند عزّ و جلّ درجات را در بهشت بالا برده و گناهانت را خواهد ریخت.

سپس از جای خود برمی خیزی و در هر کجا که هستی، بیابان یا داخل اتاق، چند گامی راه می‌روی و در هنگام راه رفتن می‌گویی: «همه از خداییم و به سوی او باز می‌گردیدم، راضی به قضای الهی و در برابر فرمان او تسلیم هستم» و سعی کن که در هنگام گفتن این کلمات غم و اندوه تو را فرا بگیرد و در این حال بسیار خدا را ذکر کرده و بگو: انا لله

و إنا إليه راجعون.

هنگامی که از این عمل فارغ شدی در همان مکان که در آن نماز خواندی بایست و بگو: «خداوندا، فاجرانی که پیامبرت را آزدند، با اولیای تو جنگیدند، غیر تو را پرستیدند و حرام هایت را حلال شمردند عذاب کن. خداوندا، فرماندهان و زیردستان آنان و کسانی که به همراه آنان اسب تاختند یا در کنارشان بودند و یا به کار آنان رضایت داشتند، همگی را بسیار لعنت کن. خداوندا، در فرج آل محمد تعجیل کن، درود خود را بر آنان بفرست، آنان را از دست منافقان و گمراهان و کافران منکر حقیقت نجات بده و فتحی آسان برای ایشان فراهم کن و گشایش و راحتی برایشان مهیا گردان و از جانب خود برای ایشان در برابر دشمنان، تسلطی یاری بخش قرار ده».

سپس دست به دعا بردار و گویا که به دشمنان آل محمد اشاره می‌کنی این دعا را بخوان:...الخ.⁽¹⁾

بررسی مفاهیم متفاوت سیاسی، اخلاقی، اجتماعی و روحی این پدیده بزرگ نیازمند بحثی طولانی است؛ به ویژه اگر بخواهیم جنبه تاریخی آن و واکنش حکومت‌های ستمگر در برابر آن را به دقت مورد بررسی قرار دهیم.

اما اکنون به اجمال به بعضی از ابعاد سیاسی آن اشاره می‌کنیم:

ابعاد نماد زیارت

1. مجلسی، بحار الانوار / 101 / 303 - 307 به نقل از شیخ طوسی، مصباح الزائر.

نقش اهل بیت [^] در بنیان گذاری جماعت صالحان 2

اول: این نماد، دارای مجموعه‌ای از ابعاد و جنبه‌های متفاوت است که تقریباً همانند ابعاد شعائر حج در دکترین اسلام است، البته در دایره‌ای خاص و هدفی محدود که همان تربیت جماعت صالحان و خط اصیل پیروان اهل بیت [^] بر مبنای نهضت حضرت امام حسین \times است.

تحقق این مهم نیز در راستای وفاداری به این محور اسلامی یعنی حضرت امام حسین \times و اجابت ندای او به عنوان دعوت کننده‌ای به سوی اسلام خواهد بود.

در زیارت آن حضرت می‌خوانیم:

لبیک داعي الله، إن كان لم يجبك بدني عند استغاثتك و لساني عند استنصارك
فقد اجابك قلبي و سمعي و بصري، سبحان ربنا إن كان وعد ربنا لمفعولا.⁽¹⁾

لیبیک‌ای دعوت کننده به سوی خدا، اگر در آن هنگام که فریاد مظلومیت بر آوردی جسمم به یاریت نشتافت و آن هنگام که یاری خواستی زبانم تو را پاسخ مثبت نداد، اکنون دل و چشم و گوشم تو را اجابت نموده است. منزّه است پروردگار ما که وعده پروردگار ما حتماً انجام شدنی است.

دوم: دومین نکته، ایجاد پیوند میان حرکت و فعالیت توده صالح پیروان اهل بیت [^] و این محور اسلامی (امام حسین [^]) می‌باشد. ائمه اهل بیت [^] به دلیل تفاوت شرایط زمانی و مکانی و به تبع آنها تفاوت مواضع سیاسی مرحله‌ای، همواره نیازمند تأکید بر یک خط ثابت در مسیر و یک موضع روشن در مذهب خود بوده‌اند، و این

1. فرازی از زیارت امام حسین \times در نیمه ماه رجب و شعبان.

همان خطّ طرد و عدم پذیرش سرکشی و ستم است که حضرت امام حسین × آن را آشکار ساخته و در اولین خطبه خود در روز عاشورا در خطاب به مردم کوفه از آن سخن به میان آورده است:

ای مردم رسول خدا ' فرمود: هر کس سلطان ستمگری را ببیند که حرام خدا را حلال می‌انگارد، پیمان خدا را می‌شکند، با سنت پیامبر خدا ' مخالفت می‌کند و در میان بندگان خدا به گناه و ستم رفتار می‌نماید، اما در عین حال، با گفتار و کردار بر او برنیاشوید، خداوند را سزد که او را در جایگاه همان سلطان ستمگر وارد گرداند. بدانید، این گروه (بنی امیه) راه پیروی از شیطان را در پیش گرفته از پیروی خداوند رحمان روی پرتافته‌اند، آنان در زمین آشکارا فساد می‌کنند، حدود خدا را تعطیل کرده، اموال عمومی را ملک شخصی خود می‌دانند، حرام خدا را حلال و حلال خدا را حرام می‌شمارند، و من به این امر (برآشفتن در برابر این حاکمان ستمگر، شاید هم امر خلافت) از هر کس دیگری سزاوارترم.⁽¹⁾

ائمّه^۸ همواره به گونه‌ای روشن و بدون شک و شبهه، به محکم کردن پایه‌های این خط ثابت در مواضع خود اهتمام می‌ورزیده‌اند. آنان این کار را از راه تأکید بر زیارت امام حسین ×، تجدید بیعت با آن حضرت، دادن پاسخ مثبت به ندای او، دوستی با دوستان و پیروان آن حضرت و دشمنی با دشمنان او و پیروان و دنباله روان آنان به انجام می‌رساندند.

سوم: ایجاد فرهنگ پای بندی به مفاهیم عقیدتی، اخلاقی و سیاسی در جامعه امامیه؛ مفاهیمی که در متن زیاراتی آمده که در موارد و

1. طبری، التاريخ 4 / 304 و با اندک اختلافی، ابن اثیر، الکامل في التاريخ 4 / 48.

نقش اهل بیت [^] در بنیان گذاری جماعت صالحان 2

مناسبت‌های خاص برای زیارت امام حسین \times وارد شده است؛ چرا که زیارت عبارت از تقدیس روزها و موسم‌های خاصی است که جلوه گاه التزام در برابر این مفاهیم چند بُعدی است. این امر بود که خط فرهنگی بیدار و ثابتی در سطح این جماعت به وجود آورد.

چهارم: دادن وجهه سیاسی و اجتماعی به جماعت صالحان از یک سو و باز کردن درها به روی سایر مسلمانان برای پیوستن به حرکت این جماعت از ناحیه دیگر. این مهم نیز از راه برقراری ارتباط با حرکت امام حسین \times حاصل می‌شود که در میان اقشار مختلف مسلمانان شناخته شده و مورد پذیرش است.

و شاید همین حقیقت است که دو پدیده بارز دیگر را در تاریخ این زیارت و پیدایش آن تفسیر می‌کند:

یک: فعالیت‌های سرکوبگرانه و ستمگرانه‌ای که حکومت‌های ستمگر و گردن‌کشان جنایتکار تاریخ در برخورد با فرزندان امت اسلام که به زیارت مرقد مطهر حضرت امام حسین \times می‌رفتند، دست به ارتکاب آنها می‌زدند؛ آنجا که زایران آن حضرت، مورد آزار و اذیت و شکنجه و قتل قرار گرفته، در بعضی از ادوار تاریخ دست هایشان را بریده و مورد تعقیب و پیگرد قرارشان می‌دادند، یا خود قبر مطهر آن حضرت را مورد اهانت و تخریب کامل قرار می‌دادند، مانند تخریبی که در زمان متوکل عباسی انجام شد یا تخریبی که در زمان حمله وهابیان در اواخر قرن

سیزدهم هجری قمری یا در زمان حکومت عفلقیان⁽¹⁾ در عراق در آخرین دهه از قرن چهاردهم هجری قمری به وقوع پیوست.

دو: اینکه ائمه اهل بیت \wedge با همه، مخاطراتی موجود برای زائران امام حسین \times و علی رغم شیوه تقیه که اهل بیت \wedge خود، شیعیانشان را به آن مقید کرده و حاکی از علاقه شدید ائمه \wedge به حفظ جان شیعیان و دور کردن آنها از خطرات و آلام مختلف بود، به پیروان خود تأکید بسیاری نسبت به ضرورت پرداختن به این نماد (زیارت امام حسین \times) کرده‌اند؛ تا جایی که زیارت حضرت سید الشهداء در نظر آنان به جهاد در راه خدا بدل گردید.

از حضرت امام باقر \times روایت است که فرمود:

شیعیان ما را به زیارت قبر حسین بن علی ' فرمان دهید، که زیارت او بر هر مؤمن معتقد به امامت الهی حسین \times واجب است.⁽²⁾

همچنین امام صادق \times فرموده‌اند:

اگر یکی از شما همه عمر خود به سفر حج برود اما حسین بن علی ' را زیارت نکند، حقی از حقوق خدا و حقی از حقوق رسول خدا ' را ترک کرده است، چرا که حق حسین \times فریضه‌ای است که خداوند عزّ و جلّ

1. منظور از عفلقیان، پیروان میشل عفلق مسیحی است که مؤسس حزب بعث و حکومت بعثی در عراق در اواخر دهه نهم قرن چهاردهم هجری قمری تا دهه دوم قرن پانزدهم هجری قمری است.

2. شیخ مفید، کتاب المزار / 37.

آن را بر هر مسلمانی واجب کرده است.⁽¹⁾

مجالس حسینی

مجالس حسینی عبارت از اجتماعاتی است که پیروان اهل بیت [^] چه در ایام مصیبت بزرگ در ماه محرم و صفر و چه در روزهای دیگر سال برپا نموده، در آن به ذکر حوادث فاجعه کربلا و سایر مسائل دینی می پردازند. این مجالس در ابتدا تنها برای ابراز اندوه عمیق شیعیان در مصیبت امام حسین \times ، مجسم کردن عظمت فاجعه‌ای که برای آن حضرت و خاندان پاکش روی داد، بیان ابعاد اندوه بار حادثه کربلا و همچنین بیان درنده خوئی بود که ستمگران اموی و به خصوص یزید ستمگر در این حادثه از خود نشان دادند؛ که این امر نیز به نوبه خود، نشان از عمق کینه و دشمنی بود که این جنایتکاران نسبت به اسلام، پیامبر اسلام ' و اهل بیت بزرگوار آن حضرت در دل داشتند.

سپس این مجالس متحول شده به مدرسه بسیار پیروان اهل بیت [^] بدل گشت؛ مدرسه‌ای که پاسخگوی همه نیازهای فرهنگی، سیاسی، عاطفی و اجتماعی جماعت صالحان بوده، قادر بود در شرایط مختلف در میان شیعیان تأثیر گذار باشد.

چنین مجالسی از اولین روزهای وقوع فاجعه عاشورا و در شهر شام آغاز گردید؛ آنجا که بر اثر افشاگری‌ها و بیدارگری‌های فراگیر حضرت زینب کبری \div و حضرت امام زین العابدین \times به هنگام ورود قافله اسیران به

شام و حضور آنان در مجلس یزید و در پی اولین نشانه های بیداری مردمی و درک عمومی از ابعاد این مصیبت، یزید وادار به عکس العمل و عقب نشینی شد. بعضی از روایات گویای این است که امام زین العابدین × به مدت سه روز در شام مجلس بزرگداشت امام حسین و یارانش را برپا نمود.⁽¹⁾

همچنین اهل بیت [^] و بعضی از همسران پیامبر اکرم ' مثل امّ سلمه به هنگام بازگشت خاندان امام حسین به مدینه منوره، در این شهر نیز مجالس عزای برپا نمودند.⁽²⁾

بدین ترتیب اهل بیت [^] در هر فرصت ممکن به ویژه در ایام عاشورا، به اقامه مجالس عزای حسینی می پرداختند و شیعیان و موالی خود را به برپایی چنین مجالسی تشویق می کردند که به نمونه هایی از این روایات که بیانگر این فعالیت های اهل بیت [^] بود، اشاره کردیم.

بحث در باره مجالس حسینی از لحاظ تاریخچه، ابعاد، آثار و فلسفه آن بحثی گسترده است، اما در اینجا به اختصار به بعضی از ابعاد آن اشاره می کنیم:

1. عبدالله شبر، جلاء العیون 2 / 264.

2. در البداية و النهاية 8 / 218 از کتاب طبقات ابن سعد در باره امّ سلمه نقل شده که چون خبر شهادت امام حسین × را شنید گفت: «آیا آنان چنین کاری کرده اند؟ خداوند خانه ها و قبرهایشان را پر از آتش کند» سپس آنقدر گریست تا از شدت گریه بیهوش شد.

اهمیت مجالس حسینی و ابعاد آن

اول: زنده نگه داشتن این رویداد مهم که خود یک طرح الهی برای بیداری امت اسلام با هدف حفظ آخرین رسالت از نابودی و دگرگونی و تحریف است.

حکومت‌های بیدادگر از ابتدا سعی در پایمال کردن حقیقت داشتند؛ آنان حرکت امام حسین را به عنوان حرکتی آشوبگرانه علیه حکومت شرعی و قانونی وانمود کرده، بر آنان نام «خوارج» نهادند. آنان مدعی شدند که امام حسین × وحدت میان مسلمانان را شکسته است و بدین ترتیب سعی کردند تا چهره واقعی امام حسین × و اهداف نهفته در ورای نهضت آن حضرت و همچنین اسباب و علل این قیام و بستر وقوع آنها را زیر پرده تبلیغات خود بپوشانند.

زیرا بیان همین مسائل بود که می توانست حقیقتی را که این قیام بزرگ تاریخ اسلام بر اساس آن ایجاد شده بود، واضح و آشکار نماید. در همین راستا کار به جایی کشید که یزید در اوایل کار سعی کرد از زیر بار مسئولیت این جنایت شانه خالی کرده و مسئولیت آن را بر عهده ابن زیاد بیندازد.

اما برنامه ریزی هوشیارانه اهل بیت [^] از طریق برپایی مجالس حسینی توانست ویژگی‌های این قیام را از نابودی نجات داده، آن را در تاریخ اسلام و در میان مسلمانان با همه خصوصیات و جزئیات

محفوظ نگاه دارد.⁽¹⁾

دوم: این رویداد باید به صورت زنده و مؤثر در جنبه‌های مهمی از ساختار کلان اسلام و خصوصاً حیات جامعه شیعی زنده بماند. این جنبه‌ها عبارتند از:

1. جنبه وجدانی ضمیر انسان مسلمان.

یکی از اهداف عمده این نهضت بیدار کردن وجدان انسانی و تحرک آن است در شرایطی مثل: مواجهه مرگ رکود فرهنگی، یا بی ارادگی ناشی از فشارهای روحی یا رفتارهای تروریستی.⁽²⁾

بدین ترتیب بود که این فاجعه نه تنها برای نسل معاصر خود، بلکه برای همه نسل‌ها در طول تاریخ به عامل حرکت بخش وجدان و ضمیر و احساسات ملت‌ها بدل گردید.

تصویرهای بدیعی که اهل بیت [^] در مجسم کردن این فاجعه بزرگ به تاریخ عرضه کردند و شعرای مکتب اهل بیت [^] نیز با اشعار خود در دوران‌های مختلف در آن سهیم بودند، نقش مؤثری در این عرصه

1. البته طبیعی است که در بعضی از جزئیات با اختلافاتی نیز رو به رو شویم کما اینکه ما همه جزئیاتی را که در جریان امام حسین ^x نقل شده است نیز باور نداریم. مراد ما از جزئیات در این بحث همان ویژگی‌های اساسی این نهضت، جهت‌گیری‌ها، برنامه‌ها، توجهات، پس زمینه‌ها و نکات حزن‌انگیز آن است، اگر چه در بعضی از مسائل جزئی و تعبیرات، تفاوت‌هایی وجود داشته باشد.

2. ما این مطلب را در کتاب «عن ثورة الامام الحسين ^x» توضیح داده ایم.

نقش اهل بیت [^] در بنیان گذاری جماعت صالحان 2

داشته است.

با این بیان می توان معنی روایاتی را که در ترغیب شاعران به سرودن و خواندن اشعار در خصوص مصیبت امام حسین \times وارد شده است، به خوبی فهمید.⁽¹⁾ و از همین جا سرّ حجم زیاد شعر سروده شده در باره امام حسین را که در ادبیات بشری بی نظیر است، نیز می توان دریافت.

2. جنبه درک سیاسی - فرهنگی از رویدادهایی که بر امت اسلام - به ویژه در محدوده جماعت صالحان - می گذرد؛ گروهی که در میان مذاهب اسلامی به داشتن همین درک خاص عمیق و اصیل اسلامی از رویدادهای سیاسی ممتاز بوده اند و همواره به اصول اسلامی و اخلاق انقلابی پای بند بوده اند.

3. جنبه دیدگاه صحیح اسلام در باره حکومت و ارکان آن و تشخیص موضع در برابر آن و قدرت تفکیک میان فعالیت های درست یا نادرست این حکومت، به علاوه قدرت تشخیص مواردی که برای رعایت مصالح جهان اسلام می توان در برابر آنها سکوت اختیار کرد یا خط قرمزهایی که به عنوان خطری اسلام را تهدید می کند و باید در برابر آنها موضع انقلابی اتخاذ کرد.

1. از حضرت امام صادق \times روایت شده است: «ما من أحد قال في الحسين شعراً فبكي و أبكى به إلا أوجب الله له الجنة و غفر له ; کسی در باره حسین شعری نمی گوید که به واسطه آن بگرید و بگریاند، مگر اینکه خداوند متعال به واسطه این عمل بهشت را بر وی واجب گردانده و گناهانش را می آمرزد». حر عاملی، وسائل الشیعه 10 / 464 ح 1.

ساختار فرهنگی جماعت صالحان

سوم: حفظ روابط انسانی و اجتماعی میان افراد جماعت صالحان و سایر مسلمانانی که با آنها تعامل داشتند؛ البته در چار چوب صحیح روابط که همان اهداف و اخلاق حسینی باشد.

مجالس حسینی عرصه‌ای برای استحکام بخشیدن به این روابط و تقویت رشته‌های محبت و پیوند در میان افراد جماعت صالحان و فرصتی برای بروز روحیهٔ تعاون و برادری بوده است. به علاوه که این مجالس در عین حال فرصتی برای انفاق و داد و دهش مالی و رسیدگی به وضع فقرا و نیازمندان و آگاهی از اوضاع آنان نیز بوده؛ چرا که در چنین مجالسی اقشار وسیعی از امت اسلام در سطوح مختلف اجتماعی و دینی مشارکت می‌نمایند.

این برنامه ریزی توانسته است علی‌رغم همهٔ سختی‌ها، دردها و رنج‌ها، وحدت جماعت صالحان را در فعالیت‌های اجتماعی و انسانی اش در طول تاریخ حفظ کند.

چهارم: نشر فرهنگ صحیح اسلامی که در بعضی از دوران‌های تاریخ با انواع سخت‌گیری‌ها و تهدیدهای فکری و جسمی (ترور شخص و شخصیت) یا با مشکلات فقدان وسایل و امکانات انسانی یا مالی رو به رو بوده است.

فرهنگ مکتب اهل بیت ^۸ با ابعاد مختلف عقیدتی، اخلاقی، رفتاری و تاریخی خود، دارای ویژگی‌هایی است که با ویژگی‌های خط اصیل اسلام در ارتباط است؛ خطی که اهل بیت ^۸ دنباله رو آن هستند، اما هیچگاه فرصت نشر این فرهنگ فراهم نبوده و حتی در بعضی وقت‌ها این

نقش اهل بیت [^] در بنیان گذاری جماعت صالحان 2

کار اصلا امکان پذیر نبوده است، همچنان که این مؤسسات دینی مانند مساجد، مدارس و دیگر مراکز فرهنگی نیز همواره برای این کار مهیا نبوده و این امر، شیعیان را در معرض خطر ذوب و نابودی یا افتادن در دام نادانی و تعصب کورکورانه قرار می داد. در چنین اوضاعی، مجالس حسینی مدرسه فرهنگی سیاری بود که پاسخگوی همه این نیازهای متفاوت بود.

کلینی با سند معتبر از میسر، چنین نقل می کند:

امام باقر × به من فرمودند:

آیا در کنار هم خلوت کرده با هم حدیث گفته و در باره هرچه بخواهید

به بحث می پردازید؟

گفتم: به خدا سوگند چنین است، ما با هم خلوت کرده و با یکدیگر حدیث گفته و آنچه بخواهیم می گوئیم.

آن حضرت فرمودند:

به خدا سوگند بسیار دوست می دارم که در بعضی از این مجالس همراه شما باشم. بدانید که به خدا سوگند، من بوی شما و ارواح شما را دوست می دارم؛ شما که بر دین خدا و دین ملائکه خدا هستید، پس با پرهیزگاری و سخت کوشی مرا در این راه یاری کنید.⁽¹⁾

هدف های اساسی شعائر حسینی: با توجه به اهداف و آثار شعائر حسینی می توان در یافت که هرچه این شعائر در چار چوب صحیح کاری خود به

1. حر عاملی، وسائل الشیعة 11 / 567 ح 5.

ساختار فرهنگی جماعت صالحان

تحقق اهداف خود، نزدیک می‌شوند، بیشتر می‌توانند برآورنده وظیفه‌ای باشند که اهل بیت [^] از آنان انتظار دارند، و این شعائر بدون این امر، به صورتی بی‌محتوا تبدیل می‌شود، درست مانند نمازی که انسان بدون توجه به خداوند متعال آن را به جای آورد.

اهدافی که حفظ و رعایت آنها در انجام شعائر لازم و ضروری است، عبارتند از:

اول: ارتباط روحی و عاطفی با امام حسین ^x، اهل بیت [^] و اهداف آن بزرگواران از این نهضت عظیم.

دوم: دید سیاسی و دینی صحیح از مسئله حکومت و دیگر جریان‌های سیاسی که امت اسلام در دایره مسائل ظلم و عدل، امر به معروف و نهی از منکر و اقامه حکومت الهی، با آنها رو به رو هستند.

سوم: تربیت اخلاقی اصیل در راستای فعالیت‌های سیاسی و اجتماعی که در ویژگی‌هایی چون: فداکاری، صبر، احساس مسئولیت در برابر مشکلات مسلمانان، مقاومت در برابر ستمگری و سرکشی، تعهد و تقید به حق محوری، وفای به عهد و پیمان، خلوص نیت برای خداوند متعال و پایداری و استقامت در راه اصول، جلوه‌گر می‌شود.

چهارم: انتشار فرهنگ و بیداری اسلامی در ابعاد اسلامی مختلف همچون شناخت اسلام، تفقه در دین، بالا بردن درجه احساس و شعور در جان انسان و بیدار کردن وجدان و ضمیر.

پنجم: ریشه دار کردن روابط برادری و دوستی و تعاون میان مؤمنان،

نقش اهل بیت [^] در بنیان گذاری جماعت صالحان 2

همت گماشتن برای انجام کارها و دلسوزی برای یکدیگر، کمک به فقیران و ضعیفان و افزایش تکافل در میان جامعه صالحان و تقویت جنبه قدرت، شکست ناپذیری و وحدت در آنان.

شعائر ابتکاری

دومین بخش⁽¹⁾ مراسمی است که جنبه سنتی و منصوص نداشته به این معنا که در باره این مراسم و شعائر، روایات خاص و صریح از اهل بیت [^] وارد نشده است و پیروان اهل بیت [^] این شعائر را به ابتکار خود اختراع کرده‌اند؛ مانند هیئت‌های حسینی، شبیه خوانی یا تعزیه که مجسم کننده مصایبی است که بر امام حسین \times و خاندان آن حضرت رفته است، دسته‌های عزاداری مردمی و دیگر شعائری که مسلمانان پیرو اهل بیت [^] در ادوار مختلف به برگزاری آنها پرداخته یا در آینده ممکن است به آنها بپردازند.

سخن در این باب در دو بخش مطرح می‌شود:

اول: در بیان توجیه شرعی برای چنین شعائری که نصی از اهل بیت [^] در باره آنها - چه به صورت گفتاری، چه به صورت عملی و چه به صورت تأیید - وارد نشده است.

شاید بهترین توجیه برای امثال این مراسم این است که هر گونه مراسم و هر کاری که به نظر عرف، بزرگداشت حضرت امام حسین \times تلقی شود و موجب برانگیختن حزن و اندوه مردم برای آن حضرت گردد - به

1. قسمت اول آن با عنوان (شعائر سنتی) در صفحه (91) گذشت. [ویراستار]

خصوص که در آن از روش‌ها و کارهایی استفاده شده باشد که در زمان ائمه[^] نیز متداول بوده است یا در عرف مسلمانان یادآور مصیبت‌ها و اهداف آن حضرت باشد - به مصداق قاعده قرآنی:

{ذَلِكَ وَمَنْ يُعْظَمْ شِعَائِرَ اللَّهِ فَإِنَّهَا مِنْ تَقْوَى الْقُلُوبِ}

این است [شعائر خدا] و هر کس شعائر خدا را بزرگ دارد در حقیقت، آن [حاکمی] از پاکی دل‌ها است.

امری مشروع خواهد بود؛ چرا که امام حسین × خون خدا (نارالله) و یکی از نمادهای شعائر الهی بوده و بزرگ داشتن یاد او، بزرگ داشتن شعائر خداست، به علاوه که روایاتی نیز به صورت کلی وارد شده که شیعیان را به عزاداری و اظهار حزن و اندوه بر امام حسین × و ابراز مظلومیت آن حضرت در ایام عاشورا فرا می‌خواند. دوم: در بیان چارچوب که این شعائر و مراسم ساخته انسان الزاماً باید در آن چارچوب انجام شود تا مصداق آن قاعده قرآنی قرار گیرد.

پرداختن به بخش اول از شعائر همواره بدون اشکال است؛ چرا که صورت و محتوای آن در روایات اهل بیت[^] آمده و خود معیاری برای کیفیت انجام چنین مراسمی می‌باشد.

اما بخش دوم برای کسب مشروعیت، ناچار باید از مضمون و محتوایی برخوردار باشد که خداوند متعال برای آن قرار داده است؛ و این همان بزرگداشت شعائر الهی است. در غیر این صورت، کسی ادعا کند کاری را برای امام حسین × به انجام می‌رساند، مادام که شکل

نقش اهل بیت [^] در بنیان گذاری جماعت صالحان 2

کار او از لحاظ عرفی پیرو اسلوبی عقلایی برای بزرگداشت شعائر نباشد، برای صدق معنی بزرگداشت امام حسین × کافی نیست. بلکه این عمل باید در عین حال با مضمون و محتوای شرعی نهضت امام حسین × که بیشتر شرحش گذشت در ارتباط باشد.

این مضمون را می‌توان در دو خط اساسی بیان کرد:

یک: خط اثباتی؛ یعنی همان پنج هدفی که برای این شعائر قرار داده شده و ما در بخش بیان اهداف اساسی شعائر حسینی آنها را بیان کرده‌ایم در نتیجه، فعالیت‌هایی با این اهداف، تحت عنوان تعظیم شعائر الهی در خواهد آمد.

دو: خط نفیی؛ بدین معنا که این گونه فعالیت‌ها نباید به هر نحو موجب هتک حرمت اسلام، مذهب اهل بیت [^] یا زشت کردن چهره آنها شود، مثل اینکه از لحاظ شکل با اهداف واقعی اهل بیت [^] هماهنگ نباشد؛ چنان که گاه ممکن است شاهد بعضی از کارها باشیم که با هیچ یک از انواع عبادات و رفتارهای مورد تأیید شارع مقدس که بیان کننده ارتباط با خدا و محبت ذات پروردگار یا تعظیم و تمجید آن ذات مقدس بوده و در زندگی اجتماعی مردم عاقل شناخته شده است، سنخیتی نداشته و نمونه‌ای برای آن یافت نمی‌شود.

همچنین است کارهایی که وجدان سلیم انسان و ذوق خالص او از آن تنفر داشته یا انسان نتواند تفسیری منطقی برای آن بیابد که با عقل و منطق سلیم هماهنگ باشد. بلکه این نوع کارها برخاسته از هیجاناتی پر سرو صدا و احساسات شتابزده و تصوراتی است که به هیچ مستند

ساختار فرهنگی جماعت صالحان

شرعی استناد ندارد، چون در فعالیت‌های مورد تأیید شرع نظیری برای آن وجود ندارد و به همین دلیل است که بیشتر در اقلشاری از جامعه به این نوع کارها پرداخته می‌شود که به خامی و کمبود شناخت از فرهنگ اسلامی شناخته شده‌اند و هرگز در میان فقها و دانشمندان ربانی اثری از این کارها دیده نمی‌شود.

4

ساختار معنوی

جماعت صالحان

جنبه روحی و معنوی مرتبط با عواطف و احساسات روحی انسان نقش مهمی در تئوری اسلام دارد و شاید بتوان گفت این جنبه از لحاظ اهمیت، پس از اعتقادات، اخلاقیات و فرهنگ، در درجه چهارم اهمیت قرار دارد؛ چرا که رفتار انسان که نتیجه طبیعی اراده اوست، مستقیماً تحت تأثیر این جنبه قرار داشته و دیگر جنبه‌ها حالت پیش زمینه و شالوده و اساس را برای آن بازی می‌کند که این احساسات و عواطف در آنها متمرکز شده یا از آنها سرچشمه گرفته و یا توسط آنها به سمت و سویی جهت داده می‌شود که با این جنبه‌ها همخوانی داشته باشد. زیرا با وجود اینکه رفتارهای انسان معلول اراده او و تابع آن است، این احساسات و عواطف هستند که در جهت تحرک، کارآیی و نشاط رفتاری انسان نقش نیروی محرک را بازی می‌کنند.

از همین جا می‌توان تناسب میان عواطف و احساسات انسان را با رفتارها و فعالیت‌های او دریافت. بنابر این هرگاه این احساسات و عواطف با منشأهای عقلی، اخلاقی و فرهنگی رفتار انسان هماهنگی بیشتری پیدا کرد، عزم و پایداری و اراده او قوی‌تر و محکم‌تر خواهد بود و هرچه عزم و پایداری و اراده انسان قوی‌تر و محکم‌تر باشد، خیزش و تحرک و فعالیت او قوی‌تر و بادوام‌تر خواهد گردید.

نقش اهل بیت [^] در بنیان گذاری جماعت صالحان 2

از همین رهگذر است که اهل بیت [^] در بنیان گذاری و ساخت جماعت صالحان به جنبه روحی و معنوی و هدایت آن به سمت و سوی صحیح و سازگار با اهداف کلی و خاستگاه‌های عقیدتی، اخلاقی و فرهنگی اهمیت فراوان داده‌اند.

حال می‌توانیم مجموعه‌ای از نکات را مورد ملاحظه قرار دهیم که در این عرصه، ترسیم‌کننده خطوط اصلی هستند که اهل بیت [^] برای ساخت این جنبه روحی و معنوی مقرر نموده‌اند و می‌توان آنها را در میان روایاتی که از آن بزرگواران در رابطه با تربیت و توجیه پیروانشان و حل مسائل آنان صادر شده و به دست ما رسیده، پیدا کرد.

[1] روح پرهیزگاری و آمیختگی ایمان باعمل

اولین نکته، بالا بردن روح تقوا و پرهیزگاری و تأکید بر مسئله ارتباط با خداست که از طریق سه خط مشی اساسی به آن پرداخته می‌شود:

یک: روش دعا و مناجات. در مکتب اهل بیت [^] اهمیت بسیار زیادی به مسئله دعا داده می‌شود و گنج‌های گرانبها و ثروت‌های سرشاری از ادعیه مختلف در این مکتب وجود دارد، اعم از دعاهای بعد از نماز، دعاهای ساعت‌های مختلف روز، روزهای مختلف سال، دعاهای مناسبت‌های مختلف مانند ماه رمضان، رجب، شعبان و ذی حجه، دعاهای روزهای مبارک مانند اعیاد اسلامی و دیگر مناسبت‌های اسلامی، یا نمازهای مختلف با مناسبت‌ها و ابعاد متفاوت، به گونه‌ای که در میراث مکتوب مکتب اهل بیت [^] حجم وسیعی از کتاب‌های دعا را می‌توان یافت که در ادوار مختلف تاریخ معروف و

متداول بوده است.

به اضافه دعاهای بزرگ و فراوانی که دارای طبیعت تربیتی و فرهنگی هستند، مانند دعای حضرت علی × که کمیل بن زیاد نخعی آن را روایت کرده است و دعای امام حسین × در روز عرفه و دعای حضرت امام زین العابدین × که ابوحمزه ثمالی آن را روایت کرده، دعای جوشن، دعاهای صحیفه سجادیه و دعاهای دیگری از این دست که بسیار است.

این دعاها و نمازها در کنار جنبه فرهنگی که به آن اشاره کردیم، بُعد روحی بزرگی را در ساخت شالوده مستحکم ارتباط با خداوند متعال، تقوا و خوف و رجا در جان انسان متعبد تشکیل می‌دهد.

دو: روش وصیت و موعظه به صورت مدون و مکتوب یا شفاهی و محدود که قبلاً گفتیم خود یک خط مشی تربیتی بود که تنها جنبه فرهنگی را در بر نمی‌گرفت بلکه شامل جنبه روحی و معنوی نیز می‌گردید.

از حضرت امام صادق × از پدران بزرگوارش ^۸ روایت شده است که فرمود:

پیامبر اکرم ' فرمودند: هر کس در هنگام مرگ به نیکویی وصیت نکند، عقل و مروت او ناقص است.

از آن حضرت پرسیدند: کیفیت وصیت چگونه است؟

فرمود: چون هنگام مرگش فرا رسید و مردم گرد او جمع شدند، بگوید:

نقش اهل بیت [^] در بنیان گذاری جماعت صالحان 2

خداوندا، تو آنی که آسمان‌ها و زمین را آفریدی و تویی دانای نهان و آشکار و بخشندهٔ مهربان. خداوندا، من با تو پیمان می‌بندم و شهادت می‌دهم که هیچ پروردگاری جز تو نیست و شریکی نداری.

و شهادت می‌دهم که محمد بنده و فرستادهٔ تو می‌باشد.

شهادت می‌دهم که قیامت بدون شک خواهد آمد، و تو مردگان در قبر را زنده خواهی کرد.

و شهادت می‌دهم که حساب حق است، بهشت و آنچه از نعمت‌های خوردنی و آشامیدنی و ازدواج در آن است و خداوند وعده آن را داده، حق است، جهنم حق و ایمان حق است.

شهادت می‌دهم که دین همان گونه است که توصیف کرده‌ای، اسلام همان گونه که تشریح کردی، سخن همان که گفتی، قرآن چنان که نازل کردی، و تویی خداوند حق آشکار.

و خداوندا، من در این دنیا با تو پیمان می‌بندم که به خدایی تو، دین اسلام، پیامبری محمد، و امامت علی، کتاب قرآن و امامت اهل بیت پیامبرت که بر او و بر آنها درود باد، رضایت دارم.

خداوندا، تو در هنگام سختی تکیه گاه من، و در هنگام غم و اندوه مایهٔ امیدم، و در آنچه بر من فرو می‌آید یاور و ولی نعمت من و پروردگار من و پدرانم هستی. بر محمد و آل محمد درود فرست و مرا چشم بر هم زدنی به خود وا مگذار. وحشتم را در قبر به انس بدل کن، و در روزی که در پیشگاهت به پا داشته شوم و تو را ملاقات کنم، در نزد خود برایم عهدی

قرار ده.

این پیمان میت است روزی که در باره نیازهایش وصیت می کند و وصیت کردن بر هر مسلمانی لازم است.⁽¹⁾

سه: ارتباط دادن ایمان به عمل که علاوه بر جنبه عقیدتی که در فهم حقیقت ایمان و کفر دارد، در ایجاد روح تقوا و ارتباط با خداوند متعال نیز دارای جنبه روحی و معنوی می باشد؛ بدان سان که ایمان جز با عمل، تقید و رفتار مطابق با آن، کامل نخواهد گردید.

به زودی روایاتی در تأکید بر این نکته ذکر خواهد شد که شیعه واقعی، اهل ورع، سخت کوشی، صبر بر محنتها و بلاها و اهل عبادت و پارسایی است.

[2] یاوران راستین حق

دومین نکته ای که ترسیم کننده خطوط اصلی ایجاد جنبه روحی و معنوی توسط اهل بیت [^] است، این است که خود آن بزرگواران، این جماعت را به خود ارتباط داده، از طریق نسبت دادن صفاتی چون اصالت و حقیقت به افراد این جماعت بر وابستگی آنان به خود تأکید نموده، ایشان را صاحب ریشه های عمیق تاریخی دانسته، درجه ایمان آنها به خط و مذهبشان را تا بالاترین درجه افزایش داده، از راه اقامه براهین، موازین و دلایل آشکار منطقی، عقیده این مؤمنان را از یک اعتقاد عقلی ساده به تعهدات و التزامات روحی و احساسات

1. مجلسی، بحار الانوار 103 / 193 ابواب وصایا، ح 1، به نقل از فلاح السائل.

نقش اهل بیت [^] در بنیان گذاری جماعت صالحان 2

ایمانی ارتقا داده‌اند.

ائمّه [^] این مهم را از این طریق به انجام می‌رسانند که به پیروان خود تفهیم می‌کردند عقیده و مذهب آنان همان مذهب برحق است که هیچ شک و شبهه‌ای در آن راه نداشته، جماعت ایشان بهترین فرقه و جماعت است و آنان از زمره اهل بیت [^] به حساب می‌آیند: چرا که این افراد سزاوارترین مردم به اهل بیت [^] بوده، همانانند که به پیمان الهی وفا می‌کنند و تنها افراد این جماعت هستند که در روز قیامت از برکات محبت اهل بیت [^] بهره‌مند گشته و در آن روز پناهگاه آنها، شخص پیامبر اکرم ['] است و این خود، بشارتی برای آنان است، و شیوه‌هایی از این دست.

این حقایق به منظور بالا بردن درجه ایمان شیعیان در روایات فراوانی از ائمّه معصومین [^] در زمان‌های متفاوت و با متون و شیوه‌های مختلف وارد شده است. امری که کاشف از این حقیقت است که اهل بیت [^] مقصود و هدف ویژه‌ای از بیان این مسائل داشته‌اند که برای آنان بسیار با اهمیت بوده و تلاش فراوانی برای تحقق آن انجام داده‌اند. این هدف چیزی نیست جز بالا بردن انگیزه‌های عاطفی و وجدانی در پیروانشان و تعمیق پای بندی و اطمینان به راه و روشی که به آن ایمان داشتند.

حال برای وضوح بیشتر این مطلب، به نمونه‌هایی از این نوع روایات اشاره می‌کنیم:

(1) عمران بن میثم از حبابه و البیه نقل می‌کند که گفت:

تو را از حدیثی باخبر می‌کنم که آن را از مولایت حسین بن علی شنیده‌ام. از آن حضرت شنیدم که فرمود:

سوگند به آن که طایفهٔ احمس را بهترین قبیلهٔ بجیله، عبد القیس را بهترین ربیعه و همدان را بهترین یمنیان قرار داد، شما بهترین فرقه‌ها هستید.

سپس ادامه داد:

جز ما و شیعیان ما کسی بر ملت ابراهیم × ثابت و پایدار نیست.⁽¹⁾

(2) عمر بن یزید گوید: حضرت امام صادق × فرمودند:

أَنْتُمْ وَاللَّهِ مِنْ آلِ مُحَمَّدٍ.

به خدا سوگند که شما جزو آل محمد هستید.

عرض کردم: قربانت گردم، یعنی ما از خود آنها هستیم؟

سه مرتبه فرمود: آری به خدا سوگند که از خود آنها هستید.

سپس نگاهی به من انداخته، فرمود:

یا عمر، إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى يَقُولُ فِي كِتَابِهِ:

{إِنَّ أَوْلَى النَّاسِ بِإِبْرَاهِيمَ لِلَّذِينَ اتَّبَعُوهُ وَهَذَا النَّبِيُّ وَالَّذِينَ آمَنُوا وَاللَّهُ
وَكِي الْمُؤْمِنِينَ}

1. برقی، المحاسن 1 / 243 ح 449 - 450 و معنی «بر ملت ابراهیم بودن» التزام کامل و بر حق است به دین ابراهیم که همان دین حنیف است.

نقش اهل بیت [^] در بنیان گذاری جماعت صالحان 2

در حقیقت، نزدیک‌ترین مردم به ابراهیم، همان کسانی هستند که او را پیروی کرده‌اند، و [نیز] این پیامبر و کسانی که [به آیین او] ایمان آورده‌اند؛ و خدا سرور مؤمنان است.⁽¹⁾

(3) از ابوذر روایت است که گفت:

به خدا سوگند، جز اهل بیت پیامبر ' و گروه اندکی از شیعیان آنان، هیچ یک از کسانی که خداوند از آنان عهد و پیمان گرفت، بر پیمان خود استوار و صادق نبوده است. این است کلام خدا که می‌فرماید:

{وَمَا وَجَدْنَا لِأَكْثَرِهِمْ مِّنْ عَهْدٍ وَإِن وَجَدْنَا أَكْثَرَهُمْ لَفَاسِقِينَ}

و در بیشتر آنان عهدی [استوار] نیافتیم و بیشترشان را جداً نافرمان یافتیم.⁽²⁾

(4) یونس بن عبد الرحمن از کلیب اسدی روایت کرده که گفت: از حضرت امام صادق × شنیدم که فرمود:

بدانید که شما بر دین خدا و دین ملائکه خدا هستید، پس در این راه ما را با پرهیزگاری و کوشش در راه دین یاری کنید. بر شما باد به نماز، بر شما باد به پرهیزگاری.⁽³⁾

(5) از ابو الطفیل روایت شده است که گفت: حضرت امیر المؤمنین ×

1. علی بن ابراهیم قمی، تفسیر القمی 1 / 105 با سند معتبر، و به نقل از آن مجلسی، بحار الانوار 68 / 84 ح 1.

2. عیاشی، تفسیر عیاشی 2 / 23 ح 59 و به نقل از آن مجلسی، بحار الانوار 68 / 85 ح 7.

3. طبری امامی، بشارة المصطفی / 84 - 85 ح 15 و 225 ح 50 و به نقل از آن مجلسی، بحار الانوار 68 / 87 ح 14.

بر بالای منبر ایستاده و فرمودند:

همانا خداوند متعال محمد را به نبوت مبعوث کرد و او را برای رسالت خویش برگزید و او نیز در میان مردم به ابلاغ رسالت الهی پرداخت و آنان را با دانش و معارف الهی آشنا نمود، و در نزد ما اهل بیت کلیدهای دانش و دروازه‌های حکمت و نورانیت و وضوح امر دین و کلام فیصله دهنده موجود است (یعنی چون آنچه پیامبر آورده ممکن است توسط مردم به فراموشی سپرده و ضایع شود اهل بیت معصوم [^] بیان کننده آن علوم هستند. هر کس ما اهل بیت را دوست بدارد ایمانش برای او سود خواهد داشت و اعمالش پذیرفته خواهد گردید و هر کس به ما اهل بیت محبت نداشته باشد، بهره‌ای از ایمان خود نخواهد داشت و اعمالش پذیرفته نخواهد شد حتی اگر همواره شب و روز خود را به سختی به عبادت پرداخته باشد.⁽¹⁾

(6) برید عجللی، زرارة بن اعین و محمد بن مسلم در روایتی صحیح نقل کرده‌اند: حضرت امام باقر × به ما فرمودند:

دیگر چه می‌خواهید؟ بدانید که اگر بلایی از آسمان نازل شود هر گروهی به پناهگاه خود پناه خواهد برد و ما به پیامبران پناه برده و شما به ما پناه خواهید آورد. پس بشارت باد بر شما، بشارت باد بر شما، بشارت باد بر شما. نه! به خدا سوگند که خداوند متعال شما را با دیگران یکسان

نمی‌داند و غیر شما در نزد او کرامتی ندارند.⁽¹⁾

[3] محبت و ولایت اهل بیت [^]

سومین نکته، پر رنگ کردن جنبه احساسی و عاطفی رابطه جماعت صالحان با اهل بیت [^] و بسنده نکردن به ارتباط عقلی و منطقی است. اهل بیت [^] برای ریشه دار کردن ایمان و عقیده در دل و جان پیروان خود و بالا بردن میزان التزام آنان به مذهب صحیح در سطح روحی و معنوی، از شیوه بالا بردن میزان محبت و ولایت آنان نسبت به خود و هرچه عمیق‌تر کردن ریشه‌ها و پایه‌های آن، و مرتبط کردن این محبت با بسیاری از معانی و ارزش‌ها و نمونه‌ها از یک سو، و ربط دادن آن با آثار و نتایج در زندگی آینده فرزندان شیعیان از سوی دیگر، سود جسته و در این راه به دلایل و براهین صحیح بسنده نکرده، برای تعمیق آن، پای عواطف و احساسات را به میان کشیده‌اند.

همین محبت نقش بزرگی در مقاومت پیروان اهل بیت [^] در مواجهه با فشارها و دردهایی داشت که برای آنان پیش می‌آمد تا جایی که آنان همواره آماده بودند تا در راه محبت و ولایتی که از اهل بیت [^] در دل داشتند از جان و مال خود گذشته و انواع دردها و رنج‌ها را به جان بخرند.

این روش تربیتی که مبدأ قرآنی نیز دارد نه تنها بر شیعیان اهل بیت [^]

بلکه بر سایر اقشار مسلمان نیز تأثیر بزرگی داشته است؛ بدان سان که مسئله محبت و ولایت اهل بیت [^] به صورت معیار بازشناسی مسلمان واقعی که در رفتار و عواطف به موازین این دین مقید هستند، از مدعیان مسلمانی در آمد که تنها تظاهر به اسلام می کنند، اما فاقد احساسات انسانی و اسلامی صحیح بوده و به همین جهت کینه و دشمنی اهل بیت [^] را در دل دارند.

این امر البته به این دلیل نیز بود که این محبت و مودت نسبت به خویشان پیامبر اکرم دارای مبنایی قرآنی نیز بود؛ آنجا که خداوند متعال این گونه بر مسئله تأکید می کند که :

{قُلْ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَىٰ}

بگو: به ازای آن [رسالت] پاداشی از شما خواستار نیستم، مگر دوستی در باره خویشاوندان.⁽¹⁾

سنت شریف و متواتر لفظی و معنوی نبوی نیز مؤید و مؤکد همین مسئله است و فرستادن صلوات بر اهل بیت [^] (اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ) از اجزای واجب نماز شمرده شده است. بدین ترتیب طبیعی است که این محبت چنین اثری در میان مسلمانان داشته باشد و به صورت پدیده‌ای فراگیر در میان آنان در آید. به زودی در بحث از عبادات در موضوع ذکر و صلوات بر پیامبر و آل او، فضیلت این صلوات و آثار و ثواب مترتب بر آن از بیان پیامبر اکرم ' خواهد آمد.

نقش اهل بیت [^] در بنیان گذاری جماعت صالحان 2

چند بیت شعر از شافعی (از پیشوایان چهارگانه اهل سنت) مشهور است که می تواند شاهدهی بر این فراگیری و این اثر بوده، اشاره ای به بعضی کشمکش های سیاسی دارد که تنها به دلایل سیاسی و نه دینی، به مخالفت با این محبت برخاسته بودند:

ای اهل بیت پیامبر، محبت شما واجبی است که خداوند در قرآن آن را نازل کرده است.

در بلندی مرتبه شما همین بس که هر کس بر شما درود نفرستد نماز ندارد.

و یا می گوید:

اگر معنی رافضی بودن، محبت آل محمد است، جن و انس گواه باشند که من یک رافضی هستم.⁽¹⁾

این محبت دارای نقش بزرگ معنوی، فرهنگی و سیاسی نیز هست؛ چرا که باعث گشایش دروازه دل ها به سوی هدایت و صلاح و تأثیر پذیری از فرهنگ و تعالیم اهل بیت [^] می گردد.

نقش سیاسی آن نیز جلب حمایت بیشتر برای اهل بیت [^] و پیروان آنها و ایجاد فرصت های مناسب برای ایمان به ولایت آن بزرگواران و

1. یا آل بیت رسول الله حبکم *** فرض من الله فی القرآن اترکه
کفاکم من عظیم الشأن اکم *** من لم یصل علیکم لا صلاة له
إن کان رفضاً حب آل محمد *** فلیشهد النقلان ائی رافضی
رک ابن حجر، الصواعق المحرقة / 123 و شبلنجی، نور الابصار / 104.

ایفای نقش آنان در تاریخ اسلام است.

درست به همین دلیل است که دشمنان سیاسی اهل بیت [^] در جنگ سیاسی بر ضد آنان، دقیقاً تلاش می‌کردند تا شعله‌های این محبت و ولایت را خاموش کرده، محبت‌ها و ولایت‌های دیگر را جایگزین آن نمایند، یا ولایت اهل بیت [^] را سست کرده از اساس با مسئله محبت و مودت به نبرد برخیزند. به همین جهت، تعصب، دشمنی و کینه صفت بارز این دشمنان سیاسی بوده است؛ آنان که آماده ارتکاب هر جنایت وحشیانه‌ای در رابطه با اهل بیت [^] و پیروانشان بودند.

این امور در حالی صورت می‌گرفت که مسئله محبت و مودت در همه سطوح، چه در سطح متون شرعی اسلامی، چه در سطح رویدادهای تاریخی و چه در سطح رفتار عملی صحابه، تابعین و دیگر مسلمانان صالح در زمان پیامبر ' بسیار روشن و آشکار بوده است.

در اینجا صدها روایت وجود دارد که از پیامبر و اهل بیت آن حضرت [^] وارد شده، که این محبت و دوستی را به عنوان یکی از اهداف اساسی و وسیله‌ای برای رسیدن به ثواب، رضایت و مغفرت خداوند متعال امری مقدس دانسته‌اند.

از پیامبر اکرم روایت شده است که فرمود:

اسلام به خودی خود عریان و برهنه است، لباس اسلام حیا، زینت آن وفا، مروّت آن عمل صالح و ستون آن پرهیزگاری است، و برای هر چیز

نقش اهل بیت [^] در بنیان گذاری جماعت صالحان 2

بنیان و شالوده‌ای است و بنیان اسلام محبت ما خاندان است.⁽¹⁾

حضرت امام علی × نیز فرموده‌اند:

بر شما باد به دوستی و محبت آل پیامبرتان که این حق خداوند بر شما است. آیا نمی‌بینید که خداوند متعال فرماید: {بگو: به ازای آن [رسالت] پاداشی از شما خواستار نیستم، مگر دوستی در باره خویشاوندان}؟⁽²⁾

در کتاب محاسن از امام صادق × روایت شده است که فرمود:

حضرت امیر المؤمنین × فرمودند: یاد کردن از ما اهل بیت [^] موجب شفای بیماری و کسالت و شک و وسوسه، و محبت ما موجب رضایت پروردگار تبارک و تعالی است.⁽³⁾

نیز از آن حضرت نقل است که فرمود:

پیامبر اکرم × فرمودند: من در روز قیامت از چهار کس شفاعت خواهم کرد حتی اگر گناه آنها به اندازه گناه همه مردم جهان باشد: مردی که فرزندان و اهل بیت مرا یاری کند. مردی که در هنگام تنگدستی مال خود را نثار فرزندان من کند. مردی که با زبان و دل فرزندان مرا دوست بدارد، و بالأخره مردی که چون فرزندان مرا دستگیر کرده یا تحت تعقیب قرار

1. حرّ عاملی، وسائل الشیعة 1 / 141 ح 6.

2. عبد الواحد آمدی، غرر الحکم و درر الکلم: در مواردی که در حرف عین و با کلمه علیکم آغاز می شود، روایت شماره 6244.

3. برقی، المحاسن 1 / 135 ب 83 ح 171.

می‌دهند، در برآوردن نیازهای آنان تلاش کند.⁽¹⁾

حنان بن سدید از حضرت امام باقر × نقل کرده که فرمود:

خداوند محبت علی را در قلب کسی ثابت نمی‌گرداند، مگر اینکه اگر
قدمی از او دچار لغزش گردید در گام دیگر به او نبات قدم مرحمت
خواهد نمود.⁽²⁾

نیز فضیل از حضرت امام رضا × روایت کرده است که فرمود:

قال أبو جعفر ×: حُبُّنا إِيْمَانٌ وَ بَعْضُنَا كُفْرٌ.

امام باقر × فرمود: محبت ما ایمان و دشمن داشتن ما کفر است.⁽³⁾

[4] فداکاری

چهارمین نکته در این باب ریشه دار کردن روحیه قربانی شدن و
فداکاری، آمادگی برای دست برداشتن از دنیا و شهوات آن در راه اصول
و اعتقادات و ترویج روح جهاد در راه اصول والا و اهداف بلند است.

ائمّه[^] برای تحقق این هدف از شیوه‌های مختلفی استفاده کرده‌اند و
خود با تحمل دردها و سختی‌ها و قربانی کردن خود در راه مصالح
عمومی اسلام و بالاترین درجه آمادگی برای ایثارگری مانند کشته
شدن خود و اهل و عیال و به اسارت رفتن اعضای خانواده و مورد
تعرض قرار گرفتن مال و مقام، آغازگر این راه بودند: بدان سان که

1. حرّ عاملی، وسائل الشیعة 11 / 556 ح 2.

2. طوسی، الامالی 132 - 133، ح 212 و به نقل از آن بحار 68 / 199 ح 3.

3. برقی، المحاسن 1 / 247 ح 463.

نقش اهل بیت [^] در بنیان گذاری جماعت صالحان 2

همواره هدف تیرها و توطئه‌های دشمنان بوده‌اند. قضیه شهادت امام حسین \times اوج این فداکاری و بارزترین جلوه آن است. این مسئله در باره حضرت علی و امام حسن ' قبل از امام حسین \times و سایر ائمه بعد از آن حضرت نیز در همه عرصه‌ها صادق است.

ائمه اهل بیت [^] در کنار فداکاری مستقیم که الگوی پیروانشان به شمار می‌آمد، از طریق تأکید بر فاجعه کربلا و مصیبت سید الشهداء \times که مصیبت و فاجعه بزرگ تاریخ اسلام است، روح فداکاری و آمادگی برای قربانی شدن در راه هدف را در پیروان خود تقویت می‌کردند. روشن است که این تأکید فراوان تنها برای ابراز مظلومیت اهل بیت [^] و پرده برداشتن از چهره زشت حکومت اموی نبوده است، بلکه این هدف نیز مد نظر بوده که اصل فداکاری را برای تمام پویندگان راه جهاد و مبارزه به عنوان یک الگو و راهکار مناسب عرضه کنند.

ابعاد معنوی نهضت امام حسین \times

از آنجا که در بحث از جنبه فرهنگی در موضوع شعائر اسلامی، به تحلیل نهضت امام حسین \times از لحاظ فرهنگی، اخلاقی و اعتقادی پرداختیم، خوب است که در این بخش، ابعاد معنوی و روحی این نهضت مقدس را نیز اندکی مورد تحلیل قرار دهیم.

نهضت امام حسین \times را - علاوه بر آنچه قبلاً گفتیم - از لحاظ روحی و معنوی می‌توان در ابعاد زیر مورد بررسی قرار داد:

بعد اول: جنگ حق و باطل

قضیه امام حسین × نمونه بارزی از جنگ میان حق و باطل و ایمان و کفر بود، اما نه در سطح ایمان و کفر صریح و آشکار که پیامبران درگیر آن بوده‌اند، بلکه در سطح انحرافات شدید و حادثی که سرانجام به کفر و تهی شدن اسلام از محتوای حقیقی خود در درون جامعه اسلامی منجر می‌گردید. در عین حال، در برهه‌ای از تاریخ که حق تا بدین حد مورد ستم، اهانت و بی‌اهمیتی قرار گرفته بود، امام حسین × نماینده حق آشکاری بود که هیچ شک و شبهه‌ای در آن راه نداشت.

بر همین اساس می‌یابیم که موضع امام حسین × و دیدگاه آن حضرت، با وجود همه اقدامات سیاسی و فرهنگی که امویان و پیروان آنها برای مشوه کردن این مسئله و مشروعیت دادن به کارهای یزید به انجام رساندند، و نیز با همه اقداماتی که در راستای حاکم کردن فرهنگ سازش و سکوت در برابر ستم و قبول ولایت ظالمان و رنگ و لعاب شرعی دادن به آن پس از استقرار و تسلط بر اوضاع عمومی جامعه، به منصه ظهور رسید، تقریباً بدون استثنا در میان تمام مسلمانان پذیرفته شده و مقبول بوده و مسلمانان در همه دوران‌ها به تعامل با آن پرداخته‌اند.

و قضیه امام حسین × چراغ هدایتی شد تا گمشدگان و بیراهه رفتگان در تاریکی‌های خدعه و تزویر با نور آن راه هدایت بجویند و مجاهدان، انقلابی‌ها و مبارزان راه حق، از آن کسب اراده، قدرت و دیدگاه کنند.

بُعد دوم: ارزش های اخلاقی

دومین نکته، ارزش‌های اخلاقی و انسانی این حماسه تاریخی بود که در این جنبه مدرسه‌ای بزرگ است.

و اصلاً شاید سرّ استمرار و بقای این حماسه با این قدرت تأثیر گذاری شگرف، همین محتوای اخلاقی برجسته آن باشد که سازگار با بدیهیات فطرت انسانی است؛ چرا که در جزء جزء این حادثه معانی بلندی چون: عزّت، بزرگواری، مناعت طبع، شجاعت، ایثار، مهربانی - حتی با دشمنان - احساس مسئولیت در برابر اسلام و مسلمانان، پایداری بر اصول، صبر و استقامت در برابر مصیبت‌ها و دردها و سختی‌ها، سعی و کوشش با تمام توان در راه هدایت مردم و نجات آنان، همچنین روابط بلند انسانی با خویشاوندان، دوستان، پیروان، رهبری، امت، اتباع دیگر ملت‌ها و اقوام مختلفی را که در کنار حضرت امام حسین \times بودند، می‌توان به خوبی مشاهده نمود.

چنین ارزش‌هایی چون در ساعت‌های سخت و در هنگامه محنت‌ها تجسم عینی و خارجی پیدا می‌کند و ابعاد و ویژگی‌های آن با خون و قربانی شدن ترسیم می‌گردد، مضمون و محتوایی تازه می‌یابد که با محتوای همین ارزش‌ها در شکل شعاری یا عمومی اش تفاوت قابل ملاحظه‌ای خواهد داشت.

بُعد سوم: حجم بالای فداکاری

حجم بالای کمی و کیفی این فداکاری و قربانی شدن در راه اسلام و

ساختار معنوی جماعت صالحان

مصالح والای امت اسلام، سومین نکته‌ای است که در این بحث می‌توان به آن اشاره نمود.

حادثه عاشورا از چنین امتیاز مهمی برخوردار است؛ آنجا که قربانی دادن در روز عاشورا منحصر به شهادت خود سید الشهداء × و فرزندان و برادران و اصحاب آن حضرت و به غارت رفتن اموال آنان نبود، بلکه در کنار آن، فدا کردن اهل و عیال و به اسارت دشمن رفتن آنان نیز مطرح بود. زنان حریم آن حضرت به اسارت دشمنان رفتند و عنایت خاص خداوندی شامل حال آنان گردید که از دیگر آثار و نتایج فاجعه بار اسارت در امان ماندند.

از طرف دیگر، حادثه عاشورا به فدا شدن مقام و اعتبار آنان نیز منجر گشته، نخبگان شایسته و دانشمندان و فضیله‌ای برجسته‌ای که در کنار امام حسین × بودند نیز در این راه فدا گردیدند؛ کسانی که هرکدام از آنها می‌توانست خود به مدرسه‌ای بزرگ در معرفت و اخلاق، و هدایتگری سترگ در میان امت تبدیل گردد.

انسان در راه جنگ و مبارزه با کفر و انحراف، چون با چنین خطراتی مواجه می‌شود به تردید مبتلا می‌شود و گاه ممکن است به جهت بیم از میزان بالای تلفات و بهای سنگین چنین اقدامی راه سکوت و تسلیم را در پیش گیرد، که بسیاری از افراد در طول تاریخ چنین نیز کرده‌اند. آنان افرادی بودند که در عین داشتن افکار صحیح، احساسات پاک و دید روشن، در برابر حجم بالای فشار دشمنان به تردید، توقف یا سقوط مبتلا می‌شدند.

نقش اهل بیت [^] در بنیان گذاری جماعت صالحان 2

این حقیقت را در بعضی از معاصران حضرت سید الشهدا X که از صالحان روزگار خود نیز محسوب می شدند نیز می بینیم؛ آنجا که بعضی از آنان مانند محمد بن حنفیه، عبدالله بن جعفر، و عبد الله بن عباس که از نزدیک ترین کسان به امام حسین به شمار می رفتند، به واسطه همین مسئله، آن حضرت را به عدم قیام علیه یزید نصیحت می کردند. آنان در باره حکومت و نظام حاکم همان دیدگاهی را داشتند که امام حسین X در باره آن داشت، اما در مسئله فداکاری و قربانی شدن و قربانی دادن در راه دین فاقد فهم و درکی بودند که امام حسین X از آن برخوردار بود.

بعد چهارم: حق طلبی آشکار

وضوح حق طلبی و مظلومیت در طرف امام حسین X همچنین وضوح باطل و تعدی در طرف مقابل یعنی یزید، نکته چهارمی است که می توان به آن اشاره کرد. امری که احساسات عمومی امت را به جنبش آورده آنان را به تعامل با حماسه حسینی و در آمیختن با اهداف آن وا می داشت. همین وضوح است که ضامن تحقق اهداف برنامه ریزی شده این نهضت است؛ آنجا که امام حسین X توانست از طریق یک برنامه تبلیغاتی خوب، پیام سیاسی قوی، فعالیت در سطح امت و پاسخگویی به نیازهای این مرحله، راه را برای نهضت خود هموار نماید. در نتیجه همین فعالیتها بود که امت، مستقیماً از آن حضرت تقاضا کردند تا خود شخصاً زمام امور خلافت را در دست گرفته و در برابر ستمگران قیام نماید. بدین ترتیب پایگاه مردمی نهضت از لحاظ روحی و فرهنگی مهیا و با آن همراه و هماهنگ

ساختار معنوی جماعت صالحان

گشته و اگر چه امت هنوز بدان سطح از اراده، شجاعت و عزم قوی نرسیده بود که در این نهضت در کنار آن حضرت به مبارزه بپردازد، اما به اهداف و خاستگاه‌های آن ایمان پیدا کرد.

شکی نیست که همراه شدن این عامل با نهضت امام حسین \times و حماسه عاشورا و مواجه شدن این نهضت با پیمان شکنی مردم و کمک نکردن به آن حضرت پس از آغاز قیام، تأثیر بسیار بزرگی در شعله‌ور شدن آتش و روح معنویت در جماعتی گردید که از این واقعه احساس گناه و پشیمانی کرده و همواره با حرص و ولع زیادی سعی بر این داشت که این تجربه دردناک دیگر هیچ وقت در سطوح مختلف آن تکرار نگردد.

البته لازم نیست که تنها کسانی که مستقیماً در این گناه شریک بودند به تعامل با این عامل بپردازند و احساس پشیمانی در آنها ایجاد شود، بلکه همه کسانی که شاهد این ماجرا بوده‌اند یا در طول زندگی خود در باره آن فکر کرده‌اند، با چنین احساسی تعامل داشته و به جهت از دست دادن فرصت مشارکت در این نهضت یا به دلیل رها کردن اوضاع سیاسی تا جایی که به این حد از انحطاط و تباهی برسد، به احساس پشیمانی مبتلا شده و از افتادن در دامی که دیگران در آن افتاده‌اند یا ادامه دادن راه آنها برحذر باشند.

بُعد پنجم: حماسه ای چند بُعدی

پنجمین نکته این است که این حماسه دارای ابعاد و جنبه‌های متفاوتی بوده، تنها در یک جنبه خلاصه نشده است. بلکه می‌توان گفت: این

نقش اهل بیت [^] در بنیان گذاری جماعت صالحان 2

نهضت حاوی همه نکاتی بوده که بشر در حوادث فاجعه بار طول تاریخ و در زندگی شخصی و اجتماعی خود با آن مواجه شده بود. از جمله این نکات که در رابطه با این فاجعه هولناک می توان به آنها اشاره نمود، موارد زیر می باشد:

کشته شدن فرزندان، برادران، خویشان، کودکان، جوانان، پیران، زنان، دوستان، دنباله روان، ناتوان ها، فرماندهان، سروران، دانشمندان، همچنین غارت اموال و لباس ها، اسارت، مُتله شدن اجساد، شکنجه های جسمی و روحی و تعدی مادی و معنوی با شکل های مختلف آن و امثال اینها. و تمام این ابعاد باعث شتاب و پویایی هرچه بیشتر روحی و معنوی آن رویداد بزرگ می گردید.

بعد ششم: شهادت طلبی

ششمین نکته، عزم و تصمیم قاطع افراد درگیر در این واقعه بر شهادت، فداکاری، ثبات قدم، پایداری در راه هدف و آمادگی برای همه گونه ایثار در راه آن است؛ حتی اگر این واقعه هفتاد بار تکرار شود.

یاران امام حسین × علی رغم اینکه شرایط سیاسی جامعه به روشنی خبر از کشته شدن و به بار آمدن چنین نتایجی می داد، و به خوبی می دانستند که این قیام قادر به سرنگون کردن نظام خلافت یزید نخواهد بود، اقدام به چنین کاری کردند.

از مطالعه کلمات حضرت امام حسین × و نصیحت هایی که معاصران آن حضرت نسبت به او ابراز می داشته اند و نتایجی که علی رغم

تلاش سریع و گسترده امام حسین \times در جهت زمینه سازی برای این حرکت با هدف باقی ماندن آثار معنوی آن، عملاً از واقعه کربلا حاصل شد، می توان این نوع برداشت و فهم از مسائل را به روشنی دریافت.

امام حسین \times و اصحاب آن حضرت، با استواری و زیبایی، شهادت را برگزیدند که این امر پویایی معنوی بالایی به این قیام می بخشد؛ چرا که هر شهادتی که با چنین اراده ای همراه باشد از تأثیر روحی و معنوی بالایی برخوردار خواهد بود.

بعد هفتم: پیامبر ' و فرزند رسالت

نکته هفتم این است که شهید واقعه عاشورا فرزند رسالت است که در دامن رسالت پرورش یافته. او پسر دختر رسول خدا '، همان کسی است که پیامبر اکرم ' از ابتدا عنایت ویژه ای نسبت به او مبذول می داشت؛ عنایت هدفمندی که با هدف ایجاد تأثیر برای این واقعه در جان مسلمانان ابراز می شد. و از آنجا که پیامبر اکرم جز حضرت امام حسن و امام حسین ' و خواهر گرامیشان حضرت زینب \div بازمانده دیگری نداشت، امام حسین \times در آن برهه از تاریخ اسلام تنها یادگار پیامبر اسلام ' بوده، در عین حال فرزند حضرت علی \times نیز بود که در میان همه مسلمانان از جایگاه ویژه ای برخوردار بود.

در کنار امام حسین \times نیز خاندان پاکی بودند، مانند فرزندان پدرش امیرالمؤمنین \times ، برادران، فرزندان، خواهران و اهل بیت پاک آن حضرت، و مجموعه ای از افراد سرشناس صالح و برگزیدگان پاکی که

نقش اهل بیت [^] در بنیان گذاری جماعت صالحان 2

همگی از اصحاب و مخلصان شناخته شده در میان مسلمانان بودند، که همه آنها تأثیر زیادی در ایجاد این درجه بالا از روح معنویت داشت.

* * *

[5] رابطه معنویت با بلا⁽¹⁾

پنجمین نکته‌ای که ترسیم کننده خطوط اصلی ایجاد جنبه روحی و معنوی توسط اهل بیت [^] است، این است که علاوه بر قربانی شدن ائمه [^] و تأکیدی که اهل بیت [^] از طریق تمرکز بر قضیه امام حسین [×] بر اصل فداکاری و قربانی شدن در راه هدف به خرج می‌دادند، می‌یابیم که آن حضرات در احادیث خود بر مسئله دیگری هم تأکید کرده‌اند و آن آثار و لوازم شیعه بودن و انتساب به اهل بیت [^] است که چیزی جز قرار گرفتن در معرض انواع بلاها و فتنه‌ها نیست.

سید رضی در نهج البلاغه چنین نقل کرده است که:

چون سهل بن حنیف انصاری که امیرالمؤمنین [×] او را بسیار دوست می‌داشت، پس از بازگشت از صفین در کوفه دار فانی را وداع کرد، آن حضرت فرمود: اگر کوهی مرا دوست بدارد فرو خواهد ریخت.

سید رضی ^ع این کلام آن حضرت را این گونه تفسیر کرده است که در اثر محبت آن حضرت انواع بلاها و محنت‌ها بر او سخت فرو خواهد ریخت و این کار جز در مورد پرهیزگاران آزادمرد و نیکان برگزیده انجام نخواهد

1. شماره (4) آن در صفحه (134) گذشت. [ویراستار].

گردید. این سخن آن حضرت مانند کلام دیگر آن حضرت است که فرمود:

من أحبنا أهل البيت فليستعد للفقير جلباباً.

هر کس که ما اهل بیت [^] را دوست بدارد باید که خود را برای فقر آماده کند.⁽¹⁾

بلکه می توان گفت که امتحان و بلا از امور لازم و ضروری برای ایمان به شمار می رود به گونه ای که امتحان و ابتلای هرکس نشان دهنده میزان و درجه ایمانی است که دارد.

(1) کلینی در کافی با سند معتبر از عبد الرحمن بن حجاج نقل می کند که گفت:

در نزد امام صادق \times از بلا و بلاهای ویژه مؤمنان سخن به میان آمد، آن حضرت فرمودند:

از پیامبر اکرم سؤال شد: چه کسی از میان مردم به بلاهای شدیدتری گرفتار آمده است؟

در پاسخ فرمودند: پیامبران، و پس از آنان، طبقات دیگر مردم، هر کدام به نسبت درجه ایمان بالاتری که دارند. و مؤمنان به مقدار ایمانی که دارند و اعمال خوبی که انجام می دهند به بلا مبتلا می شوند، بنابراین هرکس ایمان صحیح تری داشته، عمل بهتری انجام داده باشد، ابتلایش شدیدتر، و برعکس هرکه ایمان کمتری داشته از عمل ضعیف تری برخوردار باشد بلایش کمتر

تقش اهل بیت [^] در بنیان گذاری جماعت صالحان 2

است. (1)

(2) از امام باقر × روایت شده است که فرمود:

خداوند متعال با مؤمنان پیمان بسته است که همواره انواع بلاها را برای آنان بفرستد چنان که مرد به خانواده خود قول می‌دهد از سفر برایشان هدیه بیاورد. و همان گونه که طیب بیمار را از تناول مضرات، باز می‌دارد، خداوند نیز دنیا را از دسترس مؤمن دور می‌گرداند. (2)

(3) از حسین بن علوان از امام صادق × روایت شده که چون سدید در نزد آن حضرت بود، فرمود:

هرگاه خداوند بنده‌ای را دوست بدارد، وی را سخت در بلاها غوطه‌ور می‌نماید. ای سدید، ما و شما نیز شب و روز در همین حالت هستیم. (3)

ائمّه [^] همواره به شیعیان خود گوشزد می‌نمودند که شیعه بودن صفتی است که تنها کسانی لایق آن هستند که از آمادگی بالایی جهت فداکاری، ایثار و قربانی دادن در راه هدف برخوردار باشند، و اخلاص و راستی شیعیان خود را از این راه مورد آزمایش و امتحان قرار می‌دادند.

حضرت علی × به صالحان از اصحاب خود می‌فرمودند:

أنتم الأنصار علی الحق الإخوان فی الدین، والجئن یوم البأس، والبطانة دون

1. حر عاملی، وسائل الشیعه 2 / 906 ب 77 از ابواب الدفن، ح 1، چندین حدیث صحیح دیگر نیز با مضمون همین حدیث در همین باب موجود است.
2. حر عاملی، وسائل الشیعه 2 / 908 باب 77 از ابواب الدفن، ح 9.
3. حر عاملی، وسائل الشیعه 2 / 908 باب 77 از ابواب دفن، ح 11.

الناس، بكم أضرب المدبر و أرجوا طاعة المقبل، فأعينوني بمناصحة خلیة من الغش، سلیمة من الریب، فوالله إني لأولی الناس بالناس.

شما یاران حق و برادران دینی من می‌باشید، در روز جنگ چون سپر دور کننده ضربت‌ها، و در خلوت‌ها محرم اسرار من هستید. به یاری شما رویگردانان از حق را می‌زنم و فرمانبرداری روی آوردگان را امید می‌بندم، پس مرا با خیرخواهی خالصانه و مبرای از هر گونه شک و تردید یاری کنید. به خدا سوگند من به مردم از خودشان سزاوارتر هستم.⁽¹⁾

در همین حال احادیث بسیار دیگری از ائمه[ؑ] وارد شده که در آنها شیعیان خود را به فداکاری، ایثار و از خود گذشتگی در راه هدف و جهاد فی سبیل الله تشویق و ترغیب نموده‌اند. به نمونه‌هایی از این روایات توجه کنید:

یک: از ابوجمیله روایت است که گفت: امام صادق × فرمودند:

وصیت امیرالمؤمنین × به اصحابش چنین بود: بدانید، که قرآن در شب و روز مایه هدایت است و در شب تاریک با همه سختی‌ها و تهیدستی‌هایش روشنی بخش است (شاید مراد آن حضرت از شب تاریک دل سیاه افراد جاهل باشد که از کدورت سختی و تهیدستی بر روی حقایق بسته است)، پس هرگاه که بلایی دنیایی بر شما فرود آمد مال خود را فدای جانتان کنید، و هرگاه بلیه‌ای آخرتی بر شما نازل گردید جانتان را فدای دین خود کنید.

نقش اهل بیت [^] در بنیان گذاری جماعت صالحان 2

بدانید، که ناپود شده کسی است که دین خود را از دست داده باشد، و غارت شده کسی است که دینش به غارت رفته باشد.

بدانید، هرکس به بهشت دست یافت چنان بی نیاز می شود که دیگر فقر در او راه ندارد و هرکس به آتش جهنم مبتلا گردید به چنان فقری مبتلا شده که دیگر هرگز روی بی نیازی نخواهد دید؛ آتشی که اسیر آن هرگز آزاد نمی گردد و نایبای آن هرگز درمان نخواهد گردید.⁽¹⁾

دو: از حضرت امیرالمؤمنین × روایت است که فرمود:

اما بعد، همانا جهاد در راه خدا، دری از درهای بهشت است که خدا آن را به روی دوستان خاص خود گشوده است. جهاد لباس تقوا، زره محکم و سپر مطمئن خداوند است. کسی که جهاد را ناخوش داشته و آن را ترک کند، خداوند لباس ذلت و خواری بر اندامش پوشانده، دچار بلا و مصیبت شده، کوچک و ذلیل گشته، دلش در پرده گمراهی مانده، حق از او روی برمی گرداند و به جهت ترک جهاد به خواری محکوم و از عدالت محروم خواهد بود.⁽²⁾

سه: شیخ کلینی در کافی از امام صادق × روایت کرده است که فرمود:

سهمه خوبی ها در شمشیر نهفته و زیر سایه آن است، و مردم را جز شمشیر به پا نمی دارد و شمشیرها کلیدهای بهشت و جهنم هستند.⁽³⁾

1. کلینی، الکافی 2 / 216 باب سلامة الدين، ح 2.

2. نهج البلاغه / خطبه 27.

3. حر عاملی، وسائل الشیعه 11 / 5 ح 1، روایت صحیح السند بوده و روایات دیگر

چنین ارزش گذاری و درک وسیع از جهاد، بیان کننده معانی گسترده‌ای از جهاد بود، اما ائمه^ع به این مقدار اکتفا نکرده به شرح و بیان احکام آن پرداخته، در زندگی روزمره مفاهیم گسترده تری به آن بخشیدند که شامل سخن حق، رفتار برجسته و ممتاز و اتخاذ مواضع درست نیز می‌شد.

از طریق چنین تربیتی است که می‌بینیم یکی از ویژگی‌های اساسی که پیروان مکتب اهل بیت^ع بدان متصف بوده، دوست و دشمن بدان اعتراف دارند، همین روحیه بالا و آمادگی همیشگی برای فداکاری، قربانی دادن و قربانی شدن در راه هدف است. آنان به مدد همین ویژگی توانسته‌اند در مواجهه با شرایط سختی که امت با آن رو به رو بوده است این پویایی روحی را در امت اسلام زنده نگهدارند.

[6] صبر و مقاومت

نکته ششم، وجود روح مقاومت و صبر است. بدون تردید وجود روح مقاومت، پایداری، تحمل و صبر بر ناملازمات، دردها، و محنت‌ها از مهم‌ترین صفات معنوی است که جامعه را در درجه اول بقا و استمرار و در درجه دوم برای رهبری و پیشوایی دیگر جوامع اسلامی در پیش آمده‌ای کلی که برای آنها پیش می‌آید و بالأخره در درجه سوم به دست آوردن پیروزی و غلبه بر دشمنان، شایسته و سزاوار می‌گرداند.

لذا است که می‌بینیم قرآن کریم تأکید بسیار زیادی بر اهمیت صبر کرده، پیامبر اکرم^ص را به این امر مهم سفارش نموده و از تجربیات

نقش اهل بیت [^] در بنیان گذاری جماعت صالحان 2

پیامبران گذشته نمونه‌هایی به جهت عبرت آموزی در این زمینه نقل می‌نماید: خداوند متعال می‌فرماید:

{فَأَصْبِرْ كَمَا صَبَرَ أُولُو الْعَزْمِ مِنَ الرُّسُلِ}

پس همان گونه که پیامبران نستوه صبر کردند، صبر کن.⁽¹⁾

و فرموده:

{قَالَ الَّذِينَ يَظُنُّونَ أَنَّهُمْ مُلاقُوا اللَّهِ كَمْ مِّنْ فِئَةٍ قَلِيلَةٍ غَلَبَتْ فِئَةً كَثِيرَةً بِإِذْنِ اللَّهِ وَاللَّهُ مَعَ الصَّابِرِينَ * وَلَمَّا بَرَزُوا لِجَالُوتَ وَجُنُودِهِ قَالُوا رَبَّنَا أَخْرِغْ عَلَيْنَا صَبْرًا وَثَبِّتْ أَقْدَامَنَا وَانصُرْنَا عَلَى الْقَوْمِ الْكَافِرِينَ * فَهَزَمُوهُمْ بِإِذْنِ اللَّهِ}

کسانی که به دیدار خداوند یقین داشتند، گفتند: بسا گروهی اندک که بر گروهی بسیار، به اذن خدا پیروز شدند، و خداوند با شکیبایان است * هنگامی که با جالوت و سپاهیانش روبرو شدند، گفتند: پروردگارا، بر [دل های] ما شکیبایی فرو ریز، و گامهای ما را استوار دار، و ما را بر گروه کافران پیروز فرمای * پس آنان را به اذن خدا شکست دادند.⁽²⁾

ائم [^] سعی بسیاری به خرج دادند تا به این جنبه پرداخته، با روش‌های مختلفی که در احادیث، سفارشات و اقدامات عملی آن بزرگواران می‌توان آنها را یافت، روح پایداری و تحمل را در پیروان خود برانگیزند. در اینجا به نمونه‌هایی از این اقدامات اشاره می‌کنیم:

1. احقاف / 35.

2. بقره / 249 - 251.

1. تأکید بر اهمیت صبر و نقش آن در تکامل معنوی انسان و دستیابی وی به پیروزی در زندگی دنیوی و اجر و ثواب در زندگی اخروی. ائمه [^] این مهم را از راه توجه دادن شیعیان به تأکیدات قرآن کریم در این رابطه، یا با بیان احادیث و تأکید مستقیم بر صبر به انجام می‌رسانند؛ آنجا که احادیث بسیاری از ایشان در این زمینه نقل شده و در کتاب شریف **وسائل الشیعه** بابتی مستقل، به روایاتی که در باره این موضوع صادر گردیده اختصاص داده شده و البته احادیث پراکنده دیگری نیز در زمینه‌های متعدد وارد شده که به موضوع صبر نیز ارتباط پیدا می‌کند.

روشن است که ائمه [^] از طریق بیان این روایات قصد تقویت این جنبه را در پیروان خود داشتند.

در کتاب شریف **کافی** از حفص بن غیاث از حضرت امام صادق × روایت شده است که فرمود:

ای حفص، هرکس صبر پیشه کند کم صبر کرده و هر که بی تابی کند کم بی تابی کرده است.

(شاید مراد حضرت این باشد که چون صبر کردن یا صبر نکردن هر دو در ظرف زندگی مادی محدود دنیا و در محدوده زمانی نزول بلا واقع می‌شود، بر هر دو دسته زود می‌گذرد و در مدت طولانی و ابدی آخرت صبر کنندگان پاداش دائم می‌بینند و بی قراری کنندگان کیفر دائم خواهند یافت).

آن حضرت ادامه دادند:

نقش اهل بیت [^] در بنیان گذاری جماعت صالحان 2

بر تو باد به صبر در همه کارهایت، که خداوند محمد ' را به پیامبری مبعوث کرد و او را به صبر و مدارا فرمان داد و به او فرمود: {و بر آنچه می گویند شکبیا باش و از آنان با دوری گزیدنی خوش فاصله بگیر * و مرا با تکذیب کنندگان توانگر واگذار}

و فرمود: {یدی را} با آنچه خود بهتر است دفع کن؛ آنگاه کسی که میان تو و او دشمنی است، گویی دوستی یکدل می گردد * و این [خصلت] را جز آنان که شکبیا بوده اند نمی یابند و آن را جز صاحب بهره ای بزرگ نخواهد یافت {

پس پیامبر صبر کرد تا آنجا که او را با تهمت های سنگین (همچون جادوگری و دیوانگی) مورد اتهام قرار دادند و پیامبر بدین سبب اندوهگین و دلتنگ شد، خداوند نیز این آیات را نازل فرمود که: {و قطعاً می دانیم که سینه تو از آنچه می گویند تنگ می شود * پس با ستایش پروردگارت تسبیح گوی و از سجده کنندگان باش {

کافران باز هم آن حضرت را تکذیب کرده و نسبت های ناروا به حضرتش دادند و در مقابل خداوند هم باز این آیات را بر پیامبر خود نازل فرمود که: {به یقین، می دانیم که آنچه می گویند تو را سخت غمگین می کند. در واقع آنان تو را تکذیب نمی کنند، ولی ستمکاران آیات خدا را انکار می کنند * و پیش از تو نیز پیامبرانی تکذیب شدند، ولی بر آنچه تکذیب شدند و آزار دیدند شکبیایی کردند تا یاری ما به آنان رسید {

پیامبر نیز صبر پیشه کرد تا اینکه کافران کار را از حد گذرانده و خداوند متعال را به بدی یاد کرده و تکذیبش نمودند، اینجا بود که پیامبر اکرم ' طاقت نیاورده، فرمود: من در باره خود و خاندان و آبرویم صبر پیشه کردم اما نمی

توانم در برابر توهین به پروردگارم صبر و تحمل در پیش گیرم، و خداوند این آیه شریف را بر آن حضرت نازل فرمود:

{پس بر آنچه می گویند شکیبا باش} و پیامبر نیز در امتثال فرمان خداوند در همه احوال صبر را پیشه خود ساخت. سپس به آن حضرت نوید ظهور پیشوایان از عترت و خاندانش داده شد و خداوند متعال آنان را به صفت صبر خواند و وحی کرد که: {و چون شکیبایی کردند و به آیات ما یقین داشتند، برخی از آنان را پیشوایانی قرار دادیم که به فرمان ما [مردم را] هدایت می کردند}

در اینجا بود که پیامبر اکرم ' فرمود: نسبت صبر به ایمان مانند نسبت سر به بدن است، و خداوند از صبر پیامبر تشکر کرده و فرمود: {و به پاس آنکه صبر کردند، وعده نیکوی پروردگارت به فرزندان اسرائیل تحقق یافت، و آنچه را که فرعون و قومش ساخته و افراشته بودند، ویران کردیم}

پس از نزول این آیه پیامبر اکرم ' فرمودند: این بشارت و انتقام است و خداوند جنگ با مشرکان را بر وی مباح کرد و فرمود: {مشرکان را هر کجا یافتید بکشید و آنان را دستگیر کنید و به محاصره درآورید و در هر کمینگاهی به کمین آنان بنشینید* و هر کجا بر ایشان دست یافتید آنان را بکشید} و بدین ترتیب خداوند مشرکان را به دست پیامبر خود و دوستان او کشت و این امر را علاوه بر آنچه در آخرت برایش ذخیره کرده است، پاداش صبر او قرار داد.

پس هر کس که تنها برای رضای خداوند متعال صبر کند، علاوه بر اجر اخروی که خداوند متعال در قیامت برای او منظور و ذخیره خواهد نمود، از دنیا نمی رود مگر اینکه خداوند متعال با نابودی دشمنش چشمان او را روشن می گرداند.⁽¹⁾

1. کلینی، الکافی 2/ 88 - 89 ح 3، و به نقل از آن حر عاملی، وسائل الشیعه 11 / 207 ب 25 ح

تقش اهل بیت [^] در بنیان گذاری جماعت صالحان 2

و از امام صادق × روایت است که فرمود:

پیامبر اکرم ' فرمودند: زمانی بر مردم خواهد آمد که حکومت در آن زمان جز از راه کشتار و ستمگری به دست نیاید، ثروت نیز جز از طریق غصب مال مردم و بخل ورزیدن از پرداخت حقوق دیگران حاصل نشود، و محبوبیت جز با خارج شدن از دایره دین و پیروی کردن از هوای نفس به دست نیاید. هرکس چنین زمانی را درک کند و در حالی که می تواند از راه های غیر مشروع به ثروت، محبوبیت و جاه و مقام دست یابد اما بر فقر، عدم محبوبیت و خواری [ظاهری] صبر کند، خداوند متعال به او پاداش پنجاه تن از صدیقان که رسالت مرا تصدیق کرده باشند عطا خواهد نمود.⁽¹⁾

2. تفسیر بلا و محنت به اسباب تقرب به خداوند متعال و اینکه خداوند بنده ای را که مورد بلا و شدت قرار گرفته، برای این کار انتخاب کرده و برگزیده است: البته ائمه [^] در این زمینه خود اولین الگو و نمونه بوده اند و در بیان نکته پنجم احادیثی را در این باره خواهیم دید چنان که در نکته قبل هم روایاتی در این باب موجود بود.

3. بیان این مطلب که تسلیم و رضایت در برابر بلاها و امتحانات الهی نشان از درجه بالای ایمان به خدا دارد که جز بندگان خاص خدا به آن مرتبه دست نمی یابند؛ ایمانی که در جان انسان حالت رضایت، مقاومت و پایداری را به وجود می آورد:

اللهم فاجعل نفسي مطمئنة بقدرك راضية بقضائك... صابرة على نزول بلائك

1. کلینی، الکافی 2 / 91 ح 12، و به نقل از آن حر عاملی، وسائل الشیعه 11 / 208 ح 2.

خداوندا، جان مرا به قضای خود مطمئن و از قدر خود راضی گردان... شکیبیا بر فرو آمدن بلاهایت.⁽¹⁾

از امام صادق × روایت است که فرمود:

سر سلسله فرمانبرداری از خداوند متعال صبر و رضایت بنده از خداوند است در آنچه او را خوش یا ناخوش می دارد، و هیچ بنده ای از خداوند خود در آنچه خوش یا ناخوش می دارد راضی و خشنود نمی گردد، مگر اینکه خیر او در همین رضایت نهفته است.⁽²⁾

و از حضرت علی بن الحسین امام سجاد ' روایت شده که فرمود:

پارسایی دارای ده درجه است، بالاترین درجه زهد و پارسایی پایین ترین درجه ورع، و بالاترین درجه ورع پایین ترین درجه یقین، و بالاترین درجه یقین پایین ترین درجه رضا است.⁽³⁾

4- تأکید بر این نکته که سرنوشت پیروان اهل بیت [^] همان

سرنوشت خود آن بزرگواران است و آینده آنان به آینده خود ائمه [^] پیوند خورده است که در نکته دوم اشاره ای به این امر داشتیم.

5- بیان دقیق اجر و پاداش بزرگی که به جهت انتساب به اهل بیت [^]

و به تبع آن تحمل مشقات در این راه، در انتظار پیروان اهل بیت [^]

1. مفاتیح الجنان / زیارت امین الله.

2. کلینی، الکافی 2 / 60 ح 1.

3. کلینی، الکافی 2 / 62 ح 10.

نقش اهل بیت [^] در بنیان گذاری جماعت صالحان 2

می باشد و همین انتساب و تحمل مشقات راه است که باعث قبولی اعمال و نجات در روز قیامت است.

در کتاب مجالس شیخ مفید از علاء بن محمد نقل شده است که گفت:

از حضرت امام محمد باقر × از معنی آیه شریفه:

{ فَأُولَئِكَ يُبَدِّلُ اللَّهُ سَيِّئَاتِهِمْ حَسَنَاتٍ وَكَانَ اللَّهُ غَفُورًا رَحِيمًا }

پس خداوند بدی هایشان را به نیکی ها تبدیل می کند، و خدا همواره آمرزنده مهربان است.

سؤال کردم، فرمودند:

در روز قیامت مؤمن گنهکار را می آورند تا حساب به پا داشته شود، آنگاه خداوند متعال خود به حساب او رسیدگی کرده، کسی را از اعمال او باخیر نمی کند سپس گناهانش را یک به یک به اطلاع او می رساند، وقتی که بنده به گناهان خود اقرار و اعتراف نمود خداوند متعال به نویسندگان فرمان می دهد: همه گناهان او را به حسنات و خوبی ها تبدیل کنید و برای همه مردم آشکار کنید، در این هنگام مردم با تعجب به یکدیگر می گویند: این بنده خدا حتی یک گناه هم نداشته است، پس از آن خداوند متعال فرمان می دهد که او را به بهشت ببرند. این تأویل این آیه است اما این مقام صرفاً مخصوص شیعیان ما است. ⁽¹⁾

از حضرت امام رضا × نیز روایت شده است که فرمودند:

1. مفید، امالی 298 - 299 ح 8، طوسی، الامالی 72 - 73 ح 105، و به نقل از این دو کتاب، مجلسی، بحار الانوار 68 / 100 ح 4.

محبت ما اهل بیت کفاره گناهان است، خداوند متعال آنچه از مظالم بندگان خدا بر گردن محبان ما است تقبل خواهد نمود مگر مظالمی که انجام دهنده آنها به مؤمنان دیگر ضرر وارد کرده یا به آنان ستمی روا داشته باشد، آنگاه به گناهان او فرمان داده می شود: تبدیل به حسنات شوید.⁽¹⁾

در باب «الصفح عن الشیعه» از جلد 68 بحار روایات صحیح متعددی با همین مضمون وجود دارد و اگر این روایات را با احادیث ورع و اجتهاد که بر لزوم سخت کوشی در دین و پرهیز از گناهان دلالت دارد کنار هم بگذاریم چنین نتیجه می گیریم که انسان عضو جامعه شیعی تا به صفت تقوا و پرهیز از گناه و سخت کوشی در دین آراسته نباشد شیعه به حساب نمی آید، اما اگر با وجود این صفات، تصادفاً به ارتکاب گناهی مبتلا گردید به سبب ولایتی که دارد خداوند متعال گناهی را خواهد بخشید.

درمان فشارهای روحی

هفتمین نکته ای که ترسیم کننده خطوط اصلی ایجاد جنبه روحی و معنوی توسط اهل بیت [^] می باشد، اقدام در جهت خنثی کردن فشارهای روحی است که از ناحیه دشمنان بر افراد جماعت صالح تحمیل می گردید، همچنین آموزش کیفیت رو به رو شدن با جنگ های ظریف روانی، و تهاجمات سیاسی تبلیغاتی بود که پیروان اهل بیت [^] با آن مواجه می گردیدند.

در این زمینه - علاوه بر تحریکات و تشکیکاتی که دشمنان اهل

1. طوسی، الامالی 164 ح 274، و به نقل از آن بحار 68 / 100 ح 5.

نقش اهل بیت [^] در بنیان گذاری جماعت صالحان 2

بیت [^] و پیروان آنان، با هدف فشار بر شیعیان در باره حقانیت مکتب اهل بیت [^]، القا می کردند، همچنین محاصره سیاسی و اقتصادی و تعقیب و پیگرد آنان - باید دو نکته اساسی دیگر را که بر افراد این جماعت تأثیر منفی داشت، مورد بررسی قرار دهیم:

اول: کمی تعداد افراد این جماعت در برابر جمعیت انبوه مخالفان که اکثریت امت اسلام را شامل می گردید، خصوصاً در زمان خود ائمه [^] که جماعت صالح در عین کمی تعداد، در جوامع بسیار بزرگ اسلامی زندگی می کردند بدون اینکه دارای نظام یا جامعه‌ای مستقل باشند و به واسطه این مسئله، همواره احساس فشار روحی و نفسی می کردند.

این پدیده روحی منحصر به شیعیان اهل بیت [^] نبوده و همه گروه‌های کوچک مؤمن در طول تاریخ رسالت‌های الهی، به طور طبیعی با آن مواجه بوده‌اند. خداوند متعال در قرآن کریم این مشکل را این گونه حل کرده است که در آیات متعدد که در آنها از کمی و زیادی جمعیت‌ها سخن به میان آورده است، همواره تأکید می نماید که صلاح و حق در جانب اقلیت، و گمراهی و انحراف در جانب اکثریت است؛ مانند این آیه شریف:

{وَمَا أَكْثَرُ النَّاسِ وَلَوْ حَرَصْتَ بِمُؤْمِنِينَ}.⁽¹⁾

و بیشتر مردم - هر چند آرزومند باشی - ایمان آورنده نیستند.

و آیه دیگر:

ساختار معنوی جماعت صالحان

{وَقَلِيلٌ مِّنْ عِبَادِيَ الشَّكُورُ} (1)

و از بندگان من اندکی سپاسگزارند.

و آیه:

{وَمَا كَانَ أَكْثَرُهُمْ مُّؤْمِنِينَ} (2)

و[لی] بیشترشان ایمان آورنده نبودند.

و آیه:

{وَإِنَّ كَثِيرًا مِّنَ الْخُلَطَاءِ لَيَبْغِي بَعْضُهُمْ عَلَى بَعْضٍ إِلَّا الَّذِينَ ءَامَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ وَقَلِيلٌ مَّا هُمْ} (3)

و در حقیقت بسیاری از شریکان به همدیگر ستم روا می دارند، به استثنای کسانی که ایمان آورده و کارهای شایسته کرده اند، و اینها بس اندکند.

دوم: اتهام رافضی بودن و شکستن وحدت میان مسلمانان و مخالفت با جماعت آنان و دیگر اتهاماتی که تلاش داشت، جماعت صالح را به محاصره در آورده، آن را دور و غریبه و جدای از کلیت جامعه اسلامی بنمایاند؛ به ویژه که این اتهامات رفته رفته تحول پیدا کرده و به حکم به کفر جماعت صالح و انحراف و خارج شدن آنها از دین اسلام و اینکه آنان مستحق کشتن و تبعیدند، تبدیل گردید.

1. سبأ / 13.

2. شعراء / 67.

3. ص / 24.

نقش اهل بیت [^] در بنیان گذاری جماعت صالحان 2

پیداست که پیروان اهل بیت [^] در اثر این نوع اتهامات و تنگناها دچار فشار شدیدی می شدند.

ائمه [^] برای حل این دو مسئله گاه مستقیماً از طریق حل مسئله این دو عنوان، و گاه از راه بیان این مطلب که این افراد از جانب خداوند متعال برای این کار انتخاب شده و از تحمل این آزارها به اجر و پاداش بزرگی نایل می گردند؛ و تذکر این نکته که سرنوشت آنها با سرنوشت خود ائمه [^] در این زمینه یکی است، و اشاره به این مطلب که در قرآن کریم از افراد این جماعت سخن به میان آمده است، از شدت این فشارهای روحی بر پیروان خود می کاسته اند.

حال به ارائه نمونه هایی از روایاتی که با این مضمون وارد شده اند می پردازیم. در کتاب محاسن از عتیبه نیشکر فروش از امام صادق \times روایت شده است که فرمودند:

به خدا سوگند که خداوند خوب نامی به شما داده است، مادام که به سخنان ما عمل می کنید و ما را تکذیب نمی کنید. ⁽¹⁾

عتیبه گوید: چون من به امام صادق \times گفته بودم که مردی به من گفته است: مبادا که از رافضیان باشی! آن حضرت این سخن را به من فرمودند.

و از ابوبصیر روایت شده است که گفت:

به امام باقر \times عرض کردم: قربانت شوم، نامی است که ما را به آن می خوانند

1. برقی، المحاسن 1 / 256 ح 487، باب الرافضه، و به نقل از آن بحار 68 / 96 ح 1.

و حاکمان به واسطه آن ریختن خون، مصادره اموال و شکنجه دادن ما را بر خود مباح می شمارند.

آن حضرت فرمودند: کدام اسم؟

ابو بصیر گفت: رافضه. امام باقر × فرمودند:

هفتاد نفر از سپاهیان فرعون از فرمان فرعون سرپیچی کردند و به قوم موسی × گرویدند، و در میان قوم موسی × کسی در عبادت از این هفتاد نفر سختکوش تر و نسبت به حضرت هارون علاقه مندتر نبود. قوم موسی نیز این گروه را ((رافضه)) نامیدند، خداوند متعال نیز به موسی × وحی کرد که این نام را در تورات برای این افراد ثبت کن که من این نام را به آنها بخشیدم. پس این خداوند است که این نام را به شما بخشیده است.⁽¹⁾

و از علی بن عقبه بن خالد از پدرش روایت شده که گفت:

من و معلی بن خنیس به منزل امام صادق × وارد شدیم و آن حضرت در جایگاه خود نبودند، پس از لختی آن حضرت در حالی که دستار بر سر نداشت، از اندرونی و نزد زنان خارج شده و به نزد ما آمد،

هنگامی که نگاه آن حضرت به ما افتاد فرمود: خوش آمدید، سپس نشست و فرمود

شما همان خردمندانی هستید که در قرآن از آنها یاد شده و خداوند متعال فرموده: {تنها خردمندانند که عبرت می گیرند} پس موده باد بر شما که شما از جانب

1. برقی، المحاسن 1 / 257 ح 489 و به نقل از آن بحار 68 / 97 ح 3.

نقش اهل بیت [^] در بنیان گذاری جماعت صالحان 2

خداوند بر سر دوراهی قرار گرفته اید که هر دو سوی آن به خوبی ختم می شود، آگاه باشید که اگر شما باقی بمانید تا آنچه را که برای دیدنش انتظار می کشید، ببینید خداوند دل هایتان را خنک کرده و خشم دل هایتان را خواهد برد و شما را بر دشمنان پیروز خواهد گرداند و این سخن خداوند است که: {و دل های گروه مؤمنان را خنک می گرداند * و خشم دل هایشان را ببرد} و اگر پیش از فرارسیدن چنین روزی چشم از جهان فرو بندید، بر دین خدا از دنیا رفته اید؛ همان دینی که برای پیامبر خود ' برگزیده و وی را بر اساس آن مبعوث گردانیده است.⁽¹⁾

از محمد بن اسحاق ثعلبی نیز روایت شده که گفت: از حضرت جعفر بن محمد، امام صادق ' شنیدم که فرمود:
نحن خیرة الله من خلقه، و شیعتنا خیرة الله من أمة نبيه.

ما برگزیدگان خداوند از میان خلقش هستیم و شیعیان ما برگزیدگان خداوند از میان امت پیامبرش هستند.⁽²⁾

همچنین از محمد بن قیس و عامر بن سمط از امام محمد باقر × روایت است که فرمود:

پیامبر اکرم ' فرمودند: در روز قیامت گروهی می آیند که جامه هایی از نور بر تن دارند، چهره هایشان نورانی، و بر پیشانی های آنان نشانه سجده آشکار است،

1. برقی، المحاسن 1 / 272-273 ح 137 و به نقل از آن بحار 68 / 93 ح 35 و آیات در: رعد / 19 و توبه / 14-15.

2. طبری امامی، بشارة المصطفی 32 ح 17 و به نقل از آن بحار 68 / 43 ح 88.

آنان صف به صف از کنار اهل محشر می گذرند تا در مقابل پروردگار جهانیان قرار می گیرند و پیامبران و فرشتگان و شهدا و صالحان به حال آنان غبطه می خورند... اینها شیعیان ما هستند و پیشوایشان علی است.⁽¹⁾

از ابوبصیر نیز روایت شده که گفت: از حضرت صادق ' شنیدم که می فرمود:

ما اهل بیت رحمت، خاندان نعمت، خاندان برکت و شالوده و بنیان زمین هستیم و شیعیان ما دستاویزهای اسلام هستند، دعوت ابراهیم جز برای ما و شیعیان ما نبوده است و خداوند تا روز قیامت ما را از میان کسانی که شیطان فریبشان می دهد مستثنی کرده و فرموده است: {در حقیقت، تو را بر بندگان من تسلطی نیست}.⁽²⁾

و از ابن عباس روایت شده که گفت:

چون آیه: {إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ أُولَٰئِكَ هُمْ خَيْرُ الْبَرِيَّةِ}⁽³⁾

نازل گردید، پیامبر اکرم ' فرمودند:

ای علی، مراد از این آیه تو و شیعیان تو هستید، تو و شیعیانت در روز قیامت راضی و مورد رضایت وارد محشر می شوید.⁽⁴⁾ و دشمنان تو خشمگین و

1. صدوق، فضائل الشيعة 30 - 31، ح 26، و به نقل از آن بحار 68 / 68 ح 123.
2. تفسیر عیاشی 2 / 243 ح 18 و به نقل از آن مجلسی، بحار الانوار 68 / 35 - 36 ح 75.

3. در حقیقت کسانی که گرویده و کارهای شایسته کرده اند، آنانند که بهترین آفریدگانند.
4. (یعنی آنان مصداق آیه {رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمْ وَرَضُوا عَنْهُ}؛ خدا از آنان خشنود است

عبوس به صحرای محشر در می آیند.⁽¹⁾

شعله خاموش نشدنی امید

هشتمین نکته، شعله‌ور نگاه داشتن امید به آینده و ابقای روحیه خوش بینی و چشم داشتن به تکامل حرکت در اثر تحمل دردها و سختی‌ها است. این خود عاملی مؤثر برای بقا و استمرار همه حرکت‌ها و به ثمر رسیدن آنها می‌باشد.

شکی نیست که هر حرکتی که بخواهد باقی و پایدار مانده، به اهداف مورد نظر خود نایل آید، به ناچار باید این روحیه را در افراد خود ایجاد نموده و آتش امید را همواره در دل آنان زنده نگاه دارد.

به همین جهت است که می‌بینیم رسالت اسلام در مراحل مختلف، مسلمانان را به احساس امیدواری تشویق کرده، یأس و ناامیدی را - هر چه شرایط سخت و موانع و دردها در راه موجود باشد - تحریم نموده است. خداوند متعال فرماید:

{حَقِّ إِذَا اسْتَيْسَسَ الرَّسُلُ وَظَنُّوا أَنَّهُمْ قَدْ كَذَّبُوا جَاءَهُمْ نَصْرًا فَتَجَيَّي مَن نَّشَاءُ وَلَا يُرَدُّ بَأْسَنَا عَنِ الْقَوْمِ الْمُجْرِمِينَ} ⁽²⁾

و [آنان نیز] از او خشنود). هستند)

1. طوسی، الامالی / 405 - 406 ح 909 و 671 ح 1414 با کمی اختلاف در الفاظ، تفسیر طبری 30 / 171، الدر المنثور 8 / 589، چاپ دار الفکر، الصواعق المحرقة / 161.

2. یوسف / 110.

تا هنگامی که فرستادگان [ما] نومید شدند و [مردم] پنداشتند که به آنان واقعاً دروغ گفته شده، یاری ما به آنان رسید. پس کسانی را که می خواستیم، نجات یافتند، و الی [عذاب ما از گروه مجرمان برگشت ندارد.

و نیز فرموده است:

{أَمْ حَسِبْتُمْ أَنْ تُدْخَلُوا الْجَنَّةَ وَلَمَّا يَأْتِكُمْ مَثَلُ الَّذِينَ خَلَوْا مِنْ قَبْلِكُمْ مَسْتَهْتُمُ
الْبُأْسَاءَ وَالضَّرَّاءَ وَزُلْزَلُوا حَتَّى يَقُولَ الرَّسُولُ وَالَّذِينَ آمَنُوا مَعَهُ مَتَى نَصُرَ اللَّهُ أَلَا
إِنَّ نَصَرَ اللَّهِ قَرِيبٌ}

آیا پنداشتید که داخل بهشت می شوید و حال آنکه هنوز مانند آنچه بر [سر]
[پیشینیان شما آمد، بر [سر] شما نیامده است؟ آنان دچار سختی و زیان شدند و
به [هول و] تکان درآمدند، تا جایی که پیامبر [خدا] و کسانی که با وی ایمان
آورده بودند گفتند:

((پیروزی خدا کی خواهد بود؟)) هشدار، که پیروزی خدا نزدیک است.⁽¹⁾

پیامبر اکرم ' چنان که در تاریخ جنگ احد و خندق آمده است، در
سخت‌ترین شرایط و محنت‌ها، با یاران خود از فتح کشورهای کسری
و قیصر (ایران و روم) سخن گفته است.

دشمنان اسلام، و بیماردلان منافق نیز همواره سعی می کردند تا برای
رسیدن به اهداف شوم خود در دل مؤمنان بذر یأس و ناامیدی کاشته،
شک و شبهه در جان آنان بیاندازند، - خداوند متعال در سوره مبارکه

نقش اهل بیت [^] در بنیان گذاری جماعت صالحان 2

احزاب به همین نکته اشاره فرموده است - چرا که به مجرد خاموش شدن نور امید و راهیابی یأس در دلها، انسان تن به شکست داده در برابر فشارها تسلیم می شود و یأس به مثابه سلاحی کشنده برای او در می آید. جنگ های روانی همواره بر یک هدف اساسی متمرکز بوده اند و آن خاموش کردن روح امید در احساسات انسانی است.

اهل بیت [^] برای حل این معضل روش های متعددی داشته اند که می شود آنها را در نکاتی که پیشتر بیان کردیم پیدا کرد. اما مهم ترین نکته ای که در این زمینه می توان به آن اشاره نمود مسئله انتظار ظهور امام قائم - عجل الله فرجه - است؛ آنجا که ائمه [^] در رابطه با امام منتظر تنها به مجرد طرح این حقیقت و اینکه از پیروان خود بخواهند که به او ایمان داشته باشند، بسنده نکرده و همیشه سعی می کردند شیعیان خود را طوری بار بیاورند که در همه عصرها حتی در عصر خود ائمه [^] با حالت انتظار حقیقی ظهور و قیام امام عصر - عجل الله فرجه - زندگی کنند؛ به گونه ای که پیروان اهل بیت [^] همواره با این احتمال می زیسته اند که ممکن است هر کدام از ائمه [^] همان امام قائم به امر باشد؛ امری که عاملی روحی و حرکت آفرین و امیدی بزرگ در جهت رسیدن پیروزمندانه به اهداف و غلبه کردن بر اوضاع اجتماعی فاسد و اصلاح انحرافات عقیدتی و اخلاقی جامعه را در جماعت صالح بر می انگیزد.

البته طرح این مسئله آثار منفی هم در زندگی جماعت صالح داشت که در بعضی از برهه ها در عصر ائمه [^] نیز به وقوع پیوست؛ آنجا که برخی معتقد شدند امام حاضر در زمان آنها همان امام قائم به امر خدا است و

به همین دلیل در صورت مرگ آن امام، آمادگی پذیرش و باور خیر وفات و شهادت او را نداشتند. به عنوان مثال می توان به قضیه‌ای اشاره کرد که در باره حضرت امام موسی بن جعفر¹ اتفاق افتاده است.

حرکت سیاسی آن حضرت از چنان قدرتی برخوردار بوده است که برخی از اصحاب آن حضرت معتقد شدند که ایشان همان امام منتظر و قائم به امر خدا هستند، و چون آن حضرت در زندان مسموم شده و به شهادت رسیدند، این دسته از اصحاب شهادت ایشان را باور نکرده و این عدم باور، به اعتقاد توقف بر امامت آن حضرت (یعنی عدم جانشینی کسی برای آن حضرت) منجر گردید و پس از شهادت آن بزرگوار در میان جماعت صالح مشکلی ایجاد شد و جماعت صالح به دو دسته تقسیم شدند: گروهی که به امامت حضرت امام رضا¹ پس از پدرش ایمان آوردند و گروهی که بر امامت امام کاظم × توقف نمودند (واقفیه). البته حضرت رضا × بعدها توانستند بر این گروه غلبه کنند.⁽¹⁾

این آثار منفی به سرعت از میان رفته و ائمه[^] به دلیل توانایی بالایی که در اقناع اصحاب خود داشتند و حقیقت آن بزرگواران همواره روشن بوده است به زودی توانستند بر این امواج غلبه کنند و با خنثی کردن اثرات منفی، اثرات مثبت طرح این نظریه را در جامعه حفظ نمایند.

1. ما این شرایط را در هنگام بیان احوال و شرایط زمانی هر يك از ائمه[^] در یکی از مجلدات این مجموعه خواهیم آورد.

نقش اهل بیت [^] در بنیان گذاری جماعت صالحان 2

بر این اساس، انتظار فرج به یک عبادت بدل گردید؛ عبادتی که به فرموده پیامبر اکرم ' برتر از همه عبادت‌ها است و فرزندان جماعت صالح با این عبادت خو گرفته و بر اساس آن به فعالیت می‌پرداختند و از همین رو است که زمینه سازی برای ظهور نیز یکی از علایم ویژه این انتظار و یکی از عوامل مؤثر در حرکت به سوی اقامه حکومت عدل مطلق در تاریخ این جماعت به شمار می‌آید.

شاید بیشترین تأثیر گذاری در این جنبه روحی که ویژه این جماعت است را مسئله حضرت مهدی - عجل الله فرجه - و تأکید بر خصوصیات آن و کیفیت انتظار در غیبت صغری و کبری داشته باشد؛ اثری که هم اکنون نیز شاهد آن هستیم و مانند آن را در دیگر فرقه‌های اسلامی نمی‌بینیم، البته نه به این جهت که آنان به جریان حضرت مهدی - عجل الله فرجه - ایمان ندارند که این مسئله مورد قبول همه فرق مسلمانان بوده، هیچ یک از فرقه‌های اسلامی در اصل وجود آن اختلافی ندارند، بلکه به جهت اینکه تأکید، ممارست و برقرار کردن ارتباط با این قضیه، همچنین اعتقاد به زنده بودن حضرت مهدی - عجل الله فرجه - در این سطح و با این شکل در زندگی اعتقادی هیچ یک از دیگر فرقه‌های اسلامی یافت نمی‌شود.

خوب است حال که بحث به اینجا کشید، از این دیدگاه به صورت خلاصه به مسئله حضرت مهدی - عجل الله فرجه - و آثار روحی و معنوی آن بپردازیم.

مسئله حضرت مهدی ×

ساختار معنوی جماعت صالحان

مسئله حضرت مهدی - عجل الله فرجه - مانند مسئله امام حسین × در ساختار طایفه امامیه از ابعاد متعدد عقیدتی، اخلاقی، فرهنگی و معنوی برخوردار بوده که بحث در باره آنها بسیار گسترده است.⁽¹⁾ آنجا که این واقعه، تفسیر تاریخ بر اساس نظریه قرآنی است که وراثت زمین را از آن بندگان صالح خداوند می‌داند.

خداوند متعال فرموده است:

1. بررسی قضیه حضرت مهدی - عجل الله فرجه - نیازمند تحقیق در چندین زمینه متفاوت است:

جنبه عقیدتی و شناخت و تصور آن حضرت و اقامه دلیل بر وجود او و تفسیر این پدیده بی نظیر در جوامع بشری.

جنبه فرهنگی که با فرهنگ تفکر امامت و تکامل آن ارتباط داشته و با تئوری امامت معصوم و استمرار این امامت و تقید به اطاعت از دستورات و راهنمایی‌های وی همسو بوده و بدین ترتیب در متن مؤسسات و روش‌های فرهنگی داخل می‌شود.

جنبه تاریخی که با زندگی آن حضرت و شرایط سیاسی آن و علامت‌های ظهور او و آینده حرکت بشری به دست او ارتباط پیدا می‌کند.

جنبه اخلاقی، که با اخلاق انتظار رابطه دارد.

جنبه معنوی، که در این مبحث قصد پرداختن به آن را داریم و می‌دانیم که گاه با جنبه اخلاقی نیز تداخل پیدا می‌کند.

در اینجا می‌توان به صدها کتاب نیز اشاره کرد که در باره موضوع حضرت مهدی - عجل الله فرجه - به رشته تحریر در آمده است و می‌توان برای کسب اطلاعات بسشتر به آنها مراجعه نمود، از آن جمله است کتاب بی نظیر و کم حجمی که آن را استاد شهید، حضرت آیه الله العظمی سید محمد باقر صدر، تحت عنوان: «بحث حول المهدي >» به رشته تحریر در آورده اند.

نقش اهل بیت [^] در بنیان گذاری جماعت صالحان 2

{وَلَقَدْ كَتَبْنَا فِي الزَّبُورِ مِنْ بَعْدِ الذِّكْرِ أَنَّ الْأَرْضَ يَرِثُهَا عِبَادِيَ الصَّالِحُونَ} (1)

و در حقیقت، در زبور پس از تورات نوشتیم که زمین را بندگان شایسته ما به ارث خواهند برد.

نیز فرموده‌اند:

{وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ كَمَا اسْتَخْلَفَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ وَلَيُمَكِّنَنَّ لَهُمْ دِينَهُمُ الَّذِي ارْتَضَى لَهُمْ وَلَيُبَدِّلَنَّهُمْ مِنْ بَعْدِ خَوْفِهِمْ أَمْنًا يَعْبُدُونَنِي لَا يُشْرِكُونَ بِي شَيْئًا} (2)

خدا به کسانی از شما که ایمان آورده و کارهای شایسته کرده اند، وعده داده است که حتماً آنان را در این سرزمین جانشین [خود] قرار دهد؛ همان گونه که کسانی را که پیش از آنان بودند جانشین [خود] قرار داد، و آن دینی را که برایشان پسندیده است به سودشان مستقر کند، و بیمشان را به ایمنی مبدل گرداند، [تا] مرا عبادت کنند و چیزی را با من شریک نگردانند.

حال، آنچه در این مبحث برای ما اهمیت بیشتری دارد بررسی جنبه روحی و معنوی مسئله قیام جهانی حضرت مهدی - عجل الله فرجه - آن هم به اندازه‌ای است که به فهم ما از روش کار ائمه [^] در ایجاد جنبه معنوی شیعیان کمک کند.

مسئله حضرت مهدی - عجل الله فرجه - از دیدگاه پیروان و شیعیان اهل بیت [^] تجسم عینی و زنده همان حقیقت تاریخی است که پیشتر بیان

1. انبیا / 105.

2. نور / 55.

کردیم، و تنها در سطح آینده نیامده‌ای که نمی‌توان برایش حسابی باز کرد نبوده، بلکه حقیقتی در سطح زندگی روزمره مردم جریان داشته و آینده آنان را از طریق وجود شریف حضرت مهدی - عجل الله فرجه - و زنده بودن آن حضرت در زمان حال شکل می‌دهد؛ زیرا که آنان اعتقاد دارند، آن حضرت به دنیا آمده و هم اکنون زنده است و در میان جامعه زندگی کرده، همه شرایط سخت زمان حال را که مسلمانان با آن رو به رو هستند، با تمام وجود احساس کرده، همه تجربیات انسانی و اجتماعی که بشریت کسب کرده و با آنها تعامل دارد را مشاهده می‌نماید تا بتواند در آینده حرکت خود حکومت عدل مطلق را برقرار نماید.

این اعتقاد می‌تواند به دیدگاه تاریخ انسانی و فهم سنت‌های الهی در تاریخ که قرآن کریم از آنها سخن به میان آورده است وضوح بیشتری ببخشد.

انسان مؤمنی که در معرض بلاها و مصیبت‌ها قرار می‌گیرد، گاه ممکن است در پیدا کردن مصداق واقعی حقایق و سنن تاریخی که قرآن کریم از آنها سخن به میان آورده، در دل دچار شک و شبهه، یا نوعی پیچیدگی و ابهام شود؛ مانند سنت پیروزی نهایی صالحان، یا سنت پیروزی حق بر باطل که در قرآن کریم بدین گونه بیان شده است:

{وَقُلْ جَاءَ الْحَقُّ وَزَهَقَ الْبَاطِلُ إِنَّ الْبَاطِلَ كَانَ زَهُوقًا} (1)

و بگو: حق آمد و باطل نابود شد. آری، باطل همواره نابودشدنی است.

{إِنَّا لَنَنْصُرُ رُسُلَنَا وَالَّذِينَ آمَنُوا فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَيَوْمَ يَقُومُ الْأَشْهَادُ} (1)

نقش اهل بیت [^] در بنیان گذاری جماعت صالحان 2

در حقیقت، ما فرستادگان خود و کسانی را که گرویده اند، در زندگی دنیا و روزی که گواهان برپای می ایستند قطعاً یاری می کنیم.

و {هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَىٰ وَدِينِ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ} (2)

او کسی است که پیامبرش را با هدایت و دین درست، فرستاد تا آن را بر هر چه دین است پیروز گرداند.

یا سنت جا به جایی در جامعه‌های انسانی:

{يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا مَنْ يَرْتَدَّ مِنْكُمْ عَنْ دِينِهِ فَسَوْفَ يَأْتِي اللَّهَ بِقَوْمٍ يُحِبُّهُمْ وَيُحِبُّونَهُ أَذِلَّةٌ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ أَعِزَّةٌ عَلَى الْكَافِرِينَ يُجَاهِدُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَ لَا يَخَافُونَ لَوْمَةَ لَائِمٍ ذَلِكَ فَضْلُ اللَّهِ يُؤْتِيهِ مَن يَشَاءُ وَاللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ} (3)

ای کسانی که ایمان آورده اید، هر کس از شما از دین خود برگردد، به زودی خدا گروهی [دیگر] را می آورد که آنان را دوست می دارد و آنان [نیز] او را دوست دارند. [اینان] با مؤمنان، فروتن، [و] بر کافران سرفرازند. در راه خدا جهاد می کنند و از سرزنش هیچ ملامتگری نمی ترسند. این فضل خداست. آن را به هر که بخواهد می دهد، و خدا گشایشگر داناست.

و {وَإِنْ تَوَلَّوْا يَسْتَبَدِلْ قَوْمًا غَيْرَكُمْ ثُمَّ لَا يَكُونُوا أَمْثَالَكُمْ}

و اگر روی برتائید [خدا] جای شما را به مردمی غیر از شما خواهد داد که مانند

1. مؤمن / 51.

2. توبه / 33.

3. مائده / 54.

شما نخواهند بود.⁽¹⁾

همچنین است سنت ارتباط میان پرهیزگاری جامعه و نازل شدن خیرات و برکات، مثل این آیه:

{وَلَوْ أَنَّ أَهْلَ الْقُرَىٰ ءَامَنُوا وَ اتَّقَوْا لَفَتَحْنَا عَلَيْهِم بَرَكَاتٍ مِّنَ السَّمَاءِ وَ الْأَرْضِ وَ لَكِن كَذَّبُوا فَأَخَذْنَاهُم بِمَا كَانُوا يَكْسِبُونَ} ⁽²⁾

و اگر مردم شهرها ایمان آورده و به تقوا گراییده بودند، قطعاً برکاتی از آسمان و زمین برایشان می گشودیم، ولی تکذیب کردند؛ پس به [کیفر] دستاوردها [گریبان] آنان را گرفتیم.

یا سنت جهت گیری فطری انسان به سوی تکامل و ایمان به خداوند متعال مثل این آیه:

{فَأَقِمْ وَجْهَكَ لِلدِّينِ حَنِيفًا فِطْرَتَ اللَّهِ الَّتِي فَطَرَ النَّاسَ عَلَيْهَا لَا تَبْدِيلَ لِخَلْقِ اللَّهِ ذَلِكَ الدِّينُ الْقَيُّمُ وَ لَكِن أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَعْلَمُونَ} ⁽³⁾

پس روی خود را با گرایش تمام به حق، به سوی این دین کن، با همان سرشتی که خدا مردم را بر آن سرشته است. آفرینش خدای تغییرپذیر نیست. این است همان دین پایدار، ولی بیشتر مردم نمی دانند.

یا این حقیقت که انسان جانشین خدا در زمین است و خداوند او را برای

1. محمد / 38.

2. اعراف / 96.

3. روم / 30.

نقش اهل بیت [^] در بنیان گذاری جماعت صالحان 2

جانشینی خود در زمین بر فرشتگان ترجیح داده است مثل این آیه:

{وَ إِذْ قَالَ رَبُّكَ لِلْمَلَائِكَةِ إِنِّي جَاعِلٌ فِي الْأَرْضِ خَلِيفَةً قَالُوا أَتَجْعَلُ فِيهَا مَنْ يُفْسِدُ فِيهَا وَيَسْفِكُ الدِّمَاءَ وَ نَحْنُ نُسَبِّحُ بِحَمْدِكَ وَ نُقَدِّسُ لَكَ قَالَ إِنِّي أَعْلَمُ مَا لَا تَعْلَمُونَ} (1)

و چون پروردگار تو به فرشتگان گفت: ((من در زمین جانشینی خواهم گماشت))، [فرشتگان] گفتند: ((آیا در آن کسی را می گماری که در آن فساد انگیزد، و خونها بریزد؟ و حال آنکه ما با ستایش تو، [تو را] تنزیه می کنیم؛ و به تقدیست می پردازیم)). فرمود: ((من چیزی می دانم که شما نمی دانید)).

هنگامی که انسان آلام، محنتها و فسادی که زمین را در بر گرفته است مشاهده نموده و می بیند که امر به معرف و نهی از منکر به فراموشی سپرده شده است، تمام این سنتها و حقایق در ذهن او با یک علامت سؤال بزرگ مواجه می شود.

اما وقتی حقیقت وجود حضرت مهدی - عجل الله فرجه - را نصب العین خود قرار می دهد و اعتقاد پیدا می کند که او همه این آرزوها را تحقق بخشیده و مصداق واقعی این سنن و حقایق را به منصف ظهور خواهد آورد، دیدگاهش نسبت به این مسائل بسیار روشن خواهد گردید.

در کنار این جنبه می‌توان در قضیه حضرت مهدی - عجل الله فرجه - که در ساختار جماعت امامیه نقش محوری دارد، مسائل معنوی ذیل را نیز یافت:

شفافیت تکلیف: شفاف شدن احساس وظیفه در برابر مسئولیت واجب الهی و تکلیف شرعی در هنگام پرداختن به فعالیت‌های مختلف اسلامی و دینی؛ چون انسان مؤمن به حضرت مهدی - عجل الله فرجه - وجود آن حضرت، همیشه احساس می‌کند که اعمال، خدمات، مجاهدات، فداکاری‌ها و قربانی دادن‌های خود را در زیر پرچم مبارک و تحت عنایت مخصوص آن حضرت به انجام می‌رساند.

این شفافیت توان معنوی مضاعفی برای کار و فعالیت این شخص به او می‌بخشد؛ همان توان معنوی که مجاهدان زیر پرچم پیامبران مستقیماً از آن برخوردار بودند؛ آنان که توانستند به مدد همین توان معنوی به پیروزی‌های بزرگ دست یافته، تغییرات گسترده و فراگیر در جامعه انسانی ایجاد کنند. چرا که هرچه احساس نزدیکی به حقیقت ربانی و عنایت الهی و نیروی واقعی که همان دست قدرت خداوند است بیشتر شود، انسان خود را به پیروزی و ادای بزرگ‌ترین وظیفه خود نزدیک‌تر احساس می‌کند، و شکی نیست که احساس عنایت مستقیم امام معصوم و انتساب به آن وجود مقدس در حرکت و فعالیت، احساس نزدیکی به خدا، عنایت او و اطاعت از فرمان او می‌باشد.

حفظ ارزش‌های الهی: حفاظت از اصول، ارزشها و معیارهای ربانی در مسیر راه، و تلاش پیوسته در راه به دست آمدن کمال

نقش اهل بیت [^] در بنیان گذاری جماعت صالحان 2

انسانی به دور از مفاهیمی چون سود و زیان دنیوی، درآمد مادی و رسیدن به قدرت، تسلط و سیطره.

از آنجا که این حرکت که از یک سو به خدا و رسالت الهی - که از مصادیق جهان غیب به شمار می روند - و از دیگر سو به حضرت مهدی - عجل الله فرجه - که از جهان شهود است - منسوب می باشد، و حضرت مهدی هم کسی است که بزرگ ترین نقش را در تاریخ انسان ایفا می کند - که همان بر پا کردن حکومت عدل مطلق الهی است - و این معانی باید از آن حضرت و اهداف لازم الوقوع وی سرچشمه بگیرد، احساس این معانی نیز باید از عمق و رسوخ کافی برخوردار باشد. این گونه است که انسان مؤمن به آن حضرت، در طول راه، این روح اصول گرایی بالا را که بر پایه ارزش ها و معیارهای بلند انسانی استوار است، با خود حفظ خواهد کرد.

روح صبر و ثبات: ایجاد روحیه صبر و استواری و از این رهگذر رسیدن به تکامل و الگو گرفتن در تحمل مصیبت ها و امتحانات؛ چرا که نفس وجود حضرت مهدی - عجل الله فرجه - خود بهترین و بزرگ ترین الگوی صبر و استواری است؛ آنجا که شاهد همه محنت ها و آلامی است که در طول زندگی طولانی خویش با آنها مواجه است، از آنها متأثر می شود، و طبیعتاً با آنها می سازد و در عین حال برای دستیابی به اهداف بزرگ خویش در راه خدا بر همه این آلام و محنت ها صبر می نماید و در انتظار دست دادن فرصت مناسب برای ایفای نقش بزرگ خویش است. این از یک جهت.

از جهت دیگر، یکی از جنبه‌های غیبت طولانی آن حضرت این است که در طول این مدت طولانی و در اثر تحمل بلاها و سختی‌ها به تکامل رسیده، حرکت اسلامی او نیز در اثر تجربه‌ها و مصیبت‌هایی که با آن مواجه می‌گردد کامل گردد؛ بدان سان که قادر به ایفای این نقش گردد که در تاریخ بشر بی نظیر است، اوضاع سیاسی، اجتماعی، فکری، و روحی بشر نیز بدینوسیله، شایستگی رفتن در تحت چنین حکومتی را پیدا نماید.

همه این موارد باهم، توانایی فراوان و روحیه عالی معنوی صبر و استواری و استفاده از آن در مسیر تکامل انسانی را به انسان مؤمن به آن حضرت منتقل می‌کند.

کمک به برپایی عدالت: اینکه انسان مؤمن به حضرت مهدی - عجل الله فرجه - این مطلب را درک کند که: کار به ظاهر ساده‌ای که در زندگی خود به انجام می‌رساند، در حقیقت مشارکت در یک نقش تاریخی و زمینه سازی برای برپا شدن حکومت عدل مطلق الهی است که حضرت مهدی - عجل الله فرجه - عهده دار تحقق آن است.

در این صورت می‌بینیم که انسان مؤمن به جای اینکه ارزش کار و فعالیت خود را در خلال اهداف مورد نظر خود در زندگی کوتاه و زود گذرش، یا در خلال اصلاحاتی که می‌تواند در جامعه بشری معاصر خود به وجود بیاورد، جستجو کند، که البته در هر دو مورد تأثیر فعالیت‌ها و اهداف خود را محدود و زود گذر یافته، نسبت به آنها بی رغبت خواهد شد، نقش خاص خود را در زنجیره مراحل و اعمالی که در کل در آینده

نقش اهل بیت [^] در بنیان گذاری جماعت صالحان 2

به برپا شدن مدینه فاضله بشری منتهی خواهد شد پیدا خواهد کرد. این فرآیند به طور طبیعی، در تعامل با فعالیت‌ها، اعمال و فداکاری‌های او، روحیه بسیار قوی و بالایی به وی خواهد بخشید؛ بدان سان که هدف چنان بزرگ جلوه می‌نماید که همه این فعالیت‌ها، تلاش‌ها و فداکاری‌ها را تحت پوشش در می‌آورد، چه بزرگ و دشوار باشند یا کوچک و محدود. **آرزوی بزرگ:** امید و آرزوی بزرگ به پیروزی نهایی که هر چقدر انتظار به طول بینجامد، قطع و خاموش نخواهد شد و این احساس که به زودی این دوره نیز به پایان می‌رسد و ایجاد روحیه آینده جویی دائم در آنان.

و شکی نیست که روحیه امیدواری از بزرگ‌ترین روحیاتی است که همواره در استمرار حرکت و صبر و استواری و فداکاری به کمک انسان می‌آید.

سربازی که می‌داند دیگر سربازان راهش را ادامه می‌دهند و پس از او فتح و پیروزی را به دست خواهند آورد، بیشتر آماده فداکاری خواهد گردید؛ بسیار بیشتر از وقتی که احساس کند با کشته شدن او راهش متوقف مانده و جنگ نیز پس از وی با شکست مواجه خواهد گردید.

همچنین سربازی که در میدان جنگ مشغول نبرد است و احساس می‌کند که ممکن است برای به دست آوردن پیروزی در میدان‌های دیگری نیز شرکت کند، از شکست در میدان اول ناامید و متوقف نشده، به حرکت خویش ادامه می‌دهد. این حالت جز در کسانی که به تئوری وجود حضرت مهدی - عجل الله فرجه - ایمان و اعتقاد دارند یافت نخواهد شد:

همو که فرمانده میدان نبرد است و پیوسته به فرماندهی خود ادامه خواهد داد تا کار را به نهایت برساند. این از عواملی است که شعله امید را همواره زنده و فروزان باقی نگاه می‌دارد تا انسان را در هر شرایطی به سمت حرکت و فعالیت وادارد.

گرفتن انتقام ستمدیدگان: درک و احساس این حقیقت که تمام ستم‌ها و دردهایی که ستمدیدگان مؤمن با آن رو به رو می‌شوند، بی‌پاسخ نمانده و روزی خواهد رسید که این ستمدیدگان، انتقام خود را از ستمگرانی که در حق بشریت مرتکب همه این جنایات شده‌اند، خواهند گرفت.

این فرآیند گرفتن انتقام، صرف نظر از جنبه شخصی - که به مسئله رجعت⁽¹⁾ و مضمون سیاسی اجتماعی آن ارتباط پیدا می‌کند - در رابطه با کسانی به اجرا در می‌آید که در پرداختن به ظلم و ستم راه گذشتگان ستمکار خویش را دنبال می‌کنند؛ چرا که همه این ستمگران، نسل بعد از نسل اجزای یک پیکره بوده، امت واحدی را تشکیل می‌دهند و انتقام از آخرین آنان همانند انتقام از اولین آنها نیز خواهد بود.

اندیشه خونخواهی و گرفتن انتقام - به معنی سالم آن، یعنی خونخواهی بر اساس ارزش‌ها و اصول حق و عدالت - اندیشه‌ای صحیح و

1. رجعت نظریه‌ای است که در روایات، از اهل بیت^ع وارد شده است و ظاهراً از آن استفاده می‌شود که در آخر الزمان خویان و بدان و صالحان و اشرار و کافران و منافقان به این جهان باز خواهند گشت تا شاهد پیروزی حق بر باطل بوده، انتقام ستمدیدگان از ستمگران ستانده گردد. ما نیز به زودی در یکی از جلد‌های این مجموعه، به بحث در باره این موضوع خواهیم پرداخت، البته علمای امامیه نیز در کتاب‌های اعتقادی خود از این موضع بحث کرده‌اند.

نقش اهل بیت [^] در بنیان گذاری جماعت صالحان 2

اسلامی است که قرآن کریم نیز در چند مورد از آن سخن رانده است، مانند این آیه:

{قَاتِلُوهُمْ يُعَذِّبُهُمُ اللَّهُ يَا أَيُّدِيكُمْ وَيُخْرِجُهُمْ وَيَنْصُرْكُمْ عَلَيْهِمْ وَيَشْفِ صُدُورَ قَوْمٍ مُّؤْمِنِينَ} (1)

با آنان بجنگید؛ خدا آنان را به دست شما عذاب و رسوایشان می کند و شما را بر ایشان پیروزی می بخشد و دل های گروه مؤمنان را خنک می گرداند.

روایات نیز در مواردی که از حضرت امام حسین × به عنوان خون خدا (ثار الله) یاد کرده، و به این نکته اشاره دارند که یکی از شعارهای یاران حضرت مهدی × «یا لثارات الحسين» است، از همین موضوع سخن به میان آورده اند، و چنین است عباراتی چون: «و اقرن ثارنا بثاره» خدایا خون ما را با خون او پیوند ده. که در زیارات شریف آن حضرت آمده است. (2)

این درک و احساس نیروی معنوی بزرگی در اندرون انسان ایجاد می کند؛ چرا که خداوند متعال این گونه از احساسات را در انسان به ودیعت نهاده است و به همین جهت است که انسان به صورت طبیعی در زندگی خود به این احساس گرایش پیدا می کند و یکی از انگیزه های حرکت او به حساب می آید.

1. توبه / 14.

2. مفاتیح الجنان: زیارت وارث، که نیز در آن آمده است: «السلام عليك يا ثار الله و ابن ثاره... سلام بر تو ای خون خدا و پسر خون خدا».

ساختار معنوی جماعت صالحان

اسلام برای جهت دادن به این احساس و انگیزه اهمیت بسیاری قائل شده است، مبدا که این احساس فطری انسان به انحراف کشیده شود و بدون اینکه در مسیر کمال جویی انسان قرار گیرد به یک عمل غریزی صرف تبدیل گردد، و بدین ترتیب اسلام مسئله انتقام جویی و خنک کردن دل را در کانال اصول و ارزش‌ها قرار داده است - نه یک احساس نفسی و گرایش شهوانی - تا مانند سایر احساسات و غرایزی که اسلام به آنها اهمیت داده است، عامل حرکت انسان در مسیر تکامل گردد.

روشن است که مسئله خونخواهی و انتقام در مسئله حضرت مهدی - عجل الله فرجه - یک انتقام و خونخواهی شخصی از اشخاص نیست، بلکه انتقام و خونخواهی از شرایط فاسدی است که انسان در آن به سر می‌برد، و نتیجه این انتقام هم تغییر این شرایط فاسد به شرایط آکنده از عدل، حقیقت و خیر است.

فهرست

اصول کلی ساختار جماعت صالحان

پیش درآمد - 7

1. ساختار عقیدتی جماعت صالحان - 9

- [1] قرآن و سنت، دو منبع عقیده - 11
- [2] تکامل در عقیده و تکامل در مذهب - 15
- [3] فراگیر بودن اعتقادات - 21
- [4] آزادی فکر و منطق صحیح - 24

2. ساختار اخلاقی جماعت صالحان - 27

- [1] نقش اخلاق در بافت حکم شرعی - 29
- [2] فرق گذاشتن میان اسلام و ایمان - 33
- [3] ایمان و عمل - 37
- [4] اخلاق و رهبران - 44
- [5] اخلاق و عدالت - 48
- [6] شیوه ترکیه - 49
- تئوری - 49
- راهکار - 53

3. ساختار فرهنگی جماعت صالحان - 57

پیش درآمد - 59

دو طرح مهم جهت پیشبرد ساختار فرهنگی - 62

طرح اول: پایه ریزی خط مشی فرهنگی - 62

[1] آزادی اندیشه و اجتهاد دقیق - 63

[2] دانش و دانش آموزی - 66

[3] تنوع در روش های فرهنگ سازی - 74

دعا - 75

وصیت - 76

نامه ها - 76

روش های دیگر - 77

[4] تنوع در مواد فرهنگی - 77

طرح دوم: پایه ریزی مؤسسات علمی- فرهنگی - 79

[1] حوزه های علمیه - 81

مدرسه کوفه و قم - 82

تربیت مجتهدان - 83

تربیت مبلغان - 85

چیرگی بر مشکلات جدید - 86

حفظ میراث اسلامی - 87

[2] مسجد و حسینیه - 88

جماعت صالح و مسجد - 89

- جماعت صالح و حسینیہ - 91
[3] شعائر حسینی - 92
شعائر سنتی - 94
گریه و اندوه - 94
زیارت و اهمیت آن - 104
ابعاد نماد زیارت - 108
مجالس حسینی - 112
اهمیت مجالس حسینی و ابعاد آن - 114
هدف های اساسی شعائر حسینی - 119
شعائر ابتکاری - 120

4. ساختار معنوی جماعت صالحان - 125

- [1] روح پرهیزگاری و آمیختگی ایمان باعمل - 128
[2] یاوران راستین حق - 131
[3] محبت و ولایت اهل بیت [^] - 136
[4] فداکاری - 141
ابعاد معنوی نهضت امام حسین × - 142
بُعد اول: جنگ حق و باطل - 142
بُعد دوم: ارزش های اخلاقی - 144
بُعد سوم: حجم بالای فداکاری - 144
بُعد چهارم: حق طلبی آشکار - 146

بُعد پنجم: حماسه ای چند بُعدی - 147

بُعد ششم: شهادت طلبی - 148

بُعد هفتم: پیامبر و فرزند رسالت - 149

[5] رابطه معنویت با بلا - 150

[6] صبر و مقاومت - 155

درمان فشارهای روحی - 163

شعله خاموش نشدنی امید - 170

مسئله حضرت مهدی × - 175

شفافیت تکلیف - 181

حفظ ارزش - 182

روح صبر و ثبات - 182

کمک به برپایی عدالت - 183

آرزوی بزرگ - 184

گرفتن انتقام ستمدیدگان - 185